



سال نهم - بنسبت ۶ اردیبهشت ۱۳۶۳ - تک شماره ۱۰۰۰ ریال (خارج از کشور معادل یک دلار)

سالروز بعثت

پیامبر عظیم الشان اسلام

گرامی باد

در صفحه ۶

شماره ۲۰۰۵

بهای رنج...!

سروده‌ای از:

اسماعیل وفا - یغمانی

در صفحه ۶

گسترش حمایت‌های بین‌المللی

از سیاست‌های صلح خواهانه

شورای ملی مقاومت

\* اعطای جایزه صلح

مجمع ائتلاف ملی هند

به برادر مجاهد مسعود رجوی

\* قطعنامه بین الملل لیبرال

در مورد جنگ ایران و عراق

\* و گزارشاتی از آلمان، سوئد و ...

در صفحه ۳

بمناسبت روز جهانی کارگر

خمینی؛ خصم کارگر

\* در طول سال گذشته نیز رژیم ضد بشری خمینی علاوه بر تشدید انواع فشارها و بهره‌کشی‌ها، با اعزام اجباری گروه‌گروه کارگران کارخانه‌ها به جبهه، بسیاری از آنان را در لیبی جنگ افروزی‌های توسعه طلبانه و هوسبازانه‌ی خود قربانی نمود و چون همیشه خصومت تام و تمام خود را با کارگران به نمایش گذاشت.

\* امسال رژیم، تعطیلی "روز جهانی کارگر" را لغو نموده و اعلام کرده است که حاصل "بیگاری" کشیدن از کارگران در این روز را به جبهه‌های جنگ خانمانسوز اختصاص خواهد داد!

در صفحه ۵

پیام

مسئول شورای ملی مقاومت

بمناسبت روز جهانی کارگر

کارگران قهرمان ایران،

شوراها و هسته‌های مقاومت کارگری؛

شورای ملی مقاومت "روز جهانی کارگر" را که یادآور مبارزه‌ی عادلانه و مستمر کارگران و زحمتکشان جهان برای امحاء استثمار و ستم طبقاتی در تمامی جوامع بشری است؛ به همی کارگران جهان و بویژه به طبقه‌ی کارگر مقاوم ایران تهنیت میگوید. بدیهی است که این نبرد دورانساز با همه‌ی مبارزات و مقاومت‌های بشریت محروم در برابر ستم و استبداد، به نحوی گسست‌ناپذیر مرتبط بوده و مآلاً به تحقق جامعه‌ای حقیقتاً آزاد و عاری از طبقات و پایان دادن به هر نوع بهره‌کشی انسان از انسان راه می‌برد.

چنین است که در کشور ما ایران نیز مقاومت عادلانه برای سرنگونی دیکتاتوری ارتجاعی خمینی با مضمون و اهداف دموکراتیک - انقلابی خود، مقدم‌ترین و مبرم‌ترین خواسته‌های طبقه‌ی کارگر ایران را (همچون سایر اقشار و طبقات مردمی) منعکس میکند. فهرست هزاران اسیر و شهید کارگر در شمار رزمندگان و مجاهدان و مبارزان مقاومت سراسری، مبین نقش ارزنده‌ی کارگران در این مقاومت شکوهمند مردمی است. از سوی دیگر اختناق بی‌مانندی که رژیم خمینی از طریق انجمن‌های باصطلاح اسلامی و شوراها و ضدکارگری و دیگر دوائر سرکوب خود در کارخانجات و یا با حضور مداوم پاسداران مسلح در محیط کار، اعمال میکند؛ وحشت و هراس بنیادین این رژیم را از نقش استراتژیکی و تاریخی مقاومت کارگری - که در اواخر دوران شاه نیز به منصفی ظهور رسید - به نمایش میگذارد.

با اینهمه جنبش و مقاومت کارگری ایران چه بصورت شرکت کارگران انقلابی در هسته‌ها و واحدهای مقاومت سراسری و چه در شکل اعتراضات و اعتصابات مختلف در بسیاری از کارخانجات کشور، پیوسته ادامه داشته است؛ اگرچه رژیم خمینی از انتشار و انعکاس اخبار آن شدیداً جلوگیری بعمل می‌آورد. ضمن یکسالگی اخیر می‌توان بعنوان نمونه از اعتراضات و اعتصابات کارخانجات و واحدهای کارگری زیرین نام برد:

بقیه در صفحه ۲

گزارشاتی از فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی

و عملیات هسته‌های مقاومت در هفته

تحریم انتخابات فرمایشی رژیم خمینی

در سراسر کشور (۳)

\* سومین برنامه‌ی سراسری تبلیغی - اجتماعی هسته‌های مقاومت مسلحانه و میلیشیای قهرمان مجاهدین که این بار به مناسبت "تحریم انتخابات" تدارک دیده شده بود، با پیام اول بهمن مسئول شورای ملی مقاومت برادر مجاهد مسعود رجوی و بدنبال آن بر اساس اطلاعیه‌ی ستاد بخش اجتماعی سازمان مجاهدین خلق ایران آغاز گردید و در هفته‌ی ۱۹ تا ۲۶ فروردین به اوج خود رسید. در طول این مدت، هسته‌ها از نقاط مختلف کشور، متناوباً گزارش فعالیت‌های خود را برای بخش‌های مربوطه و منجمله برای نشریه‌ی "مجاهد" ارسال کرده‌اند.

در صفحه ۷

کشتار رژیم در  
انتخابات فرمایشی  
درزاهدان

\* پاسداران ضد خلقی خمینی در جریان فرونشاندن تضاد و درگیری بین دو جناح درونی رژیم بر سر انتخابات فرمایشی در زاهدان، تظاهرات مردم را به رگبار بسته و ۸ تن، منجمله یک مادر و کودک خردسالش را از پا در آوردند.

در صفحه ۲۹

در صفحات دیگر:

\* سالروز تصویب قانون خلع ید

در صفحه ۲۷

\* سالگرد راهپیمایی با شکوه مادران مجاهد

در ۷ اردیبهشت ۶۰

در صفحه ۲۷

\* اسامی تعدادی دیگر از فرماندهان، مهربه‌ها و عناصر مهم رژیم که در تهاجمات اخیر کشته شده‌اند

در صفحه ۱۲

اخبار کوتاه

\* شهادت یک رزمندگی مجاهد خلق در زیر

شکنجه و ادامه‌ی موج اعدام‌های مخفیانه

\* تبلیغات دجالگونه

\* "حمایت از مستضعفین"!!

\* درماندگی و ورشکستگی رژیم خمینی

\* اینهم "آبادی" و "توسعه" در منطق خمینی

\* گزارش خبرنگاران "شیطان بزرگ"

\* یک‌گام نزدیکتر از رژیم شاه

\* اعلامیه در "حاکمیت"؟!

در صفحه ۱۱

صفحات ویژه خارج از کشور

\* هویت و عملکرد سیاسی

ضد انقلاب

\* غلط‌های زیادی!

(در صفحات ۱۳ تا ۲۱)

## پیام مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت روز جهانی کارگر

بقیه از صفحه اول

دخانیات (تهران)، لیلاند موتور (تهران)، کوکاکولا (مشهد)، فولادشهر (اصفهان)، بافتناز (اصفهان)، ذغال سنگ (زیرآب قائمشهر)، مس سرچشمه (کرمان) و نمونه‌های متعدد دیگر.

کارگران قهرمان ایران!

رژیم ضدکارگری خمینی همچنان به جنایات ضدانسانی، جنگ خانمانسوز خارجی و ویرانی و فاجعه آفرینی اقتصادی ادامه می‌دهد و فشار طاقت‌فرسای آنرا بیش از همه بر زحمتکشان و کارگران ایران تحمیل میکند. تنها صنعتی که در حکومت خمینی پیوسته توسعه یافته و درهای آن به روی ارتش ۶ میلیونی و روزافزون بیگاران ایران گشوده است؛ "تنور" جنگ و پاسداری "اختناق" است که مضافاً بر صدها میلیارد تومان ضرر و زیان اقتصادی، نیروها و سرمایه‌های انسانی کشور را نیز هزار هزار به کام مرگ و نابودی می‌فرستد.

از طرف دیگر ظرف چند سال اخیر قیمت کالاهای اساسی ۱۰ تا ۲۰ برابر افزایش یافته و هزینه زندگی بیداد میکند. اما بموجب دستورالعمل وزارت ضدکارگری خمینی در پایان سال گذشته، دستمزد پایه‌ی کارگران کماکان به همان میزان سال ۵۸ (روزانه ۶۳۵ ریال) تثبیت گردید. حال آنکه صرفنظر از انبوه اخاذی‌ها و چپاول‌های عوامل خمینی و کاهش یا قطع سود ویژه و سایر امتیازات - بر اساس آمارهای رسمی رژیم، این دستمزد می‌بایست در سال ۶۱ دست کم به ۱۰۴۰ ریال بالغ شده و در سال ۶۲ نیز به مراتب بیشتر می‌شد، تا بتواند از همان قدرت خرید سال ۵۸ برخوردار باشد. در این میان تحمیلات، تبعیضات و قوانین ضدکارگری رژیم خمینی نیز آنچنان عقب مانده و ظالمانه است که فی‌الواقع مناسبات بهره‌گشانه‌ی دوران برده‌داری را تداعی می‌کند. کار به آنجا رسیده است که وزیر ضدکارگر و خیانتکار خمینی در مصاحبه‌ی رادیویی امروز خود گفت: "۱۱ اردیبهشت روز کارگر تعطیل نخواهد بود." و ادامه داد: "کارگران اعلام کردند که سود حاصل از کار در روز کارگر را به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل اهداء خواهند کرد."

این عبارات اگرچه کوتاه است اما بخوبی نشان‌دهنده‌ی عمق دجالگری خمینی و طینت ضدکارگری رژیم اوست. عجب! کارگران زحمتکش ایران را در روز عید جهانی آنان به کار مجبور می‌کنند و سود حاصله از دسترنج آنان را در "تنور" جنگ‌افروزی ضد میهنی و ضد ملی خود به آتش می‌کشند و آنگاه با بیشرمی همه‌ی اینها را آشکارا از زبان خود کارگران اعلام می‌نمایند! آری اینست ماهیت تبه‌کارترین اهریمن تاریخ ایران که نام "امید مستضعفان جهان"!! بر خود نهاده بود.

در هر حال امروز علیرغم عریه‌های گرگنده‌ی خمینی در دفاع از "مستضعفین"، چهره‌ی او و رژیمش در محافل کارگری سراسر جهان به ظلم و خیانت، بویژه در حق کارگران و زحمتکشان مستضعف، معروف شده است. در همین رابطه یادآوری می‌کنم که ضمن سال گذشته نیز شورای ملی مقاومت علاوه بر فعالیتهای مستمر روشنگرانه در رابطه با سندیکاها، احزاب و مجامع کارگری کشورهای مختلف جهان؛ همزمان با تشکیل شصت و نهمین کنفرانس سازمان بین‌المللی کار در ژنو، مجدداً انبوهی از اسناد و مدارک مستند در مورد روشها و سیاستهای ضدکارگری رژیم خمینی ارائه نمود و نمایندگان کارگران جهان را بدقت در جریان سرکوب ضدکارگری خمینی در ایران قرار داد. نفرت اغلب نمایندگان از اقدامات ضدکارگری خمینی، بویژه طرح ارتجاعی و ضدانسانی قانون کار، اخراج خودسرانه‌ی کارگران، اعزام اجباری به جبهه‌های جنگ و کسرا جباری بخشی از دستمزد آن‌ها برای هزینه‌های جنگی و دیگر

تخلّفات آشکار رژیم خمینی از معاهداتی که توسط ایران در چارچوب سازمان بین‌المللی کار امضاء شده است، کاملاً چشم‌گیر بود. بنحوی که رژیم خمینی چه در حین برگزاری جلسات و چه در گزارش پایانی کارکنفرانس، اکیداً در معرض سوالات مختلف و مورد نگرانی قرار گرفت.

به این ترتیب رژیم ضدکارگری خمینی در برابر ۳۰۰۰ نماینده از یکصد و شش کشور جهان که صدها میلیون کارگر در سراسر جهان را نمایندگی میکردند، یکبار دیگر افساء و بی اعتبار گردید.

کارگران رزمندگی ایران!

هسته‌های مقاومت کارگری!

اکنون عید جهانی کارگران را در شرایطی برگزار می‌کنیم که رژیم خمینی در انزوای مطلق داخلی و در بدنامی و رسوائی کامل بین‌المللی، با بن‌بستها و بحرانهای حاد و لاعلاج درونی و بیرونی روبرو است. همدی نشانها و شواهد، از فروپاشی محتوم آن خبر می‌دهد. در چنین شرایطی طبقه‌ی رزمندگی کارگر ایران و بویژه کارگران پیشتاز و انقلابی، در مسیر تدارک قیام رهائی‌بخش عمومی، وظایف خطیری بر عهده دارند که ذیلاً بر اھم موارد آن تأکید میکنم:

۱- بن‌بست رژیم خمینی در رابطه با جنگ‌افروزی ضد ملی و ضد میهنی‌اش از یکسو و گسترش جنبش عمومی صلح از سوی دیگر؛ دیکتاتوری خمینی را در موقعیت بسیار دشواری قرار داده است. "بهنانه‌ی جنگ" به مثابه‌ی بزرگترین حربه‌ی خمینی برای سرپوش گذاشتن بر اختناق و سرکوب داخلی و نابسامانی‌ها و مصائب بی‌پایان اقتصادی و اجتماعی؛ گارآئی خود را پیوسته از دست می‌دهد. در مقابل، جنبش عمومی صلح در مسیر ارتقاء مقاومت و تدارک قیام عمومی، رژیم خمینی را با شتابی دم‌افزون به پرتگاه سقوط قطعی نزدیک می‌سازد.

در این رابطه با تبلیغ هرچه گسترده‌تر شعار "صلح و آزادی" در محیط کار خود، دجالگری‌های خمینی را خنثی نموده و بسیج جنگ طلبانه و ضد میهنی او را با بکارگرفتن همه‌ی اشکال مبارزه‌ی منفی و مثبت درهم بشکنید.

۲- اعتصابات و اعتراضات کارگری را کماکان پیرامون مبرمترین خواسته‌های صنفی و محرومیتهای مختلف خود و همچنین در قبال قوانین و تحمیلات ضدکارگری دامن‌زده و گسترش دهید. توجه کنید که هر درخواست عادلانه‌ی شما - هرچند هم کوچک و موضعی - در مجموع بخشی از جنبش بزرگ عمومی خلق در برابر رژیم ضد مردمی خمینی است. برای دریافت کمترین امتیازات صنفی و حتی یکریال اضافه دستمزد یا یک تومان سود ویژه یا برخورداری از سرویس رفت و آمد رایگان، اکیداً مقاومت کنید. سعی کنید درخواستهای عادلانه‌ی شما طوری مطرح و پیگیری شود که بتواند تعداد هرچه بیشتری از کارگران را در بر گرفته و گام بیگام آنها را در برابر عوامل سرکوبگر خمینی متحدتر و قوی‌تر سازد. آنگاه می‌توان سطح درخواستها و اقدامات عادلانه‌ی را که سرانجام به سقوط قطعی این رژیم ضدکارگری منجر می‌شود، قدم بقدم بالا برد.

۳- بگوشید اعتراضات و اعتصابات حقیقی خود را با رعایت همه‌ی مسائل و نکات امنیتی به سطح تشکیل هسته‌های مخفی مقاومت کارگری ارتقاء دهید. در این مسیر هم "تداوم" و هم "گسترش و ارتقاء" سازمان یافته‌ی مقاومت شما تضمین می‌شود. نکته‌ی مهمتر اینکه پیوند خوردن حرکات و اعتراضات مسالمت‌آمیز و بسیار ضروری شما با شکل محوری مبارزه‌ی انقلابی یعنی مبارزه‌ی مسلحانه؛ که در چارچوب هسته‌های مقاومت امکان پذیر است؛ با مال قیام رهائی‌بخش عمومی و سرنگونی دشمن ضدکارگری و ضد مردمی را میسر و تسریع می‌نماید.

۴- مطلع شدن از پیامها و مواضع مقاومت و

دستورالعمل‌های مرحله‌ای، بسیار ضروری است. از هر طریق که می‌توانید در این باره بگوشید و سعی کنید ارتباطات لازم را تأمین و افزایش دهید.

۵- اعلامیه‌ها و شعارها و سیاستهای شورای ملی مقاومت، بویژه سیاست صلح را با حداکثر توان در محیط کار خود پخش و توزیع نموده و هیچ فرصتی را برای تبلیغ آنها از دست ندهید. اخبار کارگری و بویژه خبرهای مربوط به مقاومت کارگری را در نخستین فرصت و با هر وسیله‌ای در سطح جامعه پخش نموده و آنها را به مراکز خبری و یا سازمانهای عضو شورای ملی مقاومت برسانید.

۶- رزمندگان و واحدهای مقاومت مسلحانه را به هر طریق و به هر میزان که برایتان میسر است، از جهات مختلف حفاظتی و سکونتی، اطلاعاتی و تدارکاتی مورد حمایت قرار دهید.

۷- حداقل حقوق کارگران در مرحله‌ی حاضر، ضمن برنامه‌ی شورای ملی مقاومت رسماً به شرح ذیل مشخص گردیده است:

"پیروزی نهائی انقلاب ایران در ارتباط مستقیم با وضعیت و نقش طبقه‌ی کارگر کشور و انبوه زحمتکشانی است که دینامیسم اصلی انقلاب را تشکیل میدهند. بنابراین احقاق حقوق این طبقه بروشنی بیانگر درجات مختلف پیشرفت و تکامل اجتماعی ماست. باین منظور دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی نکات زیر را رعایت خواهد نمود:

الف - لغو کلیه‌ی مقررات ضدکارگری و تدوین قانون جدید کار با نظر خود کارگران.

ب - سهم کردن کارگران در اداره‌ی کلیه‌ی صندوقها و بانکهای مختلف کارگری و حتی المقدور سپردن این مراکز بخود آنها.

ج - برسمیت شناختن حق اعتصاب و هرگونه اعتراض مسالمت‌آمیز دیگر با اعلام قبلی.

د - لغو تمام کسور دولتی از قبیل مالیات و بیمه و امثالهم از دستمزد کارگران و تأمین تدریجی هزینه‌های ضروری نظیر بیمه و بازنشستگی.

ه - لغو کلیه‌ی مطالبات پیشین از کارگران محروم در کلیه‌ی زمینه‌ها

و - تلاش برای تأمین مسکن، حمل و نقل و بهداشت برای همه‌ی کارگران و تهیه‌ی شیرخوارگاه و کودکستان برای فرزندان آنها و تقدم حق تحصیل مجانی در دانشگاهها و مدارس عالی.

ز - افزایش تصاعدی حق‌السهم کارگران از سود کارخانجات به نسبت افزایش سود کل.

ح - تأمین آموزش حرفه‌ای و فنی برای کارگران غیرمتخصص.

ط - تلاش برای تثبیت حداقل سطح زندگی تمام کارگران به نسبت افزایش هزینه‌ها.

بنابراین در انقلاب نوین ایران، کارگران ایران پیشاپیش در رابطه با حداقل حقوق خود از برنامه‌ی تنها آلترناتیو دمکراتیک آگاه و باخبرند.

اکنون باید با ترسیم چشم‌انداز ایران دمکراتیک فردا، آثار سوء خیانت‌ها و دجالگری‌های مستضعف نمایانه‌ی خمینی را خنثی نمود و روحیه‌ی مقاومت و امید را در میان کارگران برانگیخت و پیروزی محتوم بر نظام ضدکارگری و ضد مردمی خمینی را بشارت داد. خون هزاران شهید خلق بویژه شهدای پرافتخار مقاومت کارگری ایران، ضامن تحقق اهداف و برنامه‌های انقلاب نوین و کبیر مردم ایران است.

مرگ بر خمینی - زنده باد صلح و آزادی  
درود بر کارگران رزمنده و مقاوم ایران

مسئول شورای ملی مقاومت  
مسعود رجوی

اردیبهشت ۱۳۶۳

# گسترش حمایت‌های بین‌المللی از سیاست‌های صلح خواهانه

## شورای ملی مقاومت

### اعطای جایزه صلح مجمع ائتلاف ملی هند به برادر مجاهد مسعود رجوی

مجمع ائتلاف ملی در سال ۱۹۷۱ با هدف مبارزه در جهت صلح و خلع سلاح جهانی تاسیس گردید. در این مجمع ۳۰۰ نماینده پارلمان هند و تعداد بسیاری از نمایندگان مجالس ایالتی و شخصیت‌های هند عضویت دارند. مجمع ائتلاف ملی، وابسته به "کمیته صلح جهانی" سازمان ملل متحد است. از فعالیت بین‌المللی این مجمع، برگزاری و شرکت در تظاهرات خلع سلاح در آمریکا و رومانی را می‌توان نام برد. مجمع علاوه بر فعالیت‌های بین‌المللی در داخل هند نیز بصورت وزنه‌ای در حل اختلافات داخلی بحساب می‌آید که از جمله دخالت مجمع در حل مسئله "سیک"ها در این کشور که به تقاضای دولت هند صورت گرفت را میتوان ذکر کرد.

ریاست مجمع به عهده پرفسور "راج‌بالدو" از چهره‌های خوشنام و معروف هند است. وی که از شخصیت‌های نزدیک به خانم گاندی است، تا کنون در رابطه با مقاصد صلح‌جویانه مجمع، سفرهایی به کشورهای مختلف جهان و منجمله کره شمالی انگلیس، رومانی، مصر و... نموده و مذاکراتی با مقامات این کشورها داشته است.

در زمره اقدامات مجمع ائتلاف ملی، اعطای جایزه صلح این مجمع است که بنا به پیشنهاد اعضا و تصویب هیئت گزینش صورت می‌گیرد. ضابطه اعطای این جایزه، نقش و خدمات بارز فرد کاندید در جهت صلح و خدمات جهانی می‌باشد. این جایزه در سال‌های گذشته به شخصیت‌هایی از جمله: نیکلای چائوشکو رئیس جمهور رومانی و خانم ایندیرا گاندی نخست‌وزیر هند تعلق گرفته است.

در آخرین نشست هیئت گزینش مجمع ائتلاف ملی هند، جایزه صلح این مجمع برای سالهای ۱۹۸۴-۱۹۸۳، باتفاق آراء به برادر مجاهد مسعود رجوی تعلق گرفت که طی پیامی از سوی پرفسور "راج‌بالدو" رئیس مجمع، اعلام گردید. خبر اختصاص جایزه صلح به برادر مجاهد مسعود رجوی، در هند بازتاب گسترده‌ای داشت و توسط سه خبرگزاری و دهها روزنامه و نشریه هند منعکس گردید.

### متن پیام

آقای مسعود رجوی - پاریس  
به من افتخار دهید تا بمناسبت انتخاب جنابعالی توسط مجمع ما برای دریافت جایزه "خدمات انساندوستانه به جهانیان" در سال ۸۳ و ۸۴ که بدنبال مساعی چشمگیر شما در زمینه حقوق بشر و تلاش‌تان برای حفظ حرمت انسانی به شایسته‌ترین طرق به شما تعلق گرفت، مراتب تبریکات خود را تقدیم دارم. از آنجا که مجمع ائتلاف ملی سعی در ارتقای ارزشهای غنی حقوق انسانی دارد، لذا اعضای هیئت گزینش این مجمع، به اتفاق آراء از

خدمات و کمک‌های شما در رابطه با جامعه بین‌المللی تقدیر کرده و نقش شما را شایسته این احترام بزرگ می‌داند. ما امیدواریم که دیگران هم با الهام از این نمونه کمر به خدمت بشریت ببندند. بدینوسیله قسمت‌هایی از صورتجلسه مراسم تخصیص جایزه مجمع ائتلاف ملی به جنابعالی نقل میشود که متن آن نیازی به توضیح ندارد:

"آقای مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق ایران شایسته دریافت جایزه "خدمت به جهانیان" شناخته میشود و این بخاطر کوشش‌های برجسته وی در راستای ارتقاء حرمت انسانی بمناسبت‌های مختلف در سالهای ۸۳ و ۸۴ می‌باشد. ولذا با احترام، آقای مسعود رجوی را بر اساس مبانی ذیل، شایسته عنوان "خدمات بشردوستانه بین‌المللی" برای سالهای ۸۳ و ۸۴ میدانیم:

۱ - مجمع ائتلاف ملی با شادی منبعث از انگیزه‌های انسانی که طی آن آقای مسعود رجوی با اتخاذ بهترین و شجاعانه‌ترین شیوه در برخورد با مسئله بوفینگ ۷۴۷ ر بوده شده، نسبت به بشریت انجام

داد، درود فرستاده و بر آن صحنه میگذارد. وی با قبول درخواست وزیر امور خارجهی فرانسه و رفتن به برج مراقبت فرودگاه اورلی (پاریس) از وقوع یک فاجعه در هواپیمائی که تعدادی ایرانی آنرا ر بوده و قصد داشتند که با خلق یک تراژدی، توجه جهانیان را نسبت باعمال دولتشان که مورد مخالفت آنها بود جلب کنند، جلوگیری کرد. از این طریق آقای رجوی جان مسافران هواپیما را نجات داد و توانست شخصا به این هدف بزرگ نوعودستانه خدمت کند.

۲ - مجمع ائتلاف ملی بر ابتکار صلح آقای رجوی درود میفرستد. ایشان بمنظور بررسی امکانات پایان بخشیدن به جنگ اسفانگیز خلیج، به تبادل نظر مشترک با مقامات عراقی پرداختند و طرح‌های صلح سیستماتیکی ارائه دادند. مجمع در این رابطه آقای طارق عزیز معاون نخست‌وزیر عراق را نیز شایسته تحسین میداند.

۳ - مجمع ائتلاف ملی مراتب تحسین و تقدیر خود را به آقای رجوی در رابطه با پیامی که ایشان به وزیر خارجهی عراق فرستاده و از وی خواستند که هدف‌های غیرنظامی را در حملات نظامی خود ننگاند، تقدیم میکند. (چرا که دولت عراق به این پیام پاسخ گفت و سپس دولت ایران نیز مجبور به قطع موقت بمباران مناطق غیر نظامی شد و هر دو طرف از حمله به هدف‌های غیرنظامی خودداری کردند. از اینرو مجمع ائتلاف ملی، اقدام آقای رجوی مبنی بر درخواست قطع بمباران را عملی شدیداً انساندوستانه تلقی میکند. بدین ترتیب آقای رجوی با ایفای نقشی برجسته، توانست جان هزاران شهروند ایرانی و عراقی را که احتمال میرفت قربانی بمباران‌های طرفین شوند، نجات دهد. "امضاءکننده این نامه تبریکات قلبی خود را بجنابعالی بخاطر کسب این افتخار بزرگ ابراز می‌دارد. اگرچه این افتخار صرفاً جنبه‌ی سمبلیک دارد، اما حاوی مواهب همان حرمت بشری است که شما به نحوعالی به آن خدمت کرداید. بااحترامات و با خلوص پرفسور راج‌بالدو رئیس هیئت گزینش مجمع ائتلاف ملی"

### قطعهنامه

#### بین‌الملل لیبرال

#### در مورد جنگ ایران و عراق

اجلاس کمیته‌ی اجرایی "بین‌الملل لیبرال" در روزهای ۲۴ و ۲۵ فروردین (۱۳ و ۱۴ آوریل) با شرکت نمایندگان بیش از ۲۰ حزب لیبرال از ۱۹ کشور جهان در شهر لندن برگزار گردید که روسای احزاب لیبرال کشورهای اسپانیا، آلمان فدرال، فنلاند، سوئد، یونان، انگلیس و نیز نخست‌وزیر ایسلند در آن شرکت داشتند. لازم به یادآوری است که پارهای از این احزاب نظیر حزب لیبرال ایتالیا، لوگزامبورگ، آلمان فدرال و ایسلند در حاکمیت می‌باشند.

در رابطه با برپائی این نشست از طرف انجمن‌های دانشجویان مسلمان خارج از کشور، تماس‌هایی با نمایندگان کشورهای مختلف صورت گرفته بود که در طول نشست نیز ادامه یافت، که طی آنها نقطه‌نظرات شورای ملی مقاومت در مورد صلح و جنگ افروزی رژیم خمینی تشریح گردیده و خواستار موضع‌گیری "بین‌الملل لیبرال" در رابطه با جنگ ایران و عراق و نیز نقض حقوق بشر در ایران شدند.

کمیته‌ی اجرایی بین‌الملل لیبرال در روز ۲۵ فروردین (۱۴ آوریل) قطعهنامه‌ی پیشنهادی حزب لیبرال انگلیس را در مورد نقض حقوق بشر در ایران و نیز جنگ ایران و عراق مورد بررسی و تصویب قرار داد.

### متن قطعهنامه

کمیته‌ی اجرایی "بین‌الملل لیبرال" در نشست خود در لندن:

- نگرانی خود را در رابطه با شرایط ایران ابراز داشته و نقض شدید حقوق بشر، اعدام‌های دستجمعی و شکنجه‌ی زندانیان سیاسی توسط رژیم خمینی را محکوم می‌نماید. - نگرانی عمیق خود را در رابطه با ادامه‌ی جنگ ایران و عراق که خطر فزاینده‌ای برای تمامی خاورمیانه است، بیان کرده و استفاده‌ی رژیم خمینی را از تاکتیک امواج انسانی و استفاده از کودکان و جوانان را در جبهه‌های جنگ و میادین

مین محکوم می‌نماید و نیز استفاده از سلاح شیمیائی توسط دولت عراق را محکوم می‌کند. - از کلیه اقدامات در جهت خاتمه دادن به این جنگ، حمایت کرده و از تمام احزاب عضو این بین‌الملل می‌خواهد تا با وارد آوردن فشار بر روی دولت‌های خود و سازمان‌های بین‌المللی، موجبات صلح، حقوق بشر، آزادی و دمکراسی، سریعاً در دو کشور فراهم گردد.

### هند

#### بیانیه ۱۴ عتن از نمایندگان

#### پارلمان ایالتی هند

#### در حمایت از طرح صلح

#### شورای ملی مقاومت

۶۱ تن از نمایندگان پارلمان ایالتی هند با صدور بیانیه‌های جداگانه، حمایت خود را از شورایی مقاومت و اقدامات صلح‌جویانه‌ی این شورا اعلام داشتند. در بخشی از این بیانیه‌ها آمده است: از زمانی که دولت عراق سربازان خود را از خاک ایران بیرون برد، برای همگان روشن است که خمینی جنگ را به منظور سرپوش (اختناق داخلی) ادامه می‌دهد. ما و تمامی مردم صلح‌طلب دنیا از طرح صلح شورای ملی مقاومت جهت خاتمه‌ی جنگ، حمایت می‌نمائیم:

اسامی نمایندگان:

- ۱ - شام راثوبی‌جی
- ۲ - یوناجی. اس. وی
- ۳ - بهوسیکار. آی. ان.
- ۴ - اس. ان. آلوری‌گوچی
- ۵ - وی. بی. پاتیل
- ۶ - جی. جی. آوالی
- ۷ - بی. ودمن
- ۸ - کامالا آجمینادھولیا
- ۹ - اس. اس. ادکه
- ۱۰ - دی. دی. چاوان
- ۱۱ - ورهیداس. پاتیل
- ۱۲ - کیشا وراثواس. پاتیل
- ۱۳ - تی. بی. گادام
- ۱۴ - آر. آر. پاتیل
- ۱۵ - دی. بی. خانویلکار
- ۱۶ - جی. اس. داک
- ۱۷ - بی. اس. آهیره
- ۱۸ - کمال کیشور گادام
- ۱۹ - کی. ان. دشما
- ۲۰ - نارایان ناباده
- ۲۱ - پ. ک. پاتیل
- ۲۲ - ب. ب. پاجباله

# بمناسبت روز جهانی کارگر



امان

۱۱ اردیبهشت ماه (اول ماه مه) روز جهانی کارگر، همه ساله به عنوان سمبل عدالت‌خواهی و مبارزات ضد بهره‌کشی، توسط کارگران و زحمتکشان سراسر جهان جشن گرفته می‌شود. اما در ایران تحت حاکمیت سیاه خمینی که حقوق‌زحمتکشان هردم‌پایمال‌میشود و ابتدائی‌ترین خواسته‌های صغی و سیاسی کارگران در "اسرع وقت" سرکوب می‌گردد، طبعاً جایی برای نظاهر علنی و واقعی حسن کارگران در "روز" مخصوص بخودشان باقی نمی‌ماند و لذا کارگران و زحمتکشان میهنمان گرامیداشت این روز را با انباشته کردن هر چه بیشتر خشم و نفرت خود بر علیه رژیم ضدبشری خمینی - در هر کجا که هستند و بهر شکلی که ممکن باشد - برگزار می‌نمایند.

سال گذشته در چنین روزی سردمداران جنایتکار رژیم، پس از آنکه سراسر سال ۶۱ را به سرکوب اعتراضات و اعتصابات کارگری برگزار نموده بودند، فرصت را در سالروز جهانی کارگر در سال ۶۲ غنیمت شمرده و در پیام‌ها و سخنرانی‌های خود، به عوام‌فریبی و مرثیه‌خوانی برای کارگران پرداختند. اما پیش از همه برای کارگران و زحمتکشان آگاه میهنمان روشن بود که فریبکاری‌های رژیم ضد کارگری خمینی، تنها تکمیل‌کننده‌ی حربه‌ی اصلی رژیم - سرکوب و اختناق - در مقابله با مقاومت سراسری مردمی می‌باشد و هیچکدام از آن وعده و وعیدها و عزت‌گذاری‌های دروغین، از حیطه‌ی اخبار تبلیغاتی رسانه‌های رژیم فراتر نمی‌رود!

لذا در طول سال ۶۲ نیز رژیم خمینی نتوانست از طریق وضع قوانین ضدکارگری، حق و حقوق کارگران را هرچه بیشتر پایمال نمود، از حقوق و مزایای کارگران کاست و بموازات آن اضافه‌کاری‌های متعدد را بر کارگران کارخانه‌ها تحمیل نمود، همچنین در طول سال گذشته کماکان فاصله‌ی زیاد سطح نازل دستمزدها با تورم افسارگسیخته، بر گرده‌ی زحمتکشان فشار طاقت‌فرسائی وارد آورد. با اینحال خمینی از حداقل دستمزد کارگران نیز چشم‌پوشی نکرده و بطور سیستماتیک بخشی از آن را جهت جبهه‌های جنگ اخاذی نمود. ضمن آنکه در طول این مدت خمینی ضدبشر با اعزام اجباری گروه‌گروه کارگران کارخانه‌ها به جبهه، بسیاری از آنان را در لهیب جنگ‌افروزی‌های توسعه‌طلبانه و هوسبازانه‌ی خود قربانی نمود و تمامی اینها نیز همانند گذشته، برای دار و

دستنی ضدخلفی حاکم، جز از طریق ایجاد اختناق هرچه بیشتر در محیط کارخانه‌ها و سرکوب اعتراضات کارگران، میسر نگردید و خمینی چون همیشه خصومت نام و تمام خود یا کارگران و حمایت از سرمایه‌داران وابسته‌اش را در طول سال گذشته به نمایش گذاشت. اینک در آستانه‌ی فرا رسیدن روز جهانی کارگر ضمن گرامی‌داشت آن، نگاه کوناه‌ی به روید روبروئی رژیم ضدخلفی خمینی با کارگران و زحمتکشان کشورمان در طول سال گذشته، می‌افکنیم.

### قوانین ضدکارگری رژیم

سال گذشته نیز بحث بر سر "پیش‌نویس قانون کار" ارتجاعی و ضد کارگری رژیم ادامه داشت. توکلی

قبلی و با بیچاندن آن در چارجوب تفکرات و نظرات قرون وسطائی فقهای جنایتکار خمینی تحت عنوان احکام اولیه و ثانویه، "پیش‌نویس جدید قانون کار" را مطرح نمودند. معاون وزارت کار و امور اجتماعی رژیم، طی مصاحبه‌ای صریحاً اعتراف کرد که "طبق نظر عمده‌ی فقها، ساعات کار را نمی‌توان برای کارفرما محدود کرد که آقای کارفرما باید این مقدار ساعت از کارگر بیشتر کار نکشی"، وی سپس قید کرد مسائلی نظیر این: (حقوق، تعطیلی، مرخصی، بیمه و...) سیر نظیر این حکم را دارد و لذا کارگزاران رژیم ضمن پای‌بندی نام و تمام به این "نظر عمده‌ی فقها" در قانون جدید کار، بشکل مضحکی تنها هشدارها و جریمه‌هایی را برای "کارفرمای متخلف" پیش‌بینی کرده‌اند که هیچگونه ضمانت

را مجبور میکرد تا از سرناعلاجی و ترس از بیکار شدن، به قراردادهای تحمیلی از سوی کارفرما (یعنی داشتن نان بخور و نمیر از طریق کار طاقت‌فرسا) تن دهند و به شدیدترین شکلی استثمار گردند. در همین پیش‌نویس دست‌پخت ارتجاع، "داشتن حق اعتصاب" و "حق ایجاد تشکلهای کارگری از قبیل: سندیکا، شورا، اتحادیه و..." از اساس منقعی گشته بود. به نحویکه هرگونه خودداری از کار (اعتصاب) به اخراج کارگر منتهی میگردد (ماده‌ی ۱۵ پیش‌نویس). و در مورد تشکلهای کارگری نیز، تنها مورد پیش‌بینی شده و مجاز، همان انجمن‌ها و شوراهای ضد اسلامی بودند که جز "همکاری و کوشش جهت جلوگیری از حرکت‌های ضدانقلاب (کارگران) در کارگاه و ارائه‌ی اطلاعات به

### بسناست روز جهانی کارگر

## خمینی؛ خصم کارگر

اجرائی ندارد و تازه هنوز دست‌اندرکاران این قانون ضد کارگری، نگران آنند که دست‌پخت ارتجاعیشان مورد قبول فقهای جنایتکار و ارتجاعی‌تر خمینی در "مجلس" و "شورای نگهبان" قرار خواهد گرفت یا خیر! اما همچنانکه در طول سال گذشته شاهد بودیم، رژیم خمینی منتظر هیچگونه قانونی در رابطه با مسائل کارگران نشده و کارگزاران رژیم و سرمایه‌داران سرسپرده به خمینی، هر کدام در قلمرو خود، خودسرانه و با الهام از قانون عام رژیم یعنی دیکتاتوری و اختناق و استثمار بی حد و حصر، بردمانه‌ی ظلم و اجحاف خود به کارگران افزودند. در اغلب کارخانه‌ها، سود ویژه، امتیازات کارگری، اضافه حقوق و... به بهانه‌های مختلف منجمله عدم سود دهی کارخانه‌ها و یا وجود جنگ، قطع گردید

مراجع ذیصلاح"، یعنی جز شرکت فعال در سرکوب کارگران وظیفه‌ی دیگری نداشتند. به عبارت دیگر رژیم نه تنها حق ایجاد تشکلی را که نتیجه‌ی بیش از ۶۰ سال مبارزه‌ی کارگران است و عمدتاً جهت احقاق حقوق صغی و طبقاتی آنهاست، زیر پا گذاشته، بلکه با ایجاد نهادهای جاسوسی و سرکوب کارگری (انجمن‌ها و شوراهای ضد اسلامی) به مقابله با هرگونه تشکل و حرکت‌های کارگری برخاسته است. پیش‌نویس قانون کار دست‌پخت رژیم، آنچنان بر علیه منافع و حقوق کارگران و زحمتکشان تنظیم شده بود که بلافاصله با اعتراضات گسترده‌ی کارگران روبرو گردید و کارگران آگاه کارخانه‌ها به توضیح مقاصد استثمارگرانه و ضدکارگری رژیم از تدوین این قانون، در میان همکاران خود پرداختند. بنحویکه حتی ایادی رژیم در کارخانه‌ها، تحت تاثیر فضای غالب مخالفت تمامی کارگران با پیش‌نویس فوق‌الذکر، بناچار دست به مخالفت با قانون دست پخت رژیمشان زدند. و بدین ترتیب راه برای تصویب قانون ارتجاعی و ضدکارگری که منجمله با تأیید "حوزه‌ی علمیه" تدوین گشته بود، مسدود گردید. (۱) بدنبال آن در اواخر سال گذشته، کارگزاران ضدخلفی رژیم، با دستکاری‌های مضحکی در پیش‌نویس

خائن، چماقدار سرشناس بهشهر و از سرسپردگان خمینی که وزیر کار وقت بود، اعلام کرد که این پیش‌نویس را به رؤیت و تأیید اغلب سردمداران رژیم و آخوندهای جنایتکار حوزه رسانده است. در این قانون ضد کارگری که بیشتر به قوانین دوران برده‌داری شباهت داشت، کار کارگر به مثابه‌ی "اجاره‌ی یک انسان توسط انسان دیگر" تلقی شده که با "معامله‌ی یک کالا" فرقی نداشت. در پیش‌نویس فوق‌الذکر تلاش زیادی بکاررفته بود تا حق و حقوقی را که کارگران در طی بیش از ۶۰ سال مبارزه (تاریخ اولین تشکلهای کارگری در ایران) بدست آورده بودند، از آنها سلب نماید. در قانون مزبور، ابتدائی‌ترین حقوق برسمیت شناخته شده‌ی کارگران از قبیل "تعیین حداکثر ساعات کار در هفته"، "تعیین حداقل دستمزد"، "تعیین حداقل سن برای کار"، "مرخصی سالیانه و ایام تعطیلی با استفاده از حقوق" و "داشتن حق بیمه"، آشکارا زیر پا گذاشته شده و تامین و یا تعیین میزان آنها اساساً به توافق و قرارداد بین کارفرما و کارگر موکول میگردد. بدین ترتیب، قانون ضدکارگری رژیم، در شرایطی که وجود ۶ میلیون بیکار در ایران، عرضه‌ی کار ارزان را بسیار بالا برده است، کارگران تحت ستم

(اطلاعات ۲۷/مهر/۶۲) - همچنین در پاره‌ای از کارخانه‌ها بجای ایجاد شیفت جدید تولید که برای رژیم و یا صاحبان کارخانه‌ها مقرون به صرفه نبود، به ساعات کار کارگران (با اندک اضافه مزد) اضافه شده و با این اقدام تحمیلی، به بهای کار هر چه بیشتر کارگران، به میزان درآمد سرمایه‌داران زالوصفت وابسته به رژیم افزوده گردید. از سوی دیگر در شرایطی که تورم وحشتناک با شتاب و رشد غیر قابل مهاری روز بروز بطور کیفی از قدرت خرید افسار کم درآمد بخصوص کارگران و زحمتکشان می‌کاهد و بویژه در سال ۶۲ که بنا بر اعترافات صریح اغلب کارگزاران رژیم، افزایش قیمت‌ها به مراتب سریعتر و بیشتر از سال‌های قبل بود، رژیم ضدخلفی در پایان سال برای پنجمین سال متوالی، حقوق پایه‌ی کارگران را ثابت نگاه داشته و آن را در همان حد ۶۳۵ ریال در روز تثبیت نمود.

علاوه بر آن، رژیم به این چپاول آشکار دسترنج زحمتکشان قناعت نکرده و با تدوین ضوابط جدید، از دامنه‌ی امتیازات و حقوق سنوالتی کارگران، نسبت به گذشته، کسر نمود (مجاهد شماره ۱۹۷). همچنین در سال گذشته وزارت صنایع سنگین مرخصی‌های تابستانی کلیه‌ی کارگران کارخانه‌های تحت پوشش این وزارتخانه را لغو کرده و تنها با وعده و وعید جبران آن در دیگر روزهای سال، این حق شناخته شده‌ی کارگران را زیر پا گذاشت. (اطلاعات ۳/مرداد/۶۲) در سال گذشته روند تعطیل شدن کارخانه‌های راکد و بی‌تولید یا کم‌تولید ادامه پیدا کرد و طی آن هزاران کارگر دیگر از کار بیکار گشتند و سردمداران رژیم، بیکارشدگان را به کار (به عبارت بهتر بیگاری) در امثال "جهاد سازندگی" و "بازسازی جبهه‌ها" و از همه مهمتر اعزام به جبهه‌های جنگ و مرگ احاله نمودند! (اطلاعات ۵/تیر و ۳/مرداد/۶۲)

بقیه در صفحه‌ی ۲۸

نمود که در کنفرانس وسیعاً مورد استقبال اغلب هیئت‌های شرکت‌کننده از کشورهای مختلف جهان قرار گرفت و به رسوائی هرچه بیشتر رژیم ضدبشری خمینی در افکار عمومی جهان منجر گردید. بنحویکه انعکاسات وسیع فوق بطور مشروح در صورتجلسه‌ی کنفرانس منعکس شده و در پاره‌ای نشریات معتبر جهانی نیز چاپ گردید (مراجعه شود به "مجاهد"، شماره‌های ۱۵۶ و ۱۵۹).

## سالروز بعثت پیامبر عظیم الشان اسلام گرامی باد

۹ اردیبهشت (۲۷ رجب) سالروز بعثت پیشوای بزرگ اسلام را به مسلمانان سراسر جهان تبریک و تهنیت می‌گوئیم و برای همه پیروان حقیقی این پیام‌آور آزادی و رهایی نوع بشر توفیق و ثبات قدم آرزو می‌کنیم. "محمد" (ص) همچون دیگر پیامبران و مبشران بزرگ رهایی نوع انسان، پیشناز کبیر رستگاری و یگانگی، در یکی از سیاه‌ترین ادوار تاریخ بشری بوده است که پیام صلح و آزادی و مبارزه‌ی عادلانه‌ی او، برای امحاء کلیه تبعیضات جنسی و نژادی و قومی و طبقاتی تا ابد الهامبخش تمامی مبارزات آزادیخواهانه و عدالت‌جویانه‌ی موحدین انقلابی و همه‌ی رهروان راه تعالی انسان و اجتماع انسانی خواهد بود.

خمینی، در ورای همه‌ی ابعاد سیاسی و نظامی و تشکیلاتی آن، ابعاد عقیدتی ویژه‌ی آن در یک کلام همان نجات کلمه‌ی "توحید" و "پیام محمدی" از جنگال اهریمنان پلید هزار و پانصد ساله‌ی ارتجاع است که البته بهای عظیمی از رنج و خون پاک‌ترین و رشیدترین فرزندان مجاهد خلق را ایجاب می‌کرده است. امروز جای بسی افتخار و سرافرازی است که در پرتو این مقاومت درخشان و خونفشان، سرانجام عنصر بکتاپرست مجاهد خلق موفق گردید تا بمتابه‌ی تنها پاسخ ایدئولوژیکی خمینی، طلسم دجالگری این نیروی مهیب افسونگر را در زیر ضربات کوبنده‌ی خود درهم بشکند

سپاس می‌گذاریم که در پس همه‌ی نیش و طعن‌های فرصت‌طلبانه و ضدانقلابی‌ای از این قبیل که نثار مجاهدین می‌شود، اساسا جز سرافرازی انقلابی، مردمی و توحیدی ما از یکسو و افشای ماهیت فرصت‌طلبانه و یا ضد مردمی آنها در مسیر تکامل مرزبندی‌های انقلاب ایران (که دقیقا ثمره‌ی همان خون‌های پاک ریخته شده برای آزادی خلق و احیای اسلام انقلابی رانیز نشان می‌دهد) از سوی دیگر، حاصلی نداشته است؛ زیرا امروز دیگر تفاوت‌ها و وجوه افتراق و تعارض ایدئولوژی خمینی و مجاهدین و عملکردهای متضاد آنها در کلیه‌ی زمینه‌ها، به قدری واضح و روشن است که توضیح آن دیگر جز تکرار مسلمات نیست. آری! اکنون دیگر بعبان

سرودهای از: اسماعیل وفا- یغمانی

### بهای رنج...!

به برادر مجاهد عباس داوری که سالها درد و رنج کارگری را در کارگاههای تبریز لمس کرده است. با آرزوی سلامتی وی تا بعد از پیروزی انقلاب نوین ایران

— نگاه کن

میان ابر و باد و آسمان  
زمین خون و "خیش" و "پتک" و "داس" خورده را  
که در میان دست‌های پرتوان و باشکوه "کارگر"  
چو گوهری بزرگ می‌درخشد و تراش می‌خورد

\* \* \*

— نگاه کن!

... نگاه کن!

در امتداد قرن‌ها و سال‌ها و ماهها  
(واشک‌ها و رنج‌ها و آه‌ها)  
ز ضرب بی‌امان بازوان آهنین "کارگر"  
و قطره‌های خون و جویباری از عرق  
که گرم و

چکه

چکه

می‌تراود از جبین کارگر

(به روی گوهرها و دشت‌ها و خانه‌ها)

و ژرفنای تیره‌ی معادن و به گستر تمام گشتزارها و کارخانه‌ها  
چگونه شسته می‌شود زمین و شکل می‌پذیرد و ز چرک  
پاک می‌شود

و می‌درخشد و به پیش می‌رود، به روی رود خون کارگر  
ز عصر سنگ تا زمانه‌ی

که این جهان چو حلقه‌ای گرانبها تلالو افکند

بدست پرصلا بت و مقدس بشر

\* \* \*

— نگاه کن...!

جدا ز رنج و کار و کارگر!

(به رهگذار قرن‌های بیگانه‌ای که رفته است و می‌رود  
و گشته است و می‌شود نهان

به پیش روی و پشت سر)

جهان چرک و تیره و چروک خورده و عقیم را .

از این نمط

به ژرفنای تیره و هراس ریز و مرگ خیز قرن‌ها

سرود ما

جز این نبود و نیست:

— جهان از آن ماست

و این زمین که سگه‌ایست بیگانه و بزرگ

و ضرب خورده در گذار روزگار

با نقوش کار

بهای رنج و کارمزد بازوان ماست

جهان

از آن ماست .

**مبارزه‌ی عادلانه‌ی ما برای برانداختن رژیم ضدبشری خمینی، در ورای همه‌ی ابعاد سیاسی و نظامی و تشکیلاتی آن، ابعاد عقیدتی ویژه‌ی آن نیز پیدا کرده که مضمون آن در یک کلام همان نجات کلمه‌ی "توحید" و "پیام محمدی" از جنگال اهریمنان پلید هزار و پانصد ساله‌ی ارتجاع است که البته بهای عظیمی از رنج و خون پاک‌ترین ورشیدترین فرزندان مجاهد خلق را ایجاب می‌کرده است.**

می‌توان دید که رنج و خون شهیدان و رزمندگان ما، حتی فراتر از سرنوشتی یک رژیم و یا افشای ماهیت‌ها و خطوط و تمایلات ارتجاعی، انحرافی و ضدملی و ضد مردمی در این میهن، به یک مقصد بس پرشور و تابناک ایدئولوژیک نیز راه برده و آن این است که: عنصر موحد مجاهد خلق بمتابه‌ی طلایه‌دار انقلاب نوین ایران، با زدودن غبارهای ارتجاعی و طبقاتی از چهره‌ی اسلام در ابعاد وسیع اجتماعی و حتی جهانی، فصلی که بی‌گمان طی مراحل بعد، با اثبات طینت ضداستثمار و اسلام انقلابی در عمل که در سمت‌گیری به جانب نفی هرگونه استثمار و استقرار نظام اجتماعی یگانه و عاری از طبقات متجلی می‌شود، تجسم بیشتری خواهد یافت و سرانجام نیز در ادوار تاریخی آینده، آئین پاک محمدی را در جایگاه واقعی و شایسته‌اش یعنی در نوک پیکان انقلاب و ترقیخواهی و در فراسوی متکامل‌ترین مکاتب انقلابی دنیای معاصر، تثبیت و جاودانه خواهد نمود.

و اسلام دروغین او را برای تمام جهانیان افشه نماید، بطوری که اکنون دیگر در سرتاسر عالم؛ حتی کسانی هم که زمانی از روی ساده‌دلی و خوش‌خیالی فریب اسلام-پناهی‌های خمینی را خورده بودند، بخوبی دریافته‌اند که اسلام واقعی و پیام راستین محمدی را نه در وجود پلید و جنایتکار خمینی - که حتی از اعدام کودکان و زنان حامله نیز در نمی‌گذرد - بلکه بایستی در خصم عقیدتی و تاریخی و اجتماعی و سیاسی او یعنی مجاهدین خلق ایران جستجو کرد.

حال بگذار مجاهدزادایان حرفه‌ای و مدعیان رنگارنگ وابسته به جریان‌های انحرافی و ضدانقلاب مغلوب که پیوسته "هستی" بوچ و بی‌ریشگی خود را در گرو "نفی و نابودی" مجاهدین یافته‌اند، عمدا چشم خود را بر تمام این واقعیات فرو بسته و در کمال وقاحت و عنان‌گسیختگی از مشابهت میان اسلام مجاهدین و اسلام خمینی دم بزنند. ولی ما خدا و خلقمان را

از این نظر مجاهدین خلق ایران نیز که برای نخستین بار در تاریخ معاصر، یک مبارزه‌ی انقلابی - مکتبی و سازمان‌یافته بر مبنای ایدئولوژی راستین اسلام را بنیاد نهاده‌اند، حرکت خود را ادامه و تجلی‌گاه تاریخی اجابت همان پیام رهایی‌بخشی می‌دانند که ۱۴ قرن پیش در چنین روزی در گوش بشریت تحت‌ستم زمزمه شد و گسستن "اِصر" (زنجیر)های بنده‌ساز و ضدتکاملی در جهت استقرار نظام "قسط" و عاری از طبقات را نوید داد و اکنون مقاومت انقلابی نسل مجاهد ما با نظام و نیروئی چنگ در چنگ شده که در لباس دین و سالوس و اسلام، خلق را به زنجیر کشیده و سردمداران دجال و شقاوت‌پیشه‌ی آن به بساط کشتار و جنگ‌افروزی و ظلم و اختناق و شکنجه‌ی خود، در اوج وقاحت، عنوان "رهبری پیامبرگونه" نیز داده‌اند. درست به همین خاطر مبارزه‌ی عادلانه‌ی ما برای برانداختن رژیم ضدبشری

# گزارشاتی از فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی و عملیات هسته‌های مقاومت

## در هفته تحریم انتخابات فرمایشی رژیم خمینی در سراسر کشور (۳)

همانگونه که در شماره‌ی قبلی نشریه اشاره شد، بدلیل کثرت گزارشات رسیده از سوی هسته‌های مقاومت، پیرامون فعالیت‌های هسته‌ها در برنامه‌ی تحریم انتخابات فرمایشی رژیم، صرفاً به درج خلاصه‌شده و فشرده‌ی تعدادی از گزارشات اکتفا گردید. یادآوری می‌کنیم که سومین برنامه‌ی سراسری تبلیغی - اجتماعی هسته‌های مقاومت مسلحانه و میلیشیای قهرمان مجاهدین که این بار به مناسبت "تحریم انتخابات" تدارک دیده شده بود، با پیام اول بهمن مسئول شورای ملی مقاومت برادر مجاهد مسعود رجوی و بدنبال آن بر اساس اطلاعیه‌ی ستادبخش اجتماعی سازمان مجاهدین خلق ایران آغاز گردید و در هفته‌ی ۱۹ تا ۲۶

فروردین (روز برگزاری انتخابات فرمایشی) به اوج خود رسید. در طول این مدت، هسته‌ها از نقاط مختلف کشور، متناوباً گزارش فعالیت‌های خود را برای بخش‌های مربوطه و منجمله برای نشریه‌ی "مجاهد" ارسال کرده‌اند که ما در دو شماره‌ی پی‌درپی، "مجاهد" (شماره‌های ۱۹۸ و ۱۹۹) اقدام به چاپ تعدادی از آنها نمودیم. اینک در ادامه‌ی آن گزارشات، به منظور انعکاس بخشی دیگر از فعالیت‌های گسترده‌ی هسته‌های مقاومت و همچنین تبادل تجربیات هسته‌ها از این طریق، گزارشات جامع‌تری از برخی از هسته‌ها را نیز درج می‌نمائیم:

بار محل را به صورت انفرادی و جمعی زیر نظر گرفتیم و چون دوازدهم فروردین روز رفاندم بود، کوچه و خیابان مورد نظر خلوت بود. ما حدود یکصد و بیست و پنج عدد از اعلامیه‌ی تحریم انتخابات داشتیم که با مارک هسته‌ی خودمان تنظیم و تهیه شده بود. من و بچه‌ها به صورت تیم سه نفره وارد عملیات

\* از تهران هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید مرتضی علی میرزائی نامه‌ی پرشوری نوشته است که عیناً آن را درج می‌نمائیم:

بنام خدا

و  
بنام خلق قهرمان ایران  
با سلام و درودهای انقلابی و تبریک سال نو، صمیمانه‌ترین محبت‌هایمان را که مملو از ایثار است برایتان می‌فرستیم، باشد که این درودها زمانی به محبت‌های نزدیک تبدیل گردد و با درود بر ارواح پاک تمام شهیدان بخون خفته‌ی خلق که مشعل راهمان شدند و همانگونه که مشعل راه حسین (ع) را در دست گرفتند، ما هم همانگونه باشیم. در نامه‌های قبل سخنان فراوانی برایتان نوشتیم و جواب‌هایی هم گرفتیم، ولی چند سوال راجع به سوالات قبلی مان بی‌جواب ماند. یکی اینکه نوشته بودیم حتی الامکان برایمان نشریه بفرستید که شما جوابی ندادید، منظورمان این بود که اگر امکان دارد با بچه‌ها که در تهران هستند تماس بگیرید و برای ما از طریق تهران نشریه بفرستید. دوم اینکه باز دقیقاً برایمان روشن نشد که اگر کسی به ما مراجعه کرد و خواست کمک مالی بدهد آیا ما به او قبض بدهیم، در حالیکه قبض نداریم؛ و بهر حال به چه صورت است. آیا ما حق دریافت کمک مالی داریم یا نه؟ اگر داریم به چه صورت می‌باشد؟ در ضمن فعالیت هسته‌مان را که در این هفته انجام داده‌ایم، برایتان می‌نویسم. ساعت ده و نیم صبح، ما که جمعا شامل ۲ نفر بودیم سر قرار حاضر شدیم و سوار ماشین شدیم و سپس به سمت محل قرار از قبل تعیین شده رفتیم. دو

و از زن خداحافظی کردم و از محل دور شدم. یکی هم در تهران ویلا بود. وقتی داخل یکی از منازل اعلامیه انداختیم یک مرد آمد بیرون و پاره کرد. من بلافاصله رفتم گفتم چرا پاره می‌کنید؟ گفت نوی این چهار سال چکار کردند که بعد از این می‌خواهند بکنند. اینها بابای ملت را درآوردند و دست از سر مردم بر نمی‌دارند. گفتم: شما که اعلامیه را نخوانده‌اید. گفت اینهم مال همین هاست. گفتم این اعلامیه‌ی مجاهدین خلق است که انتخابات را تحریم کرده‌اند. گفت معذرت می‌خواهم چون از صبح تا حالا صدنا از این کاغذها توی خانه‌ی ما انداخته‌اند، من هم خیال کردم اینهم یکی از آنهاست. وقتی برایش توضیح دادم، معذرت خواهی کرد و گفت ما که به هیچکس رای نمی‌دهیم و همینطور که شما می‌گوئید به همه

چساندیم و سپس با خیال راحت در منازل انداختیم. پیش خودمان هم گفتیم اگر کسی گفت اینها چی هست؟ اعلامیه‌ی انتخاباتی را نشان می‌دهیم و بعد اعلامیه‌ی خودمان را در منازل می‌اندازیم که همینطور هم شد. تاکنون تعداد دوست و پنجاه عدد اعلامیه پخش نمودیم و تعداد دوازده عدد عکس برادر مسعود را با تعداد سی و شش عدد بادکنک به هوا فرستادیم و بعد به ۵ خیرگزاری تلفن کرده و از محل خارج شدیم. در روی بادکنک‌ها شعار "مرکز خمینی" و تحریم انتخابات و شعارهای محوری را نوشتیم و به هوا فرستادیم و پنجاه عدد ده تومانی را هم رویش شعارنویسی کرده و در بین قصاصی و بقالی و لبنیاتی و باجی بلیط فروشی و مغازه‌داران دیگر توزیع نموده و جنس گرفتیم و یا بول خرد کردیم و دو تا از پارچه‌های انتخاباتی هادی غفاری و محمد عرب را در خیابان رجائی (آرامگاه سابق) را در پشت آنها شعارهایی به طول یک متر و نیم نوشتیم و تا ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه‌ی صبح فردا این شعارها از بین نرفته بود و در روی پل عابر پیاده باقی مانده بود. چون از لحاظ مالی در مضیقه هستیم و مازیک و اسپری گران است (یکی ۱۰۰ تومان است) نتوانستیم بخیریم و کلیشه کنیم. چون کلیشه حاضر داریم، ولی اسپری خیلی سخت گیر می‌آید و اگر باشد گران است، ولی دو عدد مازیک داشتیم که تمام شد و حدود یکصد و هشتاد و نه شعار بر دیوارها و باجی تلفن‌ها و معابر عمومی و شرکت‌ها و روی صندوق‌های پست نوشتیم که هنوز هم هست و در خیابان کارگر و جمال‌زاده و جمهوری موجود است و تا امروز تعداد زیادی از آنها هنوز پاک نشده است. روی یکی از صندوق‌های پست که نوشته بودیم، وقتی من رد می‌شدم، یک دختر ظاهراً حزب‌اللهی می‌گفت: "میگن که مجاهدین همشون تار و مار شدند، پس چرا هر جا قدم می‌گذاریم، شعارنویسی کرده‌اند حتماً جن‌ها می‌نویسند یا شبها از زندان بیرون می‌آیند و می‌نویسند" البته این حرف‌ها را داشت به یک زنی که آنهم مثل آن دختر داشت نامه پست می‌کرد، می‌گفت و من هم می‌شنیدم. آن زن هم می‌گفت "ما کاری با هیچکس نداریم". این بود خلاصه‌ای از کارهایمان



می‌گویم که رای ندهند. دومین روز یعنی روز سیزده بدر به پامنار رفته و همینکار را تکرار کردیم ولی خیلی مخفیانه؛ چون روبروی حزب جمهوری اسلامی است و در آن محل به تعداد چهل و سه عدد پخش نمودیم و از محل خارج شدیم و امروز که روز چهاردهم است با ابتکاری تازه به میدان رفتیم. یعنی تعداد پانصد عدد از اعلامیه‌های انتخاباتی رژیم را گیر آوردیم و در پشت آنها اعلامیه‌های خودمان را

کنار زن رد شدم و همین که به زن رسیدم گفتم اعلامیه‌ی انتخابات است من که رای نمی‌دهم. گفت: این اعلامیه هم گفته کسی رای ندهد. گفتم: پس ببرید به تمام فامیل و آشنایان بدهید تا همه بخوانند. بعد زن گفت پس این مسعود رجوی کی می‌آید؟ من هم توضیحات لازم را دادم و زن گفت به امید خدا که اینطور باشد ما که از دست این آخوندها ذله شدیم خداکند مسعود رجوی درستش کند دوباره توضیحات لازم را دادم

شدیم. دو نفر یکی این طرف خیابان و یکی آن طرف خیابان و یکی هم مواظب دو نفر دیگر بود و بچه‌ها از اول خیابان شادمان شروع به انداختن یکی یا دو تا در میان، در بین منازل می‌کردند. البته در زیر لباس مخفی کرده بودند. در محل شادمان حدوداً شصت و پنج عدد در منازل توزیع شد. سپس به خیابان زنگان رفته و در آن محل هم دوازده عدد توزیع نمودیم و از آنجا به خیابان ستارخان برگشتیم و از شهرآرا شروع و تا محل برق‌الستوم هم

## گزارشاتی از فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی

### و عملیات هسته‌های مقاومت در هفته تحریم انتخابات ...

تا این ساعت یعنی دوازده و سه ربع بعد از نیمه شب سه‌شنبه چهاردهم فروردین ۱۳۶۳ . منتظر نامه‌های بعدی ما باشید . موفق و پیروز باشید .

ضمناً جمع اعلامیه‌هایی که تا این ساعت توزیع نمودیم دوست و پنجاه عدد است که از هر کدام یک یا دو نمونه را در پاکت جداگانه برایتان فرستادم .

صورت انفرادی انجام گرفت . بعد از پایان کار برای انجام کار دیگری بطرف ... می‌رفتم که به فکر رسید در کوچه‌های اطراف اگر فرصت پیش آمد شعار روی دیوارها بنویسم . جایی را مشخص کردم و آماده شدم برای نوشتن ، ساعت ۱۱ و ۳۰ ، مازیک را بیرون آوردم . درب خانه‌ای باز شد و با خونسردی به راهم ادامه دادم . طرف که یک فالانژ بود ، متوجه شده بود . از پشت سر با یک طناب به من حمله کرد . با او درگیر شدم و روی زمینشانداختم و بسرعت گریختم .

انتخاباتی پاره شده .  
دوشنبه ۱/۱۳ - در این روز اقدام به کندن تعدادی از پوسته‌های انتخاباتی رژیم کردیم .  
سه شنبه ۱/۱۴ - نوشتن تعدادی شعار تحریم انتخابات و پاره کردن تعداد زیادی از پوسته‌های انتخاباتی کاندیداهای رژیم . در این روز همچنین شاهد پاره شدن تعداد زیادی از پوسته‌های انتخاباتی رژیم بودم - شعار "مرگ بر خمینی" نیز زیاد بچشم می‌خورد .

چهارشنبه ۱/۱۵ - صبح از ساعت ۱۰ صبح الی ۴ و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر ، حدود ۴۰ برجسب به روی اتوبوس‌ها ، ماشین‌های شخصی ، تاکسی‌ها ، تلفن‌های عمومی و دیوارهای خیابان‌های حوالی میدان ۱۷ شهریور زدیم ؛ اندازه‌ی برجسب‌ها ۳×۷ سانتیمتر و ۵×۲ سانتیمتر بود که حاوی شعارهای "مرگ بر خمینی ، درود بر رجوی ، زنده باد صلح و آزادی ، مرگ بر کاندیداهای فرمایشی رژیم و تحریم انتخابات فرمایشی وظیفه‌ی ملی مردمی است" بود .

در میدان انقلاب و میدان شهدا ۲ پلاکارد تحریم انتخابات به چشم می‌خورد . پنج‌شنبه ۱/۱۶ - از ساعت ۱۰ صبح الی یک بعد از ظهر تعداد ۶۰ برجسب در قطع ۳×۷ سانتیمتر که حاوی شعارهای "نگ و نفرت بر انتخابات فرمایشی" و "باتمام قوا انتخابات فرمایشی مجلس ضد خلقی را تحریم کنید" در خیابان‌ها و مکان‌های عمومی کرج نصب کردیم .

در این روز همچنین تعداد زیادی از پوسته‌های انتخاباتی رژیم را پاره کرده و بر روی یک پوسته، تراکت تحریم انتخابات نصب کردیم ...

\* گزارش زیر از مجموعه گزارشات اعضای هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید "سروناز کبیری" انتخاب شده است .

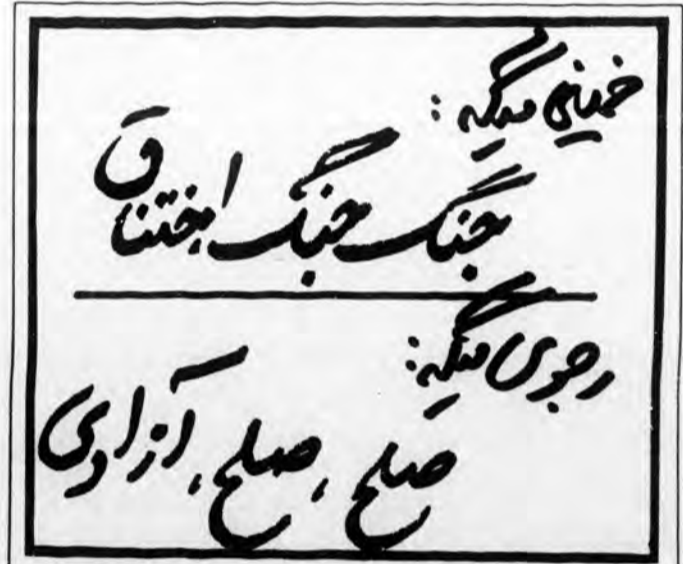
"زمان : چهارشنبه ساعت ۷ و ۱۵ دقیقه تا ۸ و ۱۵ دقیقه و پنج‌شنبه ۷ و ۳۰ تا ۸ و ۱۵ دقیقه‌ی صبح  
تعداد نفرات : ۱ نفر  
تعداد شعار : چهارشنبه ۴ تا و پنج‌شنبه ۱۳ تا  
محل : چهارشنبه : خیابان نیروی هوایی و ظهرالاسلام

پنج‌شنبه : ساختمان‌های تجاری و مطب‌های ظهرالاسلام و ملت و صفی‌علیشاه نزدیک بهارستان  
شعارها : "مرگ بر خمینی ، نگ و نفرت بر کاندیداهای فرمایشی ، تحریم انتخابات یک وظیفه‌ی ملی و مردمی است و تحریم انتخابات نمایشی اعتراضی علیه جنگ و اختناق خمینی" که بر روی برجسب‌های ۵ در ۱۲ سانت با مازیک نوشته و در داخل ساختمان‌ها چسبانده شد و زیر آنها هم نوشته شده بود "میلیشای مجاهد خلق" - برخورداری با موارد مشکوک نداشتیم ، البته در بعضی جاها قبل از اینکه بچسبانیم ، با آنها روبرو شدم که با حمل‌های مختلف خارج شدم .  
- با مامورین هم برخورداری نداشتیم ، فقط در دو مورد احساس

هموطنان عزیز :

در انتخابات شرکت کنید  
به تکرار مجامع و هیاتهای ۱۳ ساله ادرسه  
مجدداً رای بدهید  
همانندگان مردم! در زندانهای مردن  
دستپاکی عینی مسئول شکوفه و لبتار  
زندان خلق می‌باشد  
از مهربانیت بوج و تو خالی رژیم بدهد  
به همه درستان را تسلیان خود ترسیم کنید  
که در این انتخابات کذابی فرمایشی رژیم  
شرکت کنید  
مرد - رهبری جنگ امروز  
زنده باد صلح و آزادی  
درود بر رجوی

\* هتاهتاربت حامدشخصی حیرا اشراق \*



نمونه‌ای از تراکت‌هایی که در "هفته‌ی تحریم انتخابات" توسط هسته‌های مقاومت پخش شده است

طرف هم از دور فریاد می‌زد و کمک می‌خواست . بسرعت با تاکسی از آنجا دور شدم ، در ضمن مازیک را زود از خودم دور کردم . تعداد گشتی‌های کمیته در منطقه بسیار زیاد بود . گزارش S : در ۱۲ اتوبوس در خیابان‌های تهران‌نو ، پیروزی ، فاطمی ، ولی‌عصر و رسالت با مازیک پهن بر روی صندلی‌هایشان شعار نوشته شد که هیچ مسئله‌ی خاصی پیش نیامد . فقط در یک اتوبوس به فردی برخورد کردم که گویا او هم برای نوشتن شعار آمده بود که من اتوبوس را برای نوشتن او ترک کردم .

در ضمن مسائلی که مربوط به روابط درونی هسته می‌شود را در یک گزارش در پایان هفته بطور مشروح خواهیم نوشت ...

\* از تهران هسته‌ی مقاومت ... گزارش قسمت‌هایی از فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی خود را چنین نوشته است : یکشنبه ۱/۱۲ - در خیابان قزوین کرج تعدادی از پوسته‌های

\* هسته‌ی مجاهد شهید غلامرضا سلطانی جهرمی گزارش چند روز فعالیت تبلیغاتی خود را چنین ذکر کرده است : " ... در بعد از ظهر ۱۶ فروردین ، تعداد ۳۵ عدد تراکت که بوسیله‌ی S تهیه و با زیراکس تکثیر شده بود ، در سالن‌های چند طبقه که بیشتر مطب دکترا بود ، پخش کردیم . نحوه‌ی کار : M مراقب و S عمل کننده . تعداد تراکت‌ها ، ۸۰ عدد بود که ۳۵ عدد آنرا پخش کردیم . بقیه به پایگاه برده شد و بعد یک ساختمان در حوالی میدان رضائی‌ها جهت شعارنویسی شناسائی شد .

### گزارش روز ۱۷ :

روز جمعه ۱۷ فروردین شعارنویسی با مازیک در اتوبوس‌ها داشتم که بصورت فردی بود در پایان هم یک قرار سلامتی داشتم . گزارش M در روز ۱۷ : نوشتن شعار در ۱۵ اتوبوس دو طبقه در منطقه‌ی تهران پارس و نارمک . برخورداری نداشتیم و این کار به

نمونه‌ای از تراکت‌های هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید حمیرا اشراق

کردم مورد تعقیب که با ضدتعقیب دور شدم . در ضمن تبلیغات رژیم در رابطه با انتخابات فقط در حد خیابان‌های اصلی است و در خیابان‌های فرعی و کوچه‌ها حتی یک پوسته و یا تراکت هم به چشم نمی‌خورد و مردم هم اکثراً بی‌اعتنا هستند و در واقع این را یک خیمه‌شب‌بازی می‌دانند . در خیلی جاها پوسته‌ها پاره شده است و در جایی که هستم از ۱۰ نفر فقط یک نفر رای می‌دهد ، بقیه علناً می‌گویند که رای

که حتی یک مخالف ندارد ... "خواهر ... در تاریخ شنبه ۶۳/۱/۱۸ در منطقه‌ی غرب تهران (آریاشهر و ... ) حدوداً ۱۰۰ عدد تراکت که نمونه‌ای از آن را در همین نامه مشاهده می‌کنید ، در کوچه‌ها به درون خانه‌ها انداخت . خواهر F ، بقیه در صفحه‌ی ۲۵



# گزارش جلسات بحث و گفتگوی شورای ملی مقاومت در آلمان

(شهرهای فرانکفورت و برلین)

## سخنان

### آقای خانباها تهرانی

رفقا و دوستان عزیز؛ من سعی کردم امشب بدون هیچگونه یادداشت و بدون اینکه قصد سخنرانی طولانی داشته باشم، شرایط موجود کشور را مطرح بکنم. بعد با همدیگر بحث بکنیم که راهش چیست؟ راه خروج از این وضع چیست؟ قبل از اینکه وارد این مبحث بشوم که صفآرایی کنونی نیروها در ایران چیست، لازم می‌دانم یک گریزی به شرایط قبل از قیام بزنم. به نظرم شرایط قبل از قیام چنین بود: مردم ما خواهان استقلال، آزادی و برقراری حاکمیت ملی و حاکمیت

نماینده‌گی شورای ملی مقاومت در آلمان در روزهای ۲۵ و ۲۷ فروردین (۱۴ و ۱۶ آوریل ۸۴) اقدام به برگزاری جلساتی در شهرهای فرانکفورت و برلین در آلمان غربی نمود که بسیار مورد استقبال هموطنان مقیم آلمان قرار گرفت، بطوری که از شهرهای مختلف هم برای شرکت در این جلسات آمده بودند.

### • فرانکفورت

در شهر فرانکفورت این جلسه در ساختمان اصلی دانشگاه فرانکفورت برگزار شد و بیش از ۸۵۰ نفر از هم‌میهنان ایرانی در آن شرکت کردند. سالن محل کنفرانس با پرچم ایران، شعارهای محوری "مرگ بر خمینی" و "مبارزه انقلابی مسلحانه تاکتیک محوری مرحله کنونی" و همچنین شعار "پیروز باد شورای ملی مقاومت" تزئین شده بود. موضوع این جلسه "بحث پیرامون مسائل ایران و اهداف شورای ملی مقاومت" بود. برنامه از ساعت ۷ بعدازظهر با سخنان مقدماتی آقای بهمن نیرومند که مسئولیت جلسه را به‌عهده داشت، شروع شد. ایشان ابتدا به معرفی سخنرانان که عبارت بودند از: آقایان منوچهر هزارخانی، جلال گنجهای، مهدی خانباها تهرانی و کامبیز روستا، پرداخت.

آقای نیرومند قبل از شروع بحث، شرکت‌کنندگان را از تصمیم نمایندگی شورای ملی مقاومت در آلمان در مورد برگزاری منظم جلسات بحث و گفتگو مطلع نمود و اعلام داشت که جلسه آینده شورا بصورت میزگرد تشکیل خواهد شد و از گروههای مختلف خواست نمایندگان خویش را برای میزگرد جلسه آینده معرفی نمایند.

در قسمت اول برنامه، سخنرانان هر یک توضیحات کوتاهی پیرامون موضوعات مورد بحث دادند؛ چراکه قرار بود وقت بیشتری به بخش مربوط به سوال و جوابها اختصاص یابد. اولین سخنران جلسه آقای خانباها تهرانی نماینده شورای ملی مقاومت در آلمان بود که صحبت‌های خود را با عنوان "اوضاع ایران و مسائل مطروحه در جنبش"، آغاز کرد.

بجائی رسید که قدرت در ایران در انحصار ارتجاع قرون‌وسطائی افتاد و آخرین پیامدهایش در واقع حمله به کردستان بود؛ حمله به احزاب و اجتماعات بود؛ حمله به روزنامه‌ها بود؛ و بالاخره سرکوب نیروهای حتی مذهبی که تا دورانی با آنها همزیستی داشتند یا با آنها همراهی کرده بودند؛ ولی حاضر نبودند که دریافت‌های قرون وسطائی آنها را به عنوان راه‌حل اجتماعی ایران بپذیرند. ملاحظه کنید که زیر پرچم نه شرقی نه غربی در واقع خواستند بخشی از توده‌های ناآگاه را به این سمت بکشانند که ما نماینده‌ی استقلال و آزادی هستیم؛ در حالیکه گذشت زمان نشان می‌دهد که

بکند و عملاً مبارزه را یا در حد مبارزه‌ی مسلحانه و یا مقاومت‌های پاسیو، یعنی مقاومت‌های بصورت منفی، اعتراضات و غیره نگه ندارد. به هر حال در این فاصله از مجموعه شرایط ایران، شورای ملی مقاومت حاصل جمع این تجارب بود که بوجود آمد. به این ترتیب که نیروهای شرکت‌کننده در شورا، به این نتیجه رسیدند که راه‌حل ایران از طریق یک ایدئولوژی و یک سازمان و یک طبقه امکان‌پذیر نیست؛ بلکه باید یک ائتلاف اجتماعی بوجود آورد و برپایه یک برنامه‌ی اجتماعی مسائل را به پیش برد و انقلاب را به راه اصلی خودش بازگرداند. شورای ملی مقاومت با این نیت تشکیل شد و امیدوار بود که



از راست به چپ، آقایان: دکتر منوچهر هزارخانی، جلال گنجهای، بهمن نیرومند و مهدی خانباها تهرانی در جلسه بحث و گفتگوی شورای ملی مقاومت در فرانکفورت (آلمان)

بسیاری از نیروهای ملی، انقلابی، ضدامپریالیست و دمکراتیک بتوانند در این شورا جمع بشوند. تا آنجا که به سهم شورا برمی‌گردد کوشش خودش را دریغ نکرد و بسیاری از نیروها را جمع کرد. به هر حال موجودیت کنونی شورا عبارت است از متشکل‌ترین بخش اپوزیسیون ایران که با یک برنامه‌ی معین و برداشت‌های معینی بسوی حل مسئله‌ی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی به پیش می‌رود و اینها شعارهای اساسی است! و اما شرایط کنونی چیست؟ به نظر من پس از این سرکوب، نیروهای ضدانقلاب مغلوب متوجه شدند

این شعار یک شعار نوخالی بیش نیست؛ چرا که این نیروها صرفنظر از جنبه‌های قرون وسطائی‌شان، هیچگونه برنامه‌ای برای حل معضلات اجتماعی ایران ندارند. وضع از سه سال پیش به این طرف به این ترتیب است که در یک سو نیروهای مردمی هستند و در سوی دیگر ارتجاع حاکم است. ارتجاع حاکم با بدست‌گرفتن شرایط اقتصادی کشور و نهادهای کشور، توانسته است سرکوب عمومی را اعمال بکند؛ بسیاری از نیروها را از عرصه خارج بکند؛ شرایط فعالیت‌های علنی و جنبش‌های توده‌ای را با سرکوب شدید یعنی با تکیه به سرنیزه، متوقف

مردم بودند، ولی آخوندها که متشکل‌تر از سایر نیروها بودند، توانستند در اثر اشتباه نیروهای دیگر، چه نیروهای ملی و چه نیروهای چپ که بی‌برنامه در عرصه مبارزه‌ی اجتماعی حرکت می‌کردند، قدرت را بدست بیاورند. مرحله‌ی نخست را هم در واقع آخوندها اینطور شروع کردند که نیروهای ملی را حذف کردند و بدنبال آن نیروهای چپ را که به علت نداشتن شناخت کافی از شرایط اجتماعی ایران زیر پرچم شعارهایی که با واقعیت ایران منطبق نبود، حرکت می‌کردند، حذف نمودند. بالاخره کار

که الان شرایط مناسب است و نارضایتی عمومی وجود دارد (بنابراین) پرچم سلطنت را بلند کردند. عقیده‌ی شخص بنده این است که سلطنت در ایران دیگر بازگشت‌پذیر نیست؛ در واقع سلطنت و سلطنت‌طلبان در شرایط کنونی نقش شمشیر دموکلس را بالای سر نظام خمینی بازی می‌کنند تا نتوانند آن پروسه و آن روندی را که امپریالیسم در ایران لازم دارد، از درون این رژیم به پیش ببرند. یعنی به ترتیبی این نظام را جرح و تعدیل بکنند؛ یکی دو تا آجرش را عوض کنند یا به مفهومی استحاله بوجود بیاورند و این نظام را قابل پسند کرده و وارد عرصه‌ی بین‌المللی‌اش بکنند و بگویند (که این یک "رژیم" است.

چرا، بنظر من آنچه که الان در ایران حکومت می‌کند، در واقع (رژیم نیست بلکه) سوار شدن یک عده به قدرت است. این نظام تثبیت ندارد، این برنامه اقتصادی ندارد. البته کوشش‌هایی در این اواخر می‌شود که از اینجا و آنجا نیرو جلب بکنند. اما تا زمانی که نیروهای ملی، مترقی، دموکراتیک و ضدامپریالیست جلوی این نظام ایستاده‌اند، این نظام قادر به حل مسائل اجتماعی ایران نیست، چون که از یک طرف خودش برنامه ندارد و از طرف دیگر مقاومت این اجازه را نمی‌دهد. سوال من اینست: در شرایط کنونی، یک طرف رژیم خمینی است، با کوششی که آگاهانه دارد انجام میگیرد تا در واقع با یک مقدار جرح و تعدیل همین (رژیم) و وارد کردن یک سری تکنوکرات و یک‌سری نیرو در آن خلاصه قابل پسندش بکنند. بسیاری از نیروها هستند که بعلت شرایط موجود جامعه‌ی امروز، تمایلی به چنین جریان‌هایی پیدا کرده‌اند. طرف دیگر نیروهای انقلابی هستند که نیروی متشکل آن در واقع خود شورای ملی مقاومت است که با برنامه‌ی خودش در مقابل این نظام ایستاده است. بخشی از نیروهای ملی متأسفانه در این وسط قرار گرفته‌اند، به‌علت اینکه به آن طرف نمی‌توانند بروند به‌این طرف هم انتقاد دارند. پیام امشب من در صحبت‌های من این است: بحث بکنیم بر سر اینکه چه باید کرد که جبهه‌ی متحد مردم که شورای ملی مقاومت سنگ بنای آن است بوجود بیاید، پیش برود و در واقع به مسئله‌ی این نظام خاتمه بدهد؟ این بحث‌هایی است که من امروز بصورت سوال خواستم

## گزارش جلسات بحث و گفتگوی شورای ملی مقاومت در آلمان

مطرح کنم. چرا که من، باز تکرار می‌کنم، معتقدم سلطنت در ایران شانس ندارد. برای امپریالیست‌ها مسئله سلطنت مطرح نیست. مسئله تامین ساقتمان است. اگر از درون همین رژیم خمینی شد (که بصورت ناقص و وحشیانه‌اش الان هم می‌شود) فرم هم بدهند، یک خرده بدید خودشان متمدناهاش هم بکنند، با همین هم راضی هستند. هیچ احتیاج نیست تاج باشد، با عمامه هم می‌شود اینکار را کرد، یعنی منافع سرمایه و امپریالیسم را در ایران تامین کرد. بهر حال یک طرف آنها هستند، یک طرف شورای ملی مقاومت است. نیروهای هم بینابین هستند. جبر زمان و شرایط پیکار اجتماعی ما، بنظر من فشار لازم خودش را خواهد آورد که این نیروها یا به آن سوجذب بشوند یا به این سو، در شرایط کنونی راه دیگری بنظر من نمیرسد. این صحبت‌هایی بود که من می‌خواستم بکنم که در بحث بپردازیم باین دوگانگی شرایط در ایران.

پس از آقای خانابا تهرانی، آقای گنجهای سخنان خود را پیرامون ضرورت حضور نیروهای مترقی مذهبی در محور مبارزه با رژیم خمینی آغاز نمود و گفت:

### سخنان

#### آقای جلال گنجهای

"من با اجازه شما حرفهایم را قبل از هر چیز با یاد پر احترام آزاد زنان و جوانمردان مرزوبوم مان شروع می‌کنم که در سنگرهای متنوع مقاومت، شرف انقلابان را و شرف ملت‌مان را پاسداری کرده و می‌کنند، اعم از آنها که تا آخرین لحظه‌ی حیاتشان را گذرانند و بشهادت رسیدند و یا آنهایی که زیر شکنجه و تعزیر و با در سنگرهای مقاومت، به پیکارشان ادامه میدهند. یادشان عذیقا عزیز و گرامی باد.

مطلبی را که من اینجا کوتاه، مثل آقای تهرانی و بدنبال حرف‌های ایشان، می‌خواستم یادآوری بکنم (هرچند خیلی روشن است) این است که هیچ فرد و جریانی که بهر دلیل دل‌مشغول سرنوشت مردم ایران

است، دل‌مشغول استقلال و آزادی و سازندگی ایران و عدالت اجتماعی است، نمی‌تواند گام از گام بردارد، بدون اینکه دیدگاه مشخص و روشنی راجع به "جنبش مذهبی ضدارتجاعی" بدست بیاورد. مشخصا این را تاکید می‌کنم که بهیچ‌وجه نباید این را باور کرد که خمینی با همه‌ی تبهکاری‌های دستگاهش توانسته باشد از اهمیت مذهب در جامعه‌ی ایران کم بکند (چیزی را که مخصوصا بلندگوی‌های ضدانقلاب مغلوب سعی می‌کنند القاء کنند و بیاورانند). اجازه بدهید که گزارشا، بعنوان کسی که با این جریان چند دهه‌است حرکت می‌کنم، بگویم که مردم ایران نحوه‌ی تلقی‌شان از مذهب و ارزش‌ها و اعتباراتی که بنام مذهب در اعماق ادراکاتشان و احساساتشان وجود دارد، بگونه‌ای است که بخوبی توانای آن هستند که بین اسلام مورد علاقه‌شان و چهره‌های تبهکار مدعی مسلمانی خط‌بکشند. این می‌خواهد شیخ فضل‌الله نوری باشد، می‌خواهد مراجع تقلید عمده‌ی ضد مشروطه در آن عصر باشد، می‌خواهد آخوندهای درباری نمایشی سالهای دور و بر ۴۰ و ۵۰ باشد و می‌خواهد یک مرجع تقلید ذی‌نفوذ پرمطراقی مثل خمینی.

(مردم) اینکار را کرده‌اند و می‌کنند و بخوبی هم از پس آن برمی‌آیند. به‌این ترتیب این حرف را نباید باور کرد که با پدید آمدن بلوای خمینی و با عرض و طول و عمقی که تبهکاری‌های این رژیم بنام مذهب ایجاد کرد، فاتح‌هی مذهب یا اسلام در ایران خوانده شده باشد. مشخصا دارم راجع به اسلام صحبت می‌کنم. بلکه بعکس ایران درست در همین سالهایی که زمینه‌ها کم و بیش برای به‌قدرت رسیدن خمینی فراهم می‌شد، دست‌اندر کار ساختن یک تحول جدی مذهبی، یک بازنگری همه‌جانبه و "از نو همه‌ی مبانی را محکم کردن" و تدوین کردن اسلام بود که اتفاقا باز شانس و افتخار اینکار هم مال میهن ما شده است. در ایران این جریان را می‌توان از طریق مجراها و سمبل‌هایش شناسائی کرد. کیست میان شما که طالبانی و مجاهدین و شریعتی و آدم‌هایی از این قبیل را شناسد و مرزهایشان را کم و بیش با دیگر

عقیدتی و قومی جامعه باید برویم، اگر به‌سمت صلح و سازندگی و عدالت اجتماعی باید برویم، بدون حضور فعال این جریان مذهبی، ممکن نیست و حالا که ممکن نیست اینجا یک تعهد پدید می‌آید، یعنی اگر هر راهی را که طی بکنیم لامحاله باید با همراهی این عزیزان پیموده شود، معنی‌اش این است که ما سرنوشت‌مان به همدیگر گره خورده است و بنابراین نسبت به هم متعهد هستیم و در مقابل همدیگر مسئولیت داریم و این مسئله‌ی ناز‌های نیست. این را ما تجربه کردیم که انقلابی غیر مذهبی، نوازش شلاق حسینی معروف را به پاهای خودش چشید تا اسرار هم‌زندانی مجاهد و مسلمان خودش را حفظ بکند و بعکس هم که میدانید فراوان اتفاق افتاده است یعنی این تعهد و مسئولیت عملا به تجربه هم گذاشته شده و در این مورد دست‌آوردهائی از شرف و افتخار و اعتبار تا حالا ثبت کردیم. حالا که مسئله به این ترتیب است و هر کسی اگر به ایران و سرنوشت ایران می‌اندیشد (خواه خودش متعلق به این جریان مذهبی که من اشاره می‌کنم باشد و خواه باشد) نمی‌تواند نسبت به سرنوشت این مذهب بی‌تفاوت و ناظر باشد و بالاخره بدون تعیین کردن تکلیف در مقابل این جریان نمی‌توان رقیب ارتجاعی مذهبی‌اش را که حالا حاکم هست زمین زد و راه را باز کرد. بنابراین بر مبنای اینکه حرکت مذهبی ترقی خواه و انقلابی جاری در ایران آنقدر عظیم هست که نمی‌شود نادیده‌اش گرفت و آنقدر جدی هست که نمی‌شود بدون آن و تنها حرکت کرد (و بنابراین همه نسبت به آن مسئول هستند).

به این نتیجه می‌رسیم که ائتلافی که در شورای ملی مقاومت پدید آمده از وجوه گوناگون قابل بررسی و ارج‌گزاری است، از جمله باید به نقش مهمی اشاره نمود که این شورا ایفا کرده و نیروهای گسترده‌ای که نماینده‌ی تنوع‌های عقیدتی مختلف ایرانی در چارچوب مبارزه برای استقلال و آزادی و عدالت هستند را کنار هم جمع نموده است (همچنین این شورا) با برسمیت شناختن و اعتراف به اعتبار مذهبی که من به آن اشاره کردم، بی‌اعتباری مذهبی را که خمینی نمایندگی می‌کند دارد اعلام می‌کند و بستری ایجاد نموده برای همکاری‌های دمکراتیک و فعال و روبه موفقیت تا ما ایرانی‌ها یاد بگیریم که علیرغم تنوع‌های عقیدتی

می‌توان خلاق و فعال در کنار هم زیست، مبارزه کرد، جلو رفت و ایران را نجات داد و آنرا ساخت.

سومین سخنران آقای دکتر منوچهر هزارخانی بود که سخنان خود را به شرح زیر ایراد کرد:

### سخنان

#### آقای منوچهر هزارخانی

با سلام به دوستان عزیز... من فرار است طرح مسئله‌ی مورد بحث را ظرف مدت چند دقیقه برای شما بگویم: شورای ملی مقاومت که اکنون تقریبا سه سال از موجودیتش می‌گذرد، چه سیاست‌هایی در برنامه‌اش هست که (باید) پیش ببرد؟ مهمترین این سیاست‌ها که در واقع علت وجودی شورای ملی مقاومت را تشکیل می‌دهد - و این هم در برنامه‌ی کتبی‌اش ذکر شده و هم در سخنرانی‌ها بطور شفاهی بوسیله‌ی سخنرانانی که از طرف شورا صحبت می‌کنند مکرر گوشزد می‌شود - سرنگونی رژیم خمینی است. شورای ملی مقاومت اصلا برای این تشکیل شده و بدنبال آن، استقرار دولت موقتی که دوره‌ی حیاتش ۶ ماه تعیین شده است. سرنگونی رژیم خمینی طبعاً از نقطه‌نظر ما و هرچه مبارزه طولانی‌تر می‌شود، فقط یک عمل نظامی یا سیاسی - نظامی نیست بلکه ابعاد مختلفی دارد. به این ابعاد مختلفش دوستان من که اینجا هستند، اشاره کردند و بعد هم اشاره خواهند کرد. تصور من اینست که رژیم خمینی را اگر بخواهیم بیانش بکنیم بایستی در جنبه‌های گوناگون بیانش بکنیم و فقط این نباشد که (بگوئیم) ما مثلا با استبداد مخالفیم، داریم با استبداد مبارزه می‌کنیم یا با استبداد دینی مخالف هستیم و داریم با استبداد دینی مبارزه می‌کنیم. از نظر اقتصادی این رژیم تاکنون آنچه را که برای ما با تمام سروصداهای ضدامپریالیستی‌اش آورده، تشدید وابستگی به امپریالیسم بوده است. این امر آنچنان واضح و آشکار است که خود سردمداران رژیم دیگر در فکر این نیستند که آن را کتمان بکنند. ته‌مانده‌ی آنچه از زمان حکومت رژیم سابق از دستگاه تولیدی بجا مانده بود، به برکت حکومت ولایت فقیه در جهت سرکوب داخلی و جنگ خارجی کاملا از بین رفته است و آنچه که الان مانده همان چاههای نفت و ذخائر زیرزمینی است که در واقع قوت روزمره‌ی مردم را بقیه در صفحه‌ی ۳۳

## اخبار کوتاه

### گزارش خبرنگاران "شیطان بزرگ"

اخیرا گردانندگان برخی از کانال‌های تلویزیون سراسری آمریکا، با توجه به مناسبات رو به گسترش رژیم خمینی با آمریکا، برای دریافت اجازه‌ی ورود خبرنگاران خود به ایران، با دفتر نمایندگی رژیم خمینی در واشنگتن تماس گرفته‌اند. در همین رابطه کانال تلویزیونی "A.B.C" که موفق شده است چند تن از خبرنگاران خود را به ایران بفرستد، در هفته‌ی گذشته چند گزارش مخابره شده از ایران را در برنامه‌های خود پخش کرده است. جالب اینکه گزارش‌های پخش شده در برنامه‌ی تلویزیونی این کانال، عمدتاً در حمایت از رژیم خمینی بوده است و منجمله در گزارش مربوط به نماز جمعه‌ی هفته‌ی گذشته‌ی تهران، خبرنگار شبکه‌ی تلویزیونی "A.B.C"، تعداد شرکت‌کنندگان در این مراسم را یک میلیون نفر ذکر کرده و در مورد اعزام نیرو به جبهه‌ها نیز مدعی شده است که "مردم خودشان با علاقه در جبهه‌ها حاضر می‌شوند!!"

### یک گام نزدیکتر از رژیم شاه

\* رفسنجانی جنایتکار در نمایش جمعی تهران: "چقدر های و هو" راه انداختند که منافقین تصمیم گرفته‌اند که صندوق‌ها را منفجر کنند... همان روزهای اول یک چند گروه فرستاده بودند از گردستان، خیال می‌کردند آنها می‌آیند تو تهران آنقدر شلوغ می‌کنند که گارها تموم می‌شود، مردم می‌ترسند."

(رادیو رژیم ۳۱/فروردین/۶۳)

### اعلامیه‌ی "حاکمیت"؟!!

" به گزارش واحد مرکزی خبر، قرارگاه سیدالشهدا اعلام کرد نیروهای توانمند اسلام مستقر در میوان روز پنجم فروردین‌ماه در پی اجرای عملیات کمین در یکی از محورهای این منطقه، موفق شدند ۳ تن از ضدانقلابیون وابسته به استخبار جهانی را به هلاکت رسانده و سالم به پایگاههای خود برگرداند.!!"

(جمهوری - ۱۴/فروردین/۶۳)

### خریدهای هنگفت سپاه ضد خلقی

#### در پوشش‌های مختلف

در اوایل ماه فوریه‌ی سال جاری مسیحی، رژیم خمینی برای خرید ماشین‌آلات سنگین و دیگر خودروها و وسائل مورد نیاز سپاه ضد خلقی، هیئتی را تحت پوشش "شرکت کشت و صنعت کارون" به آلمان غربی اعزام نموده و هیئت مزبور معاملات متعددی را با چند شرکت آلمانی، منجمله شرکت‌های تیتان (TITAN)، مرسدس بنز، کلاس (CLASS)، اطلس و کرون (KRONE) انجام داده است. براساس سند شماره‌ی ۰۶۱۷۰۹۰۸۰۹ که بین هیئت نمایندگی رژیم خمینی و شرکت تیتان امضاء شده است، یک قلم از معاملات فوق، شامل ۳۰ دستگاه کامیون مخصوص بوده و قیمت آن به بیش از ۷ میلیون مارک میرسد.

\*\*\*

محل سکونتشان بیرون کرده و اثاثیه‌ی آنها را نیز به خیابان ریخته‌اند. این ساختمان‌ها که به یکی از سرمایه‌داران زالوصفت وابسته به دربار (شاه خائن) تعلق داشته، پس از انقلاب توسط مردم مصادره شده و تعدادی از خانواده‌های زحمتکش و بی‌سربناه جنوب‌شهر در آن سکنی گزیده بودند، اما بدنبال شکایت صاحب این ساختمان‌ها، اخیراً از طرف باصلاح دادستانی رژیم خمینی، حکم تخلیه‌ی این ساختمان‌ها صادر گردیده و توسط مأموران مزدور رژیم به اجرا گذاشته شده است.

### درماندگی وورشکستگی رژیم خمینی

بیش از سه ماه است که رژیم خمینی پرداخت حقوق کارگران و کارکنان اداری راه‌آهن را به بهانه‌های گوناگون به تعویق می‌اندازد. ایادی رژیم، اعتراضات کارگران و کارمندان راه‌آهن در این رابطه را، بی‌جواب گذاشته‌اند. هزینه‌های سرسام‌آور جنگ خارجی و سرکوب داخلی و نتیجتاً ته‌کشیدن بودجه‌ی دولت، باعث شده است تا رژیم خمینی از تامین بودجه‌ی سالانه‌ی راه‌آهن عاجز مانده و از پرداخت حقوق کارگران سرباز بزند.

### اینهم "آبادی" و "توسعه"!

#### در منطق خمینی

این عکس گوشه‌ای و تنها گوشه‌ای از باصلاح "تکیه‌ی شهدای اصفهان"، محل دفن کشته‌شده‌های جنگ می‌باشد که توسط یکی از هواداران سازمان در اصفهان برای ما ارسال شده است. در نامه‌ی ضمیمه‌ی آن نوشته شده است: "دهکده یا روستائی در ایران وجود ندارد که "شهید" نداشته باشد. من این عکس را جهت افشای رژیم خمینی برایتان می‌فرستم."



اطلاعیه شهرداری اصفهان  
مهمترین عزیز از آنجائیکه برای گورستان عمومی تخت فولاد بعثت گسترش شهر و تراکم قبور امکان ارائه خدمات مطلوب متوفیات بعداقل رسیده است از چند سال قبل تدارک ایجاد گورستانی متناسب با نیازمندیهای آینده شهر بزرگ اصفهان از این بابت فراهم گردیده و به همین جهت از تاریخ اول اردیبهشت ماه سال جاری این محل که موسوم به باغ رضوان شده است رسماً مورد استفاده قرار خواهد گرفت. ضمناً سرویس مرتب اتوبوسرانی به این محل قبلاً تامین شده است.  
روابط عمومی شهرداری اصفهان

### شهادت یک رزمنده‌ی مجاهد خلق

#### در زیر شکنجه

#### و ادامه‌ی موج اعدام‌های مخفیانه

\* در تاریخ ۲/اسفند/۶۲، یکی از رزمندگان مجاهد خلق بنام حلیل حاجی‌زاده در زیر شکنجه‌های وحشیانه‌ی دژخیمان خمینی در زندان سپاه ضد خلقی شیراز به شهادت رسیده است. وی که در اوایل تیرماه سال ۶۰ دستگیر شده و به ۵ سال زندان محکوم گردیده بود، تا چند هفته قبل از شهادتش در زندان عادل‌آباد شیراز در اسارت بسر می‌برد. تا اینکه مجدداً به زیر بازجویی و شکنجه کشیده می‌شود و سرانجام در تاریخ فوق‌الذکر در زیر شکنجه‌ی مزدوران خمینی به شهادت می‌رسد. شدت شکنجه‌های وحشیانه‌ی مزدوران خمینی بحدی بوده است که برخی از اعضای بدن او در اثر ضربه‌ی کابل و سوزاندن متلاشی شده بود. در مراسم تشییع جنازه‌ی مجاهد شهید حلیل حاجی‌زاده که در گورستان "دارالرحمة" شیراز برگزار شده بود، تعداد زیادی از مردم شرکت کرده بودند. لازم به توضیح است که برادر این شهید مجاهد (بجاهد شهید رحمان حاجی‌زاده) نیز در پائیز سال ۶۱ طی یک درگیری خیابانی با مزدوران خمینی در شیراز، به شهادت رسیده بود.

\* در اواخر بهمن‌ماه سال گذشته یکی از هواداران مجاهدین بنام قاسم لاله، پس از دو سال اسارت در زندان اوین، توسط دژخیمان خمینی خائن تیرباران شده است. جسد این شهید مجاهد به خانواده‌اش تحویل داده نشده و توسط جلاوران رژیم در گورستان بهشت‌زهرها خاک سپرده شده است.

\* در تاریخ ۴/اسفند/۶۲، ۷ نفر از اسرای مجاهد و مبارز زندان بوشهر تیرباران شده‌اند. جسد هیچیک از تیرباران‌شدگان به خانواده‌هایشان تحویل داده نشده است. نام یکی از اعدام‌شدگان که تاکنون بدست ما رسیده است، "احمد مرتضی" می‌باشد که از مدت‌ها پیش به جرم هواداری از مجاهدین در اسارت بسر می‌برده و چند هفته قبل از اعدام، ممنوع‌الملاقات شده بود.

### تبلیغات دجالگونه

رژیم ضد بشری خمینی اخیراً در صدد انتشار کتابی بنام "سیمای اوین"! برآمده و قصد دارد آنرا به چهار زبان فارسی، عربی، انگلیسی و فرانسه منتشر نماید. این کتاب که برای سرپوش گذاشتن بر جنایات و فجایع ضد انسانی رژیم در زندان‌ها، توسط دادستانی ضد انقلاب مرکز در حال تهیه و تدوین است، شامل یک سری تبلیغات دجالگونه می‌باشد و مزدوران رژیم تلاش کرده‌اند تا با صحنه‌سازی و درج گزارشات مصوری از قبیل "فعالیت‌های آموزشی و هنری"، "بازدید از زندانیان"، "ملاقات با خانواده‌ها" و... و واقعیات دهشتناک درون زندان‌ها را بزم خود وارونه جلوه دهند.

### "حمایت از مستضعفین"!!

در تاریخ ۱۳/اسفند/۶۲ مزدوران سرکوبگر خمینی در تهران، دهها خانواده‌ی مستضعفی را که در یکی از ساختمان‌های معروف به "صد دستگاه" (واقع در خیابان صدق پائین‌تر از میدان ونک) سکونت داشته‌اند، از

## قابل توجه هموطنان عزیز خارج از کشور

بقیه ز صفحه ۱۶ خر

- ۲۷ - پاسخ به اتهامات رژیم  
۲۸ - از زندگی انقلابیون درس بگیریم  
۲۹ - قسمت‌هایی از دفاعیات مجاهدین ...  
۳۰ - زندگی و مدافعات محمد مفیدی  
۳۱ - دفاعیات علی میهن‌دوست و مهدی رضائی  
۳۲ - آخرین دفاع محمد بازرگانی و مسعود رجوی  
۳۳ - دفاعیات مهدی رضائی  
۳۴ - مدافعات سعید محسن  
۳۵ - دادگاه و اعدام مجاهد شهید مهدی رضائی  
۳۶ - سرودهایی از سازمان مجاهدین خلق ایران  
۳۷ - جنگل شماره ۱  
۳۸ - جنگل شماره ۲  
۳۹ - جنگل شماره ۳  
۴۰ - سرودهای فلسطینی (ضمیمه جنگل ۳)  
۴۱ - نشریه‌ی خبری "مجاهد" شماره ۴  
۴۲ - نشریه خبری سازمان مجاهدین خلق ایران از شماره ۴ تا ۱۶ (باستثنای شماره ۶)  
۴۳ - اطلاعیه‌های سیاسی - نظامی سازمان شماره‌های ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ \* \* \*
- لیست کتابها و اطلاعیه‌ها و نشریه‌های خبری سازمان مجاهدین خلق ایران که مورد نیاز آرشو مجاهد می‌باشد:  
۱ - بهتر مبارزه کنیم  
۲ - دو گزارش از کارخانه‌ی ذوب‌آهن آریامهر و ...  
۳ - تأثیر جنبش مسلحانه بر زندان‌ها  
۴ - وحدت فرد و مسئولیت  
۵ - مقدمه‌ای بر مطالعات مارکسیستی  
۶ - مقاله‌ی اختیار  
۷ - مقاله‌ی اصل انسان  
۸ - شرحی بر نامه‌ی امام علی به عثمان حنیف  
۹ - پیام به خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی و وابستگان به جنبش  
۱۰ - اطلاعیه‌های سیاسی - نظامی سازمان مجاهدین خلق ایران از شماره ۱ تا ۱۷  
۱۱ - نشریه‌ی خبری سازمان مجاهدین خلق شماره‌های ۱ و ۲ و ۳ و ۶  
۱۲ - مبارزه چیست؟ یا مبارزه‌ی علمی  
۱۳ - انحلال در سازمان  
۱۴ - از زندگی انقلابیون درس بگیریم (ریزنویس) .
- ۷ - بخش آرشو مدارک و اسناد "مجاهد" \* \* \*
- لیست کتابها، خبرنامه‌ها و اطلاعیه‌های سازمان مجاهدین خلق ایران که به تعداد کافی به آرشو "مجاهد" رسیده است، از این قرار است:  
۱ - راه انبیا و راه بشر  
۲ - زندگی امام حسین (ع)  
۳ - شناخت  
۴ - تکامل  
۵ - تفسیر سوره‌ی انفال  
۶ - تفسیر سوره‌ی توبه  
۷ - تفسیر سوره‌ی محمد  
۸ - تفسیر خطبه‌ی جهاد  
۹ - تفسیر خطبه‌ی ۸۶ (عبداللہ)  
۱۰ - تفسیر وصیت به امام حسن و حسین (ع)  
۱۱ - مقاومت همه جانبه  
۱۲ - سازماندهی و تاکتیکها  
۱۳ - اصول مخفی‌کاری  
۱۴ - دانش انفجاری  
۱۵ - هوشیاری انقلابی خود را حفظ کنیم .  
۱۶ - دخالت نظامی ایران در عمان  
۱۷ - جنگ تجاوزکارانه‌ی رژیم شاه در عمان  
۱۸ - نبرد گرامه  
۱۹ - سه گزارش از کارخانه‌ی ذوب‌آهن آریامهر و ...  
۲۰ - روستا و انقلاب سفید  
۲۱ - راز یک بلیون دلار  
۲۲ - اقتصاد بزبان ساده  
۲۳ - احتضار امپراطوری دلار و ...  
۲۴ - گفتاری درباره‌ی شکنجه و زندان  
۲۵ - نامه به مرکزیت  
۲۶ - چشم‌انداز پرشور

## اسامی تعداد دیگری از فرماندهان، مهره‌ها و عناصر مهم رژیم که در تهاجمات اخیر کشته شده‌اند

و رسانه‌های خبری وابسته به رژیم بدانها اشاره می‌کنند، به اطلاعات می‌رسانیم. کشته شدن این تعداد از سرکردگان و فرماندهان جنگی، سرنوشت غم‌انگیز امواج انسانی تحت فرماندهی آنها را که هزار هزار به قتلگاه فرستاده شده‌اند را بخوبی ترسیم می‌کند.

در ادامه‌ی لیست اسامی ۴۴ تن از فرماندهان، مهره‌ها و عناصر مهم رژیم که در تهاجمات اخیر کشته شده و اسامی آنها در مجاهد شماره ۱۹۷ درج گردیده بود؛ ذیلاً اسامی تعداد دیگری از این قبیل افراد را که ناگزیر، اما بتدریج مطبوعات

شماره	نام و عنوان	سمت	ماخذ
۰۱	حاتمی	معاون وزیر سپاه	-
۰۲	حمیدرضا بوخت	معاون تیپ ۲ لشکر کربلا	-
۰۳	ابوالحسن احمدی	فرمانده‌ی گروهان شهید دستغیب لشکر محمد رسول الله	اطلاعات ۶۳/۰۱/۱۵
۰۴	عادل خدائی شربیانی	مسئول پذیرش سپاه شهرری	کیهان ۶۳/۰۱/۱۴
۰۵	حسینعلی نصرافهانی	فرمانده‌ی بسیج مرکزی سپاه پاسداران شهرستان لردگان (خیبر)	جمهوری ۶۳/۰۱/۰۹
۰۶	-	۲ تن از عناصر اطلاعاتی سپاه منطقه‌ی ۱۰	-
۰۷	مجید انتظاری	فرمانده بسیج مسجد امام حسین در طلائی	کیهان ۶۳/۰۱/۲۲
۰۸	احمد کریمی	مسئول واحد بسیج پایگاه بهشتی (و ۲ دیگر از اعضای آن)	جمهوری ۶۳/۰۱/۲۰
۰۹	سید عباس میسری	مسئول بسیج سپاه مسجدالانبیاء و مربی تربیتی در طلائی	جمهوری ۶۳/۰۱/۱۵
۱۰	مرتضی یاغچیان	معاون لشکر عاشورا	جمهوری ۶۳/۰۱/۲۳
۱۱	مشهد عباد	فرمانده‌ی گردان امام حسین لشکر عاشورا	جمهوری ۶۳/۰۱/۲۳
۱۲	ورمزیاری	فرمانده‌ی گردان علی اکبر لشکر عاشورا	جمهوری ۶۳/۰۱/۲۳
۱۳	مهدی ذاکری	فرمانده‌ی گردان صبار از لشکر نصر	جمهوری ۶۳/۰۱/۲۳
۱۴	علی خسروانی	سرهنگ نیروی زمینی	کیهان ۶۳/۰۱/۲۰
۱۵	منصور ثبوتی پور	سرگرد خلبان	کیهان ۶۳/۰۱/۱۶
۱۶	صادق ترویجی	ناخدا سوم خلبان	جمهوری ۶۳/۰۱/۱۶
۱۷	احمد مسعودی	نوابنیار دوم مخابرات نیروی دریائی	کیهان ۶۳/۰۱/۲۳
۱۸	-	بیش از ۵۰ آخوند اعزامی به جبهه (خیبر)	جمهوری ۶۳/۰۱/۲۳
۱۹	-	۴۰ آخوند (خیبر)	کیهان ۶۳/۰۱/۲۸
۲۰	سیدکمال خالقی	آخوند - پاسدار	جمهوری ۶۳/۰۱/۰۷
۲۱	محمد شریعتی	آخوند نماینده‌ی خمینی در سازمان انرژی اتمی	کیهان ۶۳/۰۱/۱۸
۲۲	عبدالعلی بهروزی	قائم مقام فرمانده‌ی تیپ امام حسین	کیهان ۶۳/۰۱/۲۹
۲۳	امیر عباسی	معاون گروهان والعدایات از تیپ سیدالشهدا	کیهان ۶۳/۰۱/۲۹
۲۴	عبدالفتاح ناظمی	آخوند (خیبر)	اطلاعات ۶۳/۰۱/۰۶
۲۵	مرتضی یاورنژاد	عضو دادستانی ضدانقلاب تهران	کیهان ۶۳/۰۱/۱۶
۲۶	غلامحسین عرفانی	از کارکنان دادگاه و دادستانی ضدانقلاب ارتش	اطلاعات ۶۳/۰۱/۱۴
۲۷	محسن علیمرادیان	از کارکنان دادگاه و دادستانی ارتش	کیهان ۶۳/۰۱/۲۱
۲۸	مصطفی حیدرنیا	معاون و مشاور و سرپرست کمیته‌ی اداری و تشکیلاتی سازمان تربیت بدنی	اطلاعات ۶۳/۰۱/۱۹
۲۹	علی اکبر جعفری نژاد	از مسئولین وزارت معادن و فلزات	کیهان ۶۳/۰۱/۰۷
۳۰	نصرالله صدیقی	از اعضای دفتر جذب نیروهای خارج از کشور	کیهان ۶۳/۰۱/۱۸
۳۱	محمدعلی وحیدکیانی	از دفتر ریاست جمهوری	اطلاعات ۶۳/۰۱/۱۹
۳۲	سید عبدالله رضوی	وابسته به روابط عمومی دفتر ریاست جمهوری	اطلاعات ۶۳/۱۲/۲۲
۳۳	ناصر اسماعیلی اسکندری	از سردمداران انجمن ضداسلامی دخانیات، عضو شورای مرکزی خانه‌ی کارگر (خیبر)	اطلاعات ۶۳/۰۱/۰۶
۳۴	محمدحسین اشکوری	یکی از بنیانگذاران اتحادیه‌ی انجمن‌های ضداسلامی گروه صنعتی ملی	جمهوری ۶۳/۱۲/۲۲
۳۵	حسین شیبانی	عضو شورای کمیته‌ی امداد	جمهوری ۶۳/۱۲/۲۵
۳۶	امیر منصور یزدی	مسئول دبیرخانه‌ی بنیاد شهید	اطلاعات ۶۳/۱۲/۲۵
۳۷	امیرحسین سلیمانی	از مسئولین بنیاد شهید	اطلاعات ۶۳/۱۲/۲۵
۳۸	مجید لاهیجی	کارمند بنیاد ۱۵ خرداد	کیهان ۶۳/۱۲/۲۳
۳۹	علی گرامی	از اعضای حزب جمهوری (خیبر)	جمهوری ۶۳/۰۱/۰۸
۴۰	حمیداستکی	برادر فریدون استکی نماینده‌ی مجلس ضد خلقی	جمهوری ۶۳/۱۲/۲۲
۴۱	دکتر رضا جلوه‌گران	-	اطلاعات ۶۳/۱۲/۲۵
۴۲	محمد رضا جزایری	از فرماندهان	جمهوری ۶۳/۰۱/۱۹
۴۳	محمدعلی موسوی	از فرماندهان	اطلاعات ۶۳/۰۱/۲۰
۴۴	محمد رضا خانه‌نغا	از فرماندهان منطقه‌ی طلائی	کیهان ۶۳/۰۱/۰۹
۴۵	سید محمد علوی	مسئول بهداری لشکر ۱۷ علی ابن ابیطالب	اطلاعات ۶۳/۰۱/۲۱
۴۶	حمید حسینی عبدالرضائی	از فرماندهان	اطلاعات ۶۳/۰۱/۲۱
۴۷	عبدالله گلشن	از جهاد دانشگاهی پلی تکنیک	جمهوری ۶۳/۰۱/۲۷
۴۸	رسول شمس	" " " "	" " " "
۴۹	عباس مجتهدی	" " " "	" " " "
۵۰	حسن سیف	" " " "	" " " "
۵۱	حبیب‌الله شاملو	" " " "	" " " "
۵۲	رحیم بسی صفت	از پلیس قضائی	کیهان ۶۳/۰۱/۲۷
۵۳	فریدون خلقتی	" " " "	" " " "
۵۴	موسی نخستین‌ماهر	" " " "	" " " "
۵۵	علیرضا گرگی	" " " "	" " " "
۵۶	اصغر بوربور	عضو فعال دفتر حزب جمهوری و رامین	جمهوری ۶۳/۰۱/۲۳

# هویت و عملکرد سیاسی ضد انقلاب

۱- اتهامات ضد انقلاب علیه مجاهدین :

"مارکسیسم اسلامی"، "التقاطی"، "تروریسم" و ...

۲- اتهام وابستگی مجاهدین به کشورهای بلوک شرق

۳- دشمنی با مقاومت انقلابی و مشروع مسلحانه

۴- ضدیت کین توزانه با رهبری سازمان

و هتک حرمت ارزشها و سمبل های انقلابی

۵- ضدیت لجام گسیخته با ایدئولوژی "اسلام"

۶- دشمنی با سیاستهای مردمی و انقلابی شورای ملی مقاومت

تاکنون، در صفحات ویژه‌ی خارج از کشور با برخی از سیاستها و عملکردهای "ضد انقلاب خارجه‌نشین" آشنا شده‌ایم. در خلال مقالات متعدد و مستندی که منتشر نموده‌ایم، سعی بر این بوده که چهره‌ی "ضد انقلاب مغلوب" را آنچنان که هست به خوانندگان "مجاهد" بشناسانیم. در این شماره، می‌خواهیم برای اشراف هرچه بیشتر خوانندگان عزیز، بویژه بعنوان نکات آموزشی برای هواداران و سمپاتی‌زانه‌های سازمان، "هویت" و عملکرد ضدانقلاب را با استفاده از نشریات رنگارنگ آنها تا حدی سرجمع کرده و به معیارها و ملاکهای مشخصی دست یابیم. معیارهایی که در برخوردها و موقعیتهای روزانه‌مان کاربرد عملی داشته باشند تا بتوانیم به مدد آنها در جهت شناخت هرچه بیشتر صف انقلاب و ضدانقلاب با آگاهی و معیار علمی و عملی دقیق‌تری گام برداریم.

البته لازم به توضیح است که بررسی ماهیت اجتماعی و طبقاتی ضدانقلاب، در خور تحلیلها و مقالات دیگر است که فعلا ما در اینجا قصد ورود به آن را نداریم. بلکه تنها سعی خواهیم کرد که ویژگی‌ها و هویت ضدانقلاب را در محدوده‌ی "سیاسی" آن بررسی کرده و موضعگیری‌های ضدانقلابی آنرا در صحنه‌ی سیاسی روز که بطور عمده در نشریات آنچنانی با پول به یغما رفته‌ی خلق ستم‌دیده‌ی ایران چاپ و منتشر می‌شوند، نشان دهیم.

البته روشن است که غرض از این بحثها به هیچوجه پاسخ دادن به اراجیف بقایای دار و

با استقلال و هموار کردن راه وابستگی به استعمار و... آنها را بهم وصل می‌کند. علیرغم تفاوت‌های ظاهری که جریانات ضدانقلابی با یکدیگر دارند، این نکته را نباید فراموش کرد که کلیه‌ی جریانات ضدانقلابی دارای جوهر واحدی هستند که در نقاط مختلف بهم "وصل" میشوند. در صفحات آینده ملاحظه خواهید کرد که چگونه خمینی و خمینی‌گرایان با دار و دسته‌ی سلطنت‌طلبان، در مورد انقلابیون، بویژه مجاهدین، دارای "وحدت" نظر و عمل هستند. اینک ما به برخی از سیاستها و عملکردهای ضدانقلاب تحت عنوان "هویت" ضدانقلاب، اشاره میکنیم :

۱- اتهامات ضدانقلاب

علیه مجاهدین :

"مارکسیسم اسلامی"

"التقاطی"، "تروریسم"

و ...

همزمان با آغاز مبارزه‌ی مسلحانه در سال ۵۰، شاه خائن به کمک تئوریسین‌ها و بازجویان



## غلطهای زیادی!

روانشناسانی جامعه کرده‌اند. یکی از ترهات "پسرمانده‌ی خاندان خیانت (نیم‌پهلوی)" توجه کنید.

در ایران تربیبون مورخ ۱۹/آذر/۶۲ مقاله‌ای بنام "ایران از دید من" چاپ شده که بسیار جالب است! افاضی اول! که سرآغاز مقاله هم می‌باشد، اینست: "در فراسوی خشونت غیر انسانی و فداکاری غیر منطقی جوانان افراطی، دلایل روانی بسیار عمیق‌تر، امتناع توده را از پیروی از مجاهدین و گروههای مشابه آنها توجیه می‌کند." عجبا که این خزعلات را

آب که سر بالا برود علاوه بر ابوعطا خواندن قورباغه‌ها، مارمولک‌ها هم عینک روانشناسان را به چشم میزنند و به تحلیل مسائل روانی بسیار عمیق‌تر امتناع توده "از پیروی از مجاهدین" میپردازند. مارمولک‌ها که تا دیروز، در کسوت ابوی‌های ملعون و مدفونشان کاری جز شکنجه و جنایت و خیانت نداشت‌اند، فراموش می‌کنند که حرفهایشان نشخوار همان حرفهای زبوانه‌ی شکنجه‌گران دیروز است. یعنی در لحظاتی که پیکر غرقه به خون هر مجاهد و مبارزی را در سلولهای کمیده و اوین تکه پاره می‌کردند و وقتی از قدرت! کابل و آپولو و انواع و اقسام وسائل ابداعی شکنجه‌ی "شه ساخته" شان، مایوس می‌شدند، زبوانه لباس پند و نصیحت به تن میکردند و برای "جوانی" و "پاکی" و "سادگی" آنان پستان به تنور می‌چسباندند. اکنون به مدد دلارهای بیگران و غارت شده‌ی خلق، روانشناس! و نویسنده! و تحلیل‌گر نیز شده‌اند و تازگی‌ها شروع به بررسی

"مجاهدین و گروههای مشابه" سالها پیش چندبار از زبان شکنجه‌گران زبون دیروز و امروز خود شنیده‌اند و چقدر باید چوب "خشونت غیر انسانی!" و "فداکاری غیر منطقی!" خود را بخورند و آخر سر هم، روانشناسان بی‌تاج و تخت!! "دلایل روانی عمیق‌تر" ناکامی‌های آنها را به "رخ" شان بکشند.

قدر مسلم اینکه برای مجاهدین و همچنین توده‌های مردم، این گونه خزعلات که تکرار حرفهای شکنجه‌گران و امانده می‌باشد، چیزی در ردیف غلطهای زیادی است و البته مدتهاست که اینگونه ترفندهای مسخره حتی بدرد اربابان قدیمی هم نمی‌خورد!

**ایران تریبیون**  
**Iran Tribune**

شماره ۲۲۱  
شنبه ۱۹ آذر ماه

نویسنده: رضایی

درفراسوی خشونت غیر انسانی و فداکاری غیر منطقی جوانان افراطی، دلایل روانی بسیار عمیق‌تر

امتناع توده‌را از پیروی از مجاهدین و گروههای مشابه آنها توجیه میکند. درست همانطور که فراوانی موجود در دوران پیش از انقلاب اعتقاد و بی‌خیالی را گسترش داد، محرومیت، نگرانی و فقر ناشی از انقلاب، موجب ترس از نا شناخته و امتناع از قبول هرگونه ریسکی گردید

### هویت

## و عملکرد سیاسی ضد انقلاب

و شکنجه‌گران متعدد خود بدرستی دشمن اصلی خود را شناخت و در دشمنی و ضدیت با مجاهدین که در راه استقلال و آزادی خلق و میهن، از بذل هر گونه فداکاری دریغ نمی‌ورزیدند، از هیچ جنایتی کوتاهی ننمود. این مسئله آنقدر روشن است که نیاز به شرح و توضیح بیشتر ندارد. فقط کافیت به خشم و کینه‌ی ضدانقلابی شاه خائن، زمانی که در مصاحبات و سخنرانیهای خود به انقلابیون میپرداخت توجه کنیم. شاه خائن - و به تبع او دلقکانی که حتی بعد از ۵ سال، تمام هنرشان تقلید کاریکاتوروار زستها و موضعگیریها و نشخوار حرفهای اوست - بخوبی تشخیص داده بود که مخالفین اصلی منافع نامشروع او، چه کسانی هستند و بهمین دلیل درست در زمانی که دسته دسته مجاهدین و مبارزین را به جوخه‌های اعدام میسپرد و در شکنجه‌گاههای کینه و اوبس و ... تکه تکه می‌کرد نه تنها به "دیگران" کاری نداشت، بلکه "منبر" و "پامنبری" هم برایشان جور میکرد، تا با تبلیغ و اجتماعی کردن القاب "مارکسیست اسلامی" و "التقاطی" و "تروویست" و ... از آنها بعنوان چاقهای برای کوبیدن هرچه بیشتر "مجاهدین" استفاده کند. هرچند که این آرزو بگور برده شد و حتی سلف بمراتب ارتجاعی‌تر و خائن‌تر او - خمینی - هم علیرغم تمام کشتارها و شکنجه‌ها و عوام‌فریبی‌ها و دجالگریها و مزخرفاتی از قبیل "التقاطی فکر کردن خیانت است به اسلام" و ... نیز نتوانست در مقابل امواج توانانی انقلاب کاری از پیش ببرد، اما چه خود شاه خائن و چه نفاذهای پس مانده‌ی او در ضدیت با عنصر "مجاهد" وایدتولوژی "مجاهدین" لحظهای درنگ نکرده و نخواهند کرد. ذیلا به چند نمونه از ترهات حضرات که تماما سعی در مخدوش کردن هویت ایدتولوژیک-سیاسی مجاهدین دارند، توجه کنید:

دو پاسخ تکرار  
نمایندگان پارلمان هلند  
مجلس تروویسم  
را محکوم کرد

نطق گلمت در روزگرماء گروهی پینا میشوند که اینجا و آنجا، مساله‌ای را می‌کنند و نوعی خاص از این مساله و طرز برداشت را ما در جامعه خود مشاهده کردیم.

اینرا برای آن دسته از نمایندگان احزاب کشور هلند میگویم که پیش لایرا پیدا کنند.

در جامعه ما گروه خاصی پینا شده و اینها خودشان را تحت عنوان مارکسیست‌های اسلامی معرفی کرده‌اند.

احظار شاهنشاه  
در مصاحبه با نیویورک تایمز:

- چطور می‌شود پروتست و تظاهرات در ایران را تحمل کند.
- گروه‌های سیاسی و فکری در ایران به چه می‌رسد.

### حادثه برای ایران موازنه جهان را بهم می‌زند

شاهنشاه در مورد زندانیان سیاسی فرمودند:  
آنها همه مارکسیست هستند. اینها افرادی هستند که خود را مارکسیست اسلامی می‌نامند. بطور ممکن است کسی پیرو مذهب ویر بین‌حال مارکسیست باشد!

### شاهنشاه: عملیات تروویستی در ایران با گرفتن حقوق ایران از نفت مصادف بود



### عملیات تروویستی و قضیه نفت

۹ روز بروز سروصدایش کمتر شد. البته تمام کتابچه این عملیات را انجام میدادند همه ایشان کردند که مارکسیست بودند ولی ما حاضر داریم در تاریخ طولانی ایران آنچه که مربوط به نفت میشود بکنجه تولد نفتی هسته وجود داشته است. لذا مارکسیست اسلامی را بطور میتوانید توجه بکنید. یعنی آپ و اشرف و سایر اشرف و خدائشایی، انکار خداوند و شایسته‌ها و سایر بی با بیک فکری تصور و اندیشه و عقاید کابالت و کولت این میشود مارکسیست اسلامی این میشود چیه توده نفتی، حالا

بانگدلی فکر بکنیم مجلسی رود میشود تطبیق داده عملیات در پوجانه نمطی می‌موبوبگاه بلکه سمانه و وحشانه و حائانه تروویستی ایران کرسضادف میشود ناخبرین می‌ما در تحقق و گرفتن حقوق ایران در همین امر. فکر بکنیم که عملیات تروویستی ترست در همان زمان شروع شد و در تمام این مدت تا ۱۹۷۳ که تکلیف بطور قانعانه تعیین شد ادامه داشت. از آن موقع باین طرف می‌بینید

مجلس  
مارکسیسم  
اسلامی را  
محکوم کرد  
شنبه ۲۱  
۱۳۵۲ خرداد

شاه: ... هه آنها تروویست هستند... برخی از آنها می‌گویند مارکسیست‌های اسلامی هستند... این کشور متعلق به ماست... این گروه افرادی را تحمل نمی‌کنیم...

سازمان آزادی  
سازمان آزادی  
سازمان آزادی

مجلس  
مجلس  
مجلس

مجلس  
مجلس  
مجلس

مجلس  
مجلس  
مجلس

مصاحبه تلویزیونی  
شاهنشاه در آمریکا  
زندانیان سیاسی در ایران  
آنها غلامی...  
گویند که مارکسیست هستند...  
آنها می‌گویند مبارک‌گشتیهای  
اسلامی هستند... بنابراین میتوانید  
حس بریزید چگونه افرادی هستند

سومین کتاب شاهنشاه  
بسوی تمدن بزرگ

### دیروز

ایران و جهان  
مجلس  
مجلس  
مجلس

بی خیال‌های «خالص»  
مذهبی کمونیستی مجاهدین به کنگ  
فلسفه فکری این دسته از روشنفکران  
مذهبی هواداران خود را از نظر فکری  
سلح کرده در نتیجه هواداران آنها کا بلا  
دراختیار رنسیسم‌گیری رهبری مجاهدین  
گذشت که هر نوع دستوری حتی به گام  
مرگ رفتن را از رهبری خودما جان و دل  
سبب برنند. این تلاش فلسفی مذهبی‌ها  
عاجل اعلی سازمان یافتن و مبارزه‌چو  
شدن ما بر گروه‌های مدرسه‌رفته مذهبی  
نیزهست...

گروه به عمل آورده تنها  
درک قاطعی که از ایدئولوژی  
مجاهدین دارد این است  
که اگر اسلام خمینیسی  
ما رکنیسم استالین را با  
مطالعات فراوانی که این  
نویسنده با استناد به  
تشریحات و جزوه‌های این  
رسید...

همانند رژیم خمینی مجاهدین معتقد به  
دخالت اسلام در حکومت هستند و "اسلام را ستین"  
آنان با "اسلام" خمینی هیچگونه تفاوت روشن  
و عملی برای ملت ایران ندارند.  
مجاهدین خود را مارکسیست میدانند و تاریخ  
قرون معاصر گواه آنست که صاحبان این  
اندیشه نتوانسته اند در هیچ گجای دنیا آزادی  
و دموکراسی را حاکم کرده و استقلال میهن خود  
را در مقابل قطبهای قدرت در دنیا ب کمونیسم  
حفظ کنند.

نهیضت  
حاکمیت ملی و مجاهدین خلق  
بخته ۲۰ اشدماه

از لحاظ سیاسی:  
- دشمنی با استقلال ملل  
- اسلام و کمونیسم هر دو  
مدعی اند که رمانت دارند تمام  
جوامع بشری را مستطیل از  
خصوصیات فرهنگی آن فاجعت  
یک حکومت جهانی در آورند و هم  
بدین دلیل هر ما ملل را که مانع تحقق  
این برنامه سیاسی باشد سخت  
دشمن می‌دارند و از همین حسا  
است که هر دو آن ها دشمن  
انسانی نابذیر خصوصیات فوسمی و  
حق حاکمیت اقوام و ملل بر یک  
حکومت و دولت مستقل می باشند.

دشمنی با آزادی انسان:  
- اسلام و کمونیسم هر دو  
توتالیتر می باشند. بدین  
معنی که تمام رفتار و کردار و  
فردی افراد را تحت کنترل نه  
مرکز حکومتی در می آورند و  
اجازه هیچ نوع آزادی مستقل  
در هیچ یک از زمینه‌های  
زندگی فردی و اجتماعی را به  
کسی نمی‌دهند

شده اند و تازه این آقاها ب  
جوجه اسلامی وجودند  
ما رکنیست ها میخواهند  
مسلط ونا رنیک یک سیستم  
التقاطی ورنگته را بنام  
دموکراتیک به ملت  
شتمیده ما تحمیل کنند  
به همین دلیل ملت هرگز  
با رچنین ملتقمه دروغ و سوا  
با فریب نخواهد رفت و حقایق  
حضرات دیگر نزد مردم رنکی  
ندارد...

علل شکست مجاهدین  
جری هرگز چهره محبوبی نبود

۷- حکومت‌های اسلامی  
در کشورهای اعلی خود و  
حکومت‌های باطل  
ما رکنیستی درزا دگا های  
ما در می خوددیروز ما ن است  
که با شکست ونا گامی رو بسو

قیام ایران  
فریاد اوپوزیسیون در تبعید...  
شاپور بختیار وهم و شهبه‌ای ندارد...  
بنظر او اینها حداکثر گانسی  
هستند که شهبه‌راه از خمینی جدا  
شده‌اند و قادر نیستند جاه طلبی‌های  
شخصی را فراموش کنند. او مجاهدین  
را طرفداران سکر میدانند.

نهیضت  
در برابر  
انترناسیونالیسم اسلامی

اسلامی مجاهدین در  
برابر مکتب‌های زائیده  
ندن در دل کمینفرم  
باید از تو مشروطیت  
ملطنتی ایران دفاع  
ما در برابر  
ایده‌دولوی "مارکسیسم  
کیم که شاه در چنین  
نظامی یک پرچم است و  
یک سبیل ملی است.

### امروز

# هویت و عملکرد سیاسی ضد انقلاب

## ۲- اتهام وابستگی

### مجاهدین

## به کشورهای بلوک شرق

صدانقلاب مغلوب همواره سعی دارد که خود را برای "اربابان"، نوکری باهوش و با کفایت نشان دهد تا رضایتشان را جلب کند و با لطایف-الحیل می‌خواهد نشان دهد که بنحو احسن از پس انجام وظایف محوله! برمی‌آید. برای این اساس لازمست که به ارباب بفهماند - و حتی گاه اورا بتزساند- که مجاهدین کارگزاران "KGB" و جاسوس روس و دست-پرورده‌ی کمونیسم بین‌المللی اند. در این راه و بر این اساس، "محمد رضا سعادت" و "مهدی رضایی" هم "عامل روسها" معرفی میشوند. با این حساب واقعا چه کسی می‌تواند شک کند که، پیوند ضدانقلابی "آزاده شفیق" با "خمینی"، دارای ریشه‌های بس عمیق و مشترکی است که تنها در جریان تعمیق مرزبندی‌های انقلاب و ضدانقلاب قابل درک و فهم است:

ملاحظه می‌کنید که عوام فریبی‌ها و ضدیت با مجاهدین، اساسا و ماهیتا هیچگونه فرقی نکرده است. مجاهدین همچنان "سخت‌التقاطی"، "مارکسیست"، سازمان "مذهبی کمونیستی"، "اسلام خمینی باضافه مارکسیسم استالین" همانند رژیم خمینی "کسانی که خود را مارکسیست می‌دانند... نمی‌توانند دمکراسی را حاکم کرده و استقلال میهن خود را در مقابل قطب‌های قدرت در دنیای کمونیسم حفظ کنند"... می‌باشند. و بی‌جهت نیست که شاپورخان (که توسط مردم ملقب به نوکر بی‌اختیار شده) علیرغم تمام ضدیتی که با مارکسیست‌ها دارد، ولی حداقل در حرف و ژست دمکرات‌مانندانه‌ی خود برایشان "احترام" قائل می‌شود، ولی وجود چنین پدیده‌ی غیرقابل توجیهی!! را نمی‌پذیرد!!

## قیام ایران

جمعه ۹ مهرماه ۱۳۶۱  
اول اکتبر ۱۹۸۲

شماره ۴۶

### مصاحبه دکتر بختیار

### با رادیو لوژن آمبوگ

... جوان‌هایی زبرنام فدایی و مجاهد غیره فعالیت می‌کردند که کم و بیش، کمونیست با دست کم مارکسیست هستند. اناره من به این مطلب از آن روست که میان اسلام و مارکسیسم، تضاد می‌بینم. هرکس حقیق دارد مارکسیست باشد و منطق و بسزه مارکسیست‌ها را نداشته باشد و من به عنوان یک انسان دمکرات و منطقی، به چنین فردی احترام می‌گذارم. اما آنچه نمی‌توانم بپذیریم این است که کسی، در آن واحد، هم مسلمان معتقد باشد. هم مارکسیست. چنین چیزی قابل توجیه نیست.

## ایران آزاد

### "مجاهدین" یادست پروردگان "ک.ا.ب.؟"

مسعود رجوی بر سر خود فراتر رفته است و با "مجاهدین خلق" (که البته معلوم است که کجاست) به رهبری رسیده چه کسی تا موریت رهبری را به ایشان محول کرده "رهبری" های ما را به نشان تا کی ادا می‌فرمایند؟ (در ادامه می‌آید) ...

شوروی و همسازان آن، ساجدها و عیال خودشان را بر زمین گذاشته اند و خود را برای بیگانه، حتی نسبت به خطرات ناخوشناخته خود فرستاده‌اند. در رسای شجاعت شوروی یا رهبران کرملین سر زمان آورده و حتی بکبار نیز گفت که ما سوسی به سودگاری، "ب" غیاث است

لازم به یادآوری است که ما در سالهای ۲۸-۱۳۲۷، به هنگامی که در (اندکسپورت) در کارخانه ذوب آهن اصفهان به کار اشتغال بودیم، به وسیله جاسوسان "ک.ا.ب." استفاده شدیم و در سال ۱۳۵۰ به وسیله یک عامل ایرانی روس‌ها یعنی "مهدی رضایی" وارد سازمان مجاهدین خلق گردیدیم

هنده اطراف نظرها و عملکردهای "سازمان مجاهدین خلق" در مورد مسائل ایران و جهان نه تنها در این "ما" مواقع برسد، بلکه در گروهای ما، مارکسیست، "نیشنالیست ایرانی" (از جمله حزب توده) بنا به جهت دارد. جاسوسان در کارگزاران حکومت خمینی - بلکه به طوری تلگراف انگیزه‌ها و سیاست‌های استعماری کرملین منطبق است

## هموطن HAMVATAN

واقعیست چیست؟



شهره، مساجد ارگان سازمان مجاهدین خلق ایران به نامت ساختند تا "نشان این سازمان در یکی از نشانی‌ها یا جرم خود را در تبرک به جاب تصویر جهانی نیز بخود است:

کمی وقت در تصویر مبرور ما به ایت اصلی این سازمان فلسفی و وابستگی سران آنرا به همسایه شمالی ایران بهیچ‌شان میدهد. - در این تصویر جهانی بهیچ‌شان داده شده که با صلاح "ملینشای قهرمان" دنیا از اتحاد مظاهر

شوروی و همسازان آن، ساجدها و عیال خودشان را بر زمین گذاشته اند و خود را برای بیگانه، حتی نسبت به خطرات ناخوشناخته خود فرستاده‌اند. در رسای شجاعت شوروی یا رهبران کرملین سر زمان آورده و حتی بکبار نیز گفت که ما سوسی به سودگاری، "ب" غیاث است

لازم به یادآوری است که ما در سالهای ۲۸-۱۳۲۷، به هنگامی که در (اندکسپورت) در کارخانه ذوب آهن اصفهان به کار اشتغال بودیم، به وسیله جاسوسان "ک.ا.ب." استفاده شدیم و در سال ۱۳۵۰ به وسیله یک عامل ایرانی روس‌ها یعنی "مهدی رضایی" وارد سازمان مجاهدین خلق گردیدیم

هنده اطراف نظرها و عملکردهای "سازمان مجاهدین خلق" در مورد مسائل ایران و جهان نه تنها در این "ما" مواقع برسد، بلکه در گروهای ما، مارکسیست، "نیشنالیست ایرانی" (از جمله حزب توده) بنا به جهت دارد. جاسوسان در کارگزاران حکومت خمینی - بلکه به طوری تلگراف انگیزه‌ها و سیاست‌های استعماری کرملین منطبق است

## ایران آزاد

۳ فرانک  
شماره ۱۲۹  
شنبه ۱۴ اسفندماه ۲۵۴۱ (۱۳۶۱ شمسی)

ما عمل بوده بودیم برای نشان دادن، در این بیند که ما راه یک ملت وطن پرست، از هم دور، از انقلاب ویرانگر، و آسیب دیده از ترور و "روست بزرگ" ی که همسایه مجاهدین و مثال آنها فخرشان در ایران نباشد، به طور شایسته ای میان ما و شما که می‌تواند به گونگی مولود و وابسته دولتمردان را به ارکستی - اسلامی نشود و آنان را به عنوان حزب الهی‌های انشعابی و اعمالان

ما گذشت زمان، هر روز مقابل پیرامون مسائل ایران بیش از پیش آشکار می‌شود و بهره‌رسانی و دروغ‌ها را "تفلیس" ۳۰ از دینوران "و" "دیگر نشان" کاذب و کذاب بهیچ‌کنار می‌برد.

مجاهدین خلق، پس از رسوایی مالگیری خود در دست دولت متجاوز و عراقی و فرستادن قاضی مزبور، موج نفرت و تنجاری که تقریبا "از سوی همه ایرانیان (مردم)

به قدرت رسیدن "پدر بزرگواران" خمینی، مکتوب می‌کنند. اطلاعات نشریات آنان (از جمله روس نامه "مجاهد") تنها به گروشت و ژیبوسنی و گنجی این مجاهدین منافع کرملین، از واکنش قاطع ملت ایران در برابر ترور وطن فروشی‌های آنان است.

رهبران مجاهدین خلق، در واقع دست-فروتنان نیستند که در گذرگاه قدرت‌ها و دولت‌های استعماری شرق و غرب، با طر خود واکنش داده اند و گاهی منقربان را که همسایه تروریسم، باج گیری، و "افشارات" کاذب بنا شده، بر سر خون جوانان بی‌گناه، منصرف و افعال ناهنجار است. در معرض بی‌سوفت قرار داده اند تا از این راه که می‌تواند به پیشبرد راه راسته استعماری انشعابی باشد، بهیچ-راهی و بسته‌ای برای رژیم جمهوری اسلامی، در نظر

ایرانیان با استعمار بین‌المللی مطرح و مهم جلوه دهند.

در هر حال، مطابقی که هر روز بیشتر در مورد مجاهدین خلق و "شورای" دست نشانده‌شان آشکار می‌شود، بهیچ‌نشی نیست. از نخستین روزی که حدوداً نوزده سال پیش خلق مسروم مجاهدین خلق، در دولت فدا پرانی کمونیسم بین‌المللی و استعمار جهانی بسته شده، ما بهیچ‌نشی در نظر نشان تا در برهان همسایه غیوران هنگامی که متذکران کمونیسم، ریخته شدن خون هزاران قربانی بی‌گناه، این آدمکشان و بربرها در قتل‌های بی‌گناهان، و در آخر "مبارزات" اجنبی پرستان نشان، به تضحیح جزئی برای بیرونی و منق و وطن فروشی و جنایات بهیچ‌نشان نمی‌گناهده، که ما بهیچ‌نشی است افزوده بر آنچه گفتا نشان.

## ایران آزاد

شماره ۲۸  
شنبه ۳ مهرماه ۱۳۶۰  
(۲۵۴۱ تا هشتمی)

### «دانشگاه‌های رفیق رجوی!»

آقای مسعود رجوی به خبرنگار روا گفتن پست می‌گوید، ما مسلمانان و اهل‌سنت و ایمان ما چه در زمان هم‌بین چنین است: "کما تیکه؟ زنا می‌خواهد؟ خمینی جان نمیرد کرده اند حکومت ما کشته می‌ماند، نمی‌خواهد بگردد، برای آسوسن خلقی همه نگاه‌های ویژه بین کارفرستاده خواهد گفت."

اگر آقای درباری چنین سخن می‌گفتند، می‌تواند بود و دردی را بر ما تحمیل می‌کردند و حالا آقای رجوی در این روایت غلطی که در بیان کردیم، که نتیجه‌ای از هم کتون روشن است. همسایه-طروریکه نتیجه‌چنین وطن پرستان جنگلواکی در سال ۱۳۶۲ افشاداً نشانگر ان روس از پیش روشن بود.

### حکومت‌ها شیک نوپرسی دمکراتی

میکندند، از آنجا شیکه که ما قدمگرا می‌نشانیم، دمکراتی می‌فرمایند، در میان ما، زاده دمکراتیک همه در دنیا خودی یک می‌کنند، مثل "جمهوری دمکراتیک خلق کوبا" جمهوری دمکراتیک یمن جنوبی" و غیره و غیره.

و حالا ای رجوی می‌تواند بگوید که پس از این همه صحبت که به برکت ایران وارد گفتند و این همه حرف‌ها که با وطن پرستان که برای حفظ ملیت و فرهنگ ایران نشوید، ایران در می‌نشیند، تا زاره نشان فدا شده ما را یکبار از قمار روسیه بگذرانند، اینجا است که زنگه‌ی خطر بلندتر از همیشه به ما درمی‌آید. اینجا است که وطن پرستان و اهل‌سنت به ترحم با شنده‌ها نشان می‌آید که مسایل پیش برنگت شده اند و اکنون از آن بچینا نشده، دریا راه مرتکب نشوند، چه این با زدیگر مسئله منقبت‌مندی ملت خود می‌باشد. اگر در این زمینه این با زدیگر مسئله منقبت‌مندی ملت خود می‌باشد.

این با زدیگر مسئله منقبت‌مندی ملت خود می‌باشد. اگر در این زمینه این با زدیگر مسئله منقبت‌مندی ملت خود می‌باشد.

### نهضت

۲۱ سپتامبر ۱۹۸۲

## به مجاهدین دستور آماده باش دادند

آخرین گزارش رسیده حاکی است که حزب توده به گاه درهای خود دستور داده که در تشکیلات مجاهدین ادغام میشوند زیرا اتحاد با مجاهدین باعث خواهد شد که سلطنت طلبان و روزبروز قدرت بگیرند و برای مطالبه با خطر همجناس‌های چپ با یکدیگر اختلاف کنند.

این اختراچی تازه مجاهدین باید مسورد بررسی دقیق قرار بگیرد تا با ردهای برسی آنان بی به این امر برده شود می شود؟ ...

### هویت و عملکرد سیاسی ضد انقلاب

#### ۳- دشمنی با مقاومت انقلابی و مشروع مسلحانه

از آنجا که ضدانقلاب مغلوب بخوبی دریافته است که مشی انقلابی مسلحانه تنها راه و ضامن پیروزی انقلاب و خلق است (بویژه که اثرات آن را در دوران قیام ۲۲ بهمن نیز تجربه کرده است) در شرایط فعلی، خطر! را بخوبی درک کرده و بر اساس غریزه ضدانقلابی خود میفهمد که پیروزی خط مشی انقلابی، باقیمانده‌ی رؤیاهای تعبیر نشدنی او را نیز نقش بر آب خواهد کرد. از این نظر بسیار طبیعی است که "مبارزه‌ی انقلابی مسلحانه"، در فرهنگ ضدانقلاب، معنایی مترادف با "تروریسم" داشته باشد و

مجاهدین جان برکفی که سلاح بر دوش بدفاع مشروع و عادلانه از شرف و آرمان خلقشان برخاسته‌اند، "تروریست" خوانده شوند و کارشان "خودخواهی"، "خود محوری" و به کشتن دادن جوانان تلقی گردد. و گاه آنچنان عنان از کف می‌دهند که فداکاریهای مجاهدین جان بر کف را "پشتوانه‌ی شهرت سیاسی در خارج از کشور" نامگذاری می‌کنند. برای شناخت بهتر کسانی که دم از "پل پتیسیم" و "تروریسم" می‌زنند، ولی در حقیقت خود تروریست‌های واقعی هستند، کافیتست که تنها صحنه‌ی خونین تپه‌های سرخ اوین را در صبحگاه ۳۰ فروردین ۵۵ به یاد آوریم. صحنه‌ای که ۹ زندانی مجاهد و فدائی در آتش رگبار قهر ضدانقلابی همین حضرات سوختند

#### ۴- ضدیت کین توزانه بارهبری سازمان وهتک حرمت ارزشها وسمبل‌های انقلابی

ضدانقلاب مغلوب در مسابقه با وارث "غالب" خود، (خمینی دجال) در این زمینه نیز از هیچگونه رذالتی فروگذار نمی‌کند و بیشترین ضدیت‌های دیوانه‌وار خود را با رهبری سازمان و مشخصا با برادر گوناگون ابراز میکند. از آنجا که برق درخشش مقاومت مجاهدین حتی چشمان کور ضدانقلاب را نیز خیره کرده است و هرگونه توهینی به این مقاومت دوران ساز و حماسی

و تابلوئی بدیع و شگفت‌انگیز از مقاومت و پایداری و عشق به خلق آفریدند. جا دارد که برای شناساندن چهره‌ی کریه‌تروریست‌های واقعی به چند سطر از دفاعیه‌ی شهید بنیان‌گذار "سعید محسن" نیز اشاره کنیم: "اگر سیستم شاهنشاهی شما به ما وصله‌ی شرارت می‌چسباند خود نماینده‌ی شرارت اوست و دلیل شرارت آن تجاوز به مال و ناموس ملت است. این وظیفه‌ی ماست که در مقابل مامورین مسلح شما که مدافعان اشرارند، مسلحانه مقاومت نمائیم. چنین حقی، مورد قبول اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر است... پس آقایان ما توطئه‌چی و اشرار نیستیم، بلکه این سیستم پادشاهی و عناصر این سیستم هستند که توطئه‌ی گشت و گشتار ملت را کرده‌اند و هم اوست که شرارت می‌کند." ذیلا به نمونه‌هایی در رابطه با دشمنی ضدانقلاب با مقاومت انقلابی و مشروع مسلحانه توجه کنید:

با دافعه‌ی شدیدی مواجه می‌گردد، آن‌ها مزورانه سعی دارند که توده‌های سازمانی را از رهبری آن جدا کرده و با هتک حرمت نسبت به برادر مجاهد مسعود رجوی، هم رهبری را بگویند و هم راه را برای کوبیدن و سر بریدن توده‌های سازمانی باز کنند. در این رابطه کافیتست که حتی به صورت کتبی هم که شده، نگاهی به نشریات، اعلامیه‌ها، جزوات و رادیوهای ضدانقلاب بیاندازیم، تا به میزان کین‌توزی ضدانقلابی آنان با شخص برادر مجاهد مسعود رجوی پی ببریم. برآستی چه کسی و چرا این همه آماج رگبار زهرآگین تبلیغاتی توأم با حقد و کینه‌ی ضدانقلاب است؟

### ایران آزاد

شماره ۸۰  
شنبه ۱۸ مهرماه ۱۳۶۰  
(۲۵۲۰ شماره‌ی)

#### "مجاهدین" یادست پروردگان "کا.گ.ب.؟"

مجاهدین خلق، به طور غیر مستقیم و از راه ارتباط با سازمانهای مارکسیست-تروریستی خارجی از جمله "بریکارد سرخ" ایتالیا، باندتبا درما پنهوف آلمان و "ارتش سرخ" ژاپن نیز به دستگاههای جاسوسی شوروی وابسته‌اند

### نهضت

#### پیام دکتر شاپور بختیار

به ملت ایران

... ما نسا بدشما را همانند گروهی تروریست و خودخواه به دیار نیستی بفرستیم و این عمل را پشتوانه شهرت سیاسی خود در خارج از مرزهای کشور بسازیم. خون هریرانی برای ما مقدس است ولی آنروز که آزادی و استقلال ایران احباب کند و مویجات فراهم شود- آنروز بجاست که از هریرانی خواسته شود که از جان خود بگذرد.

اینها را خوب است دارو دسته مجاهدین و رهبر متخصصان آقای مسعود رجوی بخوانند و با و رکنند و با ایران برگردند و از تخصصان (تروریسم) استفاده کرده با هم سرشاخ شوند تا شاید خدا بخواند و مردم مظلوم و محنت زده ایران کمک و فرجی نماید و این هر دو دسته وقیح شر یکدیگر را بکنند و بگردد که زندگی حالادیکر روی خوش خود را بمردم ایران نشان دهد.



کنش  
۱۱ مهرماه ۱۳۶۰  
سال سوم

### ایران و جهان

شماره ۹۳  
۲۳ خرداد ۱۳۶۱

#### مصاحبه دکتر امینی

مجاهدین با جنگهای خباها نشان در چند ماه گذشته بیش از هزار جوان را که امید آینده این مملکت بوده‌اند از دست داده‌اند و مردم همه پشتیبانی آنها برخاستند، بنا بر این لابد ساله‌ای وجود دارد که این پشتیبانی صورت نگرفت و باعث عدم موفقیت برنامه‌های این جوانان شد که میبایست هنوز تجربه‌اندوزی کنند...



کنش  
۱۷ مهرماه ۱۳۶۱  
سال سوم - شماره ۱۱۲

سازمان مجاهدین خلق (که دکتریس یک جنگ مسلحانه را بر علیه رژیم غاصب آخوندی انتخاب کرده‌است) هیچوجه نماینده ملت ایران نیست، بل که سازمانی است که تاراج از نهادهای دموکراتیک و خالی از منطقی گمارد رهبری خود، سخاوه‌دکسه جامعه ۲۶ میلیونی را بزور اسلحه بدسال بکشد، همان کاری که "پال پوت" در کا مروج کرد و سه چهارم جمعیت آن کشور را بدلیل فاقد بودن مشروعیت قانونی حکومت خود عدم پذیرا بودن ملت، گشتار کرد و با مصلح خود حکومت دموکراتیک را برای ملت کا مروج به ارمغان آورد...

### اطلاعات

۵ مهر/۶۰



تروریسم کور



# هویت و عملکرد سیاسی ضد انقلاب

## ایران و جهان یکشنبه

دوشنبه ۱۳ آذر ۱۳۶۲  
کشف حجاب برادرانه  
بسیار ربا مزه ترمی شود، وقتی که به مناسبت روز جهانی زن پیغام می فرستد و با فروتنی و آبتار اما مکتوبه، همسر به لقا... الله

پهلوسته خود را "سمیل درخش زن روزمنده و مقام ایران در تمام جهان" می خوانند. وقتی بهیام برادر مسعود را خواندم، بهی غنیا ر جلوی آینه قدی رفتم و دستها سر تا پای خود را نگاه کردم. خدا تا هدایت هر چه سعی کردم دیدم که مروه مظلومه آتروف رجوی، سمیل من یکی نیست. البته این از کمپاسا دنی گمینه است که نه "روزمنده" ام و نه "مقام". یعنی نه چا رفد خط اما می موم است و نه از مسلسل و تیرا سدازی به مروه و برپا کردن تیر مرد می غوتم می آید. تازه، خود هم بیاید بلد نیستیم با مسلسل تیرا سدازی کتم، معموما با مسلسل روسی.

## علل شکست مجاهدین

رجوی هرگز چهره محبوبی نبود

دستجات مخالف را حذف خواهند کرد و در آن واسطه با صلاح انقلابی خود می بینیم و تمبیر و تفسیرها و آیات و احکام او را حدیثی را اکتفا ذودان توسط میجویند که با عقاید ما رکیستی آنها ملازمه داشته و حکومت بلا منسازع و دیگر توری آنها را تسخیر و تضمین کنی مییست درت همین کاری که خمینی و دارودسته روزه خوانها دارند میکنند.

استراتژی ملی و حساب شده و موثر فدای خود خواهیهای خود کرده است بلکه گنصاه کبیره خونهای ریخته شده هزاران ایرانی بی گناه نیز چه در زمان شاه و چه در جریان با صلاح انقلاب و بعد از آن برگردن او است. غن از متون نوشته ها و گفتار با صلاح متفکرین و نشوریسین های مجاهدین مرا حقا پیدا است که آنها هم در صورت رسیدن به حکومت و قدرت با برادراندا ختنن حیا م خوئی دیگر همه افراد

۱- رجوی از نظر هر ایرانی وطن پرست و آگاه فقط یک تروریستی است که با دعای مبارزه با حکومت فردی شاه، در اردوگاههای بیگانگانی که دشمن ملی و وطن ما هستند تعلیم و پرورش یافته و تحت حمایت و کمک ایادی همسان بیگانگان اقدام به مبارزه مسلحانه با حکومت کرده و در این راه نه تنها عده ای از جوانان ساده لوح و زور بازو ولی شجاع و میهن پرست و عاشق آزادی را بنا حق و بدون داشتن برنام...

## ور شکستگان

یکشنبه ۶ شهریور ۱۳۶۲

### به تقصیر

... زوال آرمایی محاهدین دست ارجان شته داخل که دیگر خا میسند با خون خود سفیر یا ریس بشبان آبرو خسته را رنگ و رونق بدهند. از فروکش کردن ترورها و مخالفت های بی سروای سلاهای محتبه که نشان میدهند خطر "زد سوم" را اصلاحات نمی آورند، نحوسی مشود است

برای نشستن بر تخت شاهی، به نام خدایک اردت چارچیان راست و دروغ اسلامی، معلوم نیست که کفایت و به دل کدام ستاره پناه برده است، به دست خدادان حسی تحول دادند، اشتهای ابطهار را خوش آمدست که این مغز توپان جرقه ای سراز خدخال حرکت سیاسی به امید زما سدازی "جمهوری دمکراتیک اسلامی" بالمره ناکام شوند و دست از پادرا زتر با زما رزه مسلحانه معنی یعنی تروریسم را از سر گیرند

ساری از خود می پرسند که آیا اسلام خمینی که هیچ بدعتی را در اسلام نمی پذیرد از نظر تران صحیح تر است یا اسلام راستین که وحدت پایی خدایان مارکسیست را در روزنامه های خوب اعلان می کنند و از جامعه بدون طبقه نوحدی خدالوای اسلام راستین نرسند و ن توضیحی قابل فهم و تانع کننده دالم حرف سزد؟ آچه براس ناظرین امر نشود اسانکه مذهب که در گذشته پناه و امید برای مردم خسته و رنجیده بود امروز به هست والای مدنیان اسلام اصیل قرن هفتم و اعلام راستین زیر بنای روبرو نشانی زهر طلاهیست بر جان کوفته و آزرده شان.

## نهضت

ارگان مرکزی نهضت مقوم ملی ایران  
با همکاری شورای بوینگان

### ملت ایران آزموده رانمی آرماید

آفرین بر هر سزرا در محاهد رجوی که اراده کرده است تا سنگ را به حرف آورد این کار هر سزرا می خواهد که بحمد الله والتمس ایشان واحدین هنر هستند... اما چه تمیخواها از نام عقب ساند، خاصه اما مجای که توانسته است "مارکس" را با تمحیح و حواشی و تعلیقات آتاپ لوزجه با خاد و نفاص الحبار از طرفی و با مصدق مشروطه خواه و لاشیک از طرف دیگر ربط و آشتی دهد و آنهم پس از دادن هزاران قذبه و قربانی

## اعدام

۱۸ آذر ماه - ۱۳۶۲  
و منی که جوچه مارکسیست بنام مسعود رجوی  
انتها کرد با با شرار در شهران ملاقات و کس بگیرد.

## نهضت

۱۶ بهمن ۱۳۶۲



خمینی زاده ای هنوز به فکر انقلاب تازه

## حضرت آیت الله مسعود خمینی

درباره حضرت آیت الله رجوی "فرزند خلف امام خمینی" شماره آینده ما شما و مردم ایران به سخن خواهیم نوشت.

## پست ایران POST IRAN

شماره ۱۱۱ شماره ۱۱ بهمن ۱۳۶۱  
شما به خوشنقتهای غیر منظم رژیم با سخن دادید و نتیجه اش ۲۰ هزار اعدا می شد. کسی که به اخلاق معتقد نشاند، بهیج چیز با بسند نیست.



نگاهی به نوشته ها، مقالات، کاریکاتورها و لجن پراکنی های ضد انقلاب (غالب و مغلوب) بیان داریم تا بخوبی دریابیم که در این مسابقه و قاحت، چگونه تشابه های ماهوی بارز میشود و حتی در بسیاری موارد تشخیص اینکه، این لجن پراکنی ها از مغز علیل کدام یک از دود ضد انقلاب (غالب یا مغلوب) ساطع و صادر شد است، بواقع مشکل و حتی غیر ممکن می باشد.



چریک با زنشسته در پاریس تمرین تیراندازی میکند  
آیا در زمینهی ضدیت با سمیل های مقاومت و انقلاب خلق، تفاوتی هم بین ضد انقلاب غالب و مغلوب وجود دارد؟

## پست ایران POST IRAN

حضرت آیت الله العظمی  
امام مسعود رجوی  
اخبار این نظر سیرد که در کنار حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، هر سزرا لبقدر انقلاب، زعمیر گرامت اسلام، فاشا عظم و امده مستغفان جهان، هر سزرا لبقدر دیگری در حال تولد است که حق باید او را حضرت آیت الله العظمی امام مسعود رجوی لفق داد.

## ایران آزاد

... در این میان هر یک از این معدنی های محترم یک گونه جدید مسود را چسبیده بودند، می فروختند و ادعا می کردند که دیگران دروغ می گویند و تنها خودشان پیرو راه صدقند! مسعود رجوی (که با توجه به دبکتا تورمازی ها و اعمال تروریستی و وابستگی به اجنسی به حق با سدا و روارت راستین جبهه خاشن ملی دانست) ادعا کرد که "شورای ملی مقاومت" تنها ادا مدهنده راه صدق است و استخوان برستان با بسند این شورا سپیوندند

## ایران و جهان

اشفند ۱۳۶۲  
از دوشنبه ۸ آذر ۱۳۶۲  
سل چهارم بهمن ۱۳۶۲  
آقای "پیر برسی" و اشا بسند نشنا سید. ایشان و رئیس انجمن حقوق بشر سو سیالیت فرانسسه است. همان کسی که در میمان ایران نیان به آقای مسعود رجوی علاقه مخصوصی دارد و مدام با به "اور- سورواز" مبرود تا با نخست وزیر جمهوری دمکراتیک اسلامی تاکنون تا گام عکس بگیرد یا این وارث خون شهدا و فرما نشده اول مقاومت را به جلطات سوسالیستها و کمونیستها دعوت میکند که لاسد لامذهبان ماده پرست، آداب نماز خوانی و طهارت به سیک پیشرو را از ایشان بیاموزند.

## ایران آزاد

شنبه ۲۹ بهمن ماه  
اما امروز، مادوشن را سراغ داریم که به راستی نه تنها شایسته لقب "قصاب تهران" که برارنده عنوان "قصاب ایران" است... روح الله خمینی خون آشام سیری نا پذیر و مسعود رجوی چا نیالطفره که اکنون سان کوزه های آدمخوار بسا اشتعام بوی خون با یکدیگر نیز به جدال و نبرد برخاسته اند. بر شمردن جنایات خمینی نه لازم است و نه در این مختصر می گنجد. اما مسعود رجوی که سالهای دراز است حرف "قصابی وطن پرستان را با حطقت سمت شوگری اجنسی - از صدام حسین و معاصر فدایی گرفته تا شوروی، سو سیالیت کمونیست های فرانسوی - برگزیده، با نرودترین قصابی است که تا تاریخ معاصر ایران پیدا دارد.

# هویت و عملکرد سیاسی ضد انقلاب

بیشتری، در سکوت و خفیان هر چه شدیدتر راه باز شود و دیگر کسی هوس انقلابی بودن و انقلابی ماندن را نکند!

البته بدون شک این افتخار سازمان مجاهدین خلق ایران و موجب سرافرازی و عزت و شرف مقاومت مسلحانه است که "ضد انقلاب"، این چنین "مسئول اول و فرماندهی عالی سیاسی نظامی" سازمان را بر کرسی اتهام بنشانند.

اینجاست که "امام رجوی" خواندن مسئول اول سازمان، معنای ویژه خود را پیدا می‌کند، ولو اینکه این حرف را کسانی میگویند که بظاهر با دار و دسته ضدانقلاب مغلوب همخوانی نداشته باشند. اما بهر حال آنچه که واقعیت دارد اینست که "رجوی"، "خمینی" خطاب می‌گردد تا برای شکنجه و اعدام شدن مجاهدین و مبارزین باز هم

## ۵- ضدیت لجام گسیخته با ایدئولوژی "اسلام"

هر کس که نیم نگاهی به نشریات رنگارنگ ضدانقلاب ببیند، بلافاصله متوجه هیستری بیمارگونه و ضدیت لجام گسیخته آن‌ها نسبت به "مذهب" و فرهنگ مذهبی می‌گردد. ضدانقلاب مغلوب با سوءاستفاده‌های شیادانه از عملکردهای ارتجاعی خمینی و اعوان و انصارش، مفری یافته تا حقد و کینه عمیق و ضدانقلابی خود را نسبت به فرهنگ انقلابی و ایدئولوژی رهائیبخش اسلام و مجاهدین بروز دهد. از این رو با دست گذاشتن روی عملکرد-

های ارتجاع و با قاطی کردن باصطلاح "اسلام" خمینی با اسلام رهائیبخش محمدی و یکی جلوه دادن مذهب اختناق و دیکتاتوری و جنگ خمینی با اسلام آزادی و استقلال و صلح مجاهدین، سعی دارد، از آب گل‌آلودی که خمینی خائن بوجود آورده، ماهی بگیرد و تمام کینه‌های را که از انقلاب و مجاهدین دارد بر سر "اسلام" خالی کند. فی‌المثل یکی از مواردی که به بهانه‌ی آن مذهب مجاهدین بکرات مورد حمله ضدانقلاب واقع شده، مسئله‌ی زنان است. بطوری که هر هفته و هر روز بدون استثنا شاهد هستیم که در کلیه نشریات ضدانقلاب مغلوب چه اشک تمساحی برای

ظلم و ستمی که بر زنان در "جمهوری اسلامی" و "قرآن" و احادیث و گفتار و کردار سردمداران جنایتکار رژیم، رفته و می‌رود، ریخته می‌شود. بی‌شک ظلمی را که خمینی خائن و اسلاف تاریخی او منجمله شاه خائن در حق زنان روا داشته‌اند، واضح‌تر از آن است که نیازی به بیان مجدد داشته باشد. اما جا دارد از کسانی که اینقدر برای آزادی و تساوی و احقاق حقوق از دست‌رفته‌ی زنان، سینه‌چاک می‌دهند، پرسیده شود که فی‌الواقع چه کسی برای دفاع از حقوق حقه‌ی زنان این مرز و بوم صالح‌تر از شیرزنانی است که سلاح بر دوش پاپیای کوهمردان، در میدان‌های رزم و تیرباران و

## علل شکست مجاهدین

رجوی هرگز چهره محبوبی نبود



۸- رشادت و از خود گذشتگی و ایثارمندی جوانان پرشور و میهن پرست را که بنا می‌شد پیوسته با حکومت ظلم و جور خمینی در نبرد هستند بهیچوجه نباید به حساب حقانیت فرقه مجاهدین و یا معتبر و مصاب بودن عقاید آنها و یا لایح محبوبیت و تاثیر و نفوذ رجوی و امثال او گذاشت.

که با وجود بروز شائبه‌ها دلیریهای ازناحیه تعدادی از جوانان منتسب باین فرقه در جدال و نبرد با جلادان خمینی، مجاهدین نتوانستند بین توده‌های وسیع مردم بخصوص طبقه متوسط و معتدل جامعه ما جای پای برای خود درست کنند و از حمایت هیچ قشر و طبقه‌ای برخوردار نشوند و نتیجه این شد که بدون کمک طبقات مردم و عدم اعتماد عمومی و مبارزه آنها با ثنی نرسید و تمام رهبران و سرکردگان فرقه و خانه‌های تیمی آنها کشف و معدوم شدند و جایگزین جوانانی که حساب آنها از حساب رجویها جداست هدر رفت و فقط جان عزیز خود را با طرس و رهبری و عدم ثباتی و بقرائتی سوء نیت بعضی از رهبران خودمفلت از دست دادند.

و ایمان تعدادی جوان ساده لوح و بی تجربه و لسی وطنخواه و عاشق آزادی به رجوی و فرقه او از مقوله ایمان و اعتمادی است که عده‌ای از همین جوانان و کارگزاران و زحمتمندان ایرانی سالیان دراز به حزب توده دست نشانده و آلت دست شوروی داشتند و همین جهت است



این سازمان زمانی پایه میدان مبارزه علیه خمینی گذارد که دیگر در قدرت شریک نبود. نتیجه اعمال رهبران این سازمان جز گشته شدن عده‌ای از جوانان مملکت نمره‌ای نداشته نخواهد داشت.



## نسل جوان ما، در میان افکار ویرانگرانه!

علی زرخش معاون مسعود رجوی که جان نشین موسی خیابانی است به جوانان و نوجوانان ایران پیام داد. پیام اینکه رجوی در پارسی بی‌لشماست

این آقا که خود عضوی از یک گروه تروریستی بود که خمینی را بعنوان یک کالای دوست داستنی به جامعه ایران عرضه کرد اینک با آغاز سال تحصیلی از جوانان این سازمان میخواهد که سلاح بدست گیرند به جنگ دژ خیمه‌ساز خمینی بروند. در زندانها شکنجه شوند. در مقابل جوخه‌های اعدام سوراخ سوراخ شوند که آقای مسعود رجوی آرام و بی خیال و بدون دغدغه خاطر و فارغ البال در پارسی و در کنار رود سن بنشینند و به کشتار نوجوانان و جوانان ما بسنده کنند

## نهضت

این بحث را هم به بدر مگوئل کنیم که رهبری مجاهدین با پذیرفتن منطبق ترو نه تنها زندگی هزارها جوان را که امید سلطنت بودند بر باد داد. هزاران جوان دیگر را نیز به تدریج به آرزوی حرفه‌ای مدل می‌کند.

بسیارند کسانی که با ایمان و جسارت به ضد مجاهدین پیوستند که با حکومت ترویست خمینی مبارزه کنند و چون به پرسش‌هایی که گفتم پاسخ نیافتند، از آنان جدا شدند.

## نقش مجاهدین در مبارزه

به خون آلوده نکنید. بیش از این جوانان بی گناه را به کشتن ندهید. و هرگاه خواستید که با زهم از جمهوری اسلامی دموکراتیکان بگوئید، هر وقت خواستید از سازمان دموکراتیک و از حقوق خلق‌ها بگوئید بیاد بیاورید که ارسر تا پسا به خون آلوده آید.

بیاد بیاورید که گناه شما اگر ارگناه خمینی بزرگتر و بیشتر نباشد که چقدر و کمتر نیست. از صحنه بیرون بروید و قدری خجالت بکشید.



اینها با زیرگرائی هستند که عمری برای پیشرو بودن، مارکسیست بودند و طرفدار سازمانترالیسم دموکراتیک و برای اینکه خلقی جلوه کنند و حامی مستضعفان، پسوند اسلامی راه به فمایل خود چسباندند و معجون مارکسیست اسلامی را پدید آوردند. زهری و قاحت!

بس کنید. با زیرگری هم حد و حدودی دارد. بس کنید. دست از تانک‌های غلط اندر غلط و دروغ‌های انقلابی بردارید و صحنه را پیش از این

## نهضت

ارگن مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران  
ماهنامه‌ی شورای نویسندگان  
پنجشنبه ۶ اسفند ماه ۱۳۶۰

لوژی برای اس مراکز به نشانه دانه ایست که برای تکار طلوع کسوترا می باشد و ایست کسوترا جوانان معمولی هستند که تصور می کنند با یاد گرفتن چند کلمه : پروتاریا ، انقلابی ، مبارزه طبقاتی ، دبا - لکننگ نکات ملی و نئین جهان آنگمان که در سخنرانی های رفیق معاهد مسعود رجوی آمده است!

## نهضت

ارگن مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران  
ماهنامه‌ی شورای نویسندگان  
پنجشنبه ۶ اسفند ماه ۱۳۶۰

شناختی را که شما دانشمندان بهر ده جوانان پاک و بی آلابی که مجدوب قهرمانی های شما شده بودند نغورده و گروه گروه جلوی جوخه اعدام رفتند ولی ایگاش غلط تشکیل حزب راهت: ل کرده بودید ولی اینکار از شما و رهبران مجاهدین بعد بود زیرا شما به علت شرایط خاص اجتماعی فقط " سرباز گبری " را بلد بودید و بس نه آگاه کردن توده‌ها را از راه تشکیل اجتماعات دموکراتیک - -

یک مجاهد با بستن خمپاره به خود و چسبیدن به آیت الله مدوقی به همراه او و تکه پاره می‌شود. یک مجاهد دیگر - مسعود رجوی - در پارسی ازدواج میکند.

ایران و جهان

ایران و جهان

# هویت و عملکرد سیاسی ضد انقلاب

براستی "دژخیمانی" که این چنین توصیف شده اند چه کسانی هستند؟ فکر می کنید کسانی هستند که از چشم های مردم مناره ساخته اند؟ کسانی هستند که زبان آزادیخواهان را از پس کله اشان بیرون کشیده اند؟ بازجویان و شکنجه گران شاه و خمینی هستند؟ خیر اینها راهبران و پیشوایان ایدئولوژیک مجاهدین هستند که شهید سعید محسن در بیدادگاههای ضد خلقی مزدوران شاه خائن در وصفشان چنین گفته است: "شخصیت علی، در تاریخ بشری نادر است، ولی فکر علی و سیستم علی، یعنی قیام بر علیه ظلم و امحاء آن و ایجاد وحدت و برادری برای بشر امروز، نه تنها بیگانه نیست، بلکه نهایت آمال و آرزوی اوست. جهان امروز در اقصی نقاطش تحقق افکار بلند علی را نوید می دهد. . . . در زیر به نمونه هایی از بیشمرمی های ضد انقلاب مغلوب در این زمینه توجه کنید:

سلول های زندان ها و تخت های شکنجه و تعزیر از شرف و حقوق خلق دفاع کرده و شگفت انگیزترین حماسه و مقاومت تاریخ میهنمان را چه در حکومت شاه خائن و چه در حکومت خمینی جلاد، رقم زدند. زنان قهرمان و والامقامی همچون اشرف ربیعی، فاطمه امینی، معصومه کبیری و . . . که یا در زیر شکنجه های شاه و خمینی و یا در میدانهای رزم با سرود آزادی بر لب، جان باختند. براستی چه کسی بهتر از شهید مقدس "گوهر" ادب آواز "حق دارد که از ظلمی که "دستغیب" های مرتجع بر "گوهر" ها و ملت او کرده است، سخن بگوید؟ جالب اینجاست که مدعیان کاذب آزادی زن نه تنها حقی برای گوهر و گوهرها قائل نیستند، بلکه از خرعبلات ارتجاعی دستغیب "بل" گرفته و با خشم و کینه ای بی حد و مرز، تمام اعتقادات و باورهای ایدئولوژیک "گوهر" ها را به زیر علامت سوال می کشند. "گوهر" های آگاهی که با شعله های عشق به "رهائی"، جانیانی مانند دستغیب را به آتش کشیدند و خاکستر آن را به باد تاریخ سپردند. هیچ جای شگفتی نیست که ضد انقلاب، هم با حرف های دستغیب، "مجالس" آنچنانی "بیاراید" و هم از این حرف ها بر علیه ایدئولوژی "گوهر" ها تبلیغ سیقل دهد.

براستی باز هم باید سوال کرد که کدام ایدئولوژی و کدام سازمانی تاکنون عملا در راستای برابری اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی زنان گام های بلندی برداشته است؟

اما همچنانکه در ابتدا اشاره کردیم، ضدیت بیمارگونه "ضد انقلاب مغلوب" با مذهب و فرهنگ و ایدئولوژی مجاهدین، تنها در مسئله زن خلاصه نمی شود. بلکه، فراتر از آن، این دشمنی و عناد در کلیه برداشته ها و مواضع آنها و در ابعاد گوناگون فرهنگی و ایدئولوژیک خود را نشان می دهد. به نمونهی زیر توجه کنید:

## قیام ایران

جلد ۲۰ - شماره ۱۱  
۱۱ بهمن ۱۳۶۲  
شماره ۷۵

## عذاب زنها

همکار ما، بیژن، حدیث مربوط به لیلۃ المعراج را، سخوی که در کتاب "معراج" تالیف آیت الله شهید محراب، سید عبدالحسین دستغیب شیرازی روایت شده - به نقل از کتاب "توضیح المسائل" آقای شجاع الدین شفا - در حد توانایی منور کرده است. . . .



شماره ۱۱۳  
ششمین شماره چهارم می ماه ۱۳۶۲ تاریخ  
چهارمهم زاموسه ۱۹۸۲

این که بخواهم دکان دین را پروروش و شوران را داغ بکندارم - فکر باطلی است. اسلام تاریخ ساختن و اصلاح ساختن است و اینها برای مردم با فرهنگ ما مسوع نیست.

چهار سال کوشش شبانه روزی در شان دادن چهره کریمه - اسلام - مجموعه راهبران و راهبران و آدمکنان و مستأویان بنا موسی که آخوندها آنها را بسام بنام میخوانند و اما مزاده به ملت ایران قائل کرده اند. آنهم در بدترین شرایط بحرانی ترین و نامطلوب ترین وضع ممکن. فقط از کسانی برمی آید که با همه وجود، شیعت و واله ایران، این کشور اهورایی می باشند و به "رسالت" طبرخود و عظمت آن به حوس و قنود دارند و از انجام آن نهر بازمی رند. نه کوتاهی می - کند و نه راهم ای به خود راه می دهند.

فرا موش نکنیم که امروز دیگر او از کونی - همیس و آخوند - مطرح نیست، بلکه در هم گوسیدن دین و مذهب سعاک می طرح است که ملت و کثرتی را با تحقیر و هت و هت و هت، چهارده قرن است به اسارت گرفته و بسده و برده خود کرده و اهریمنشانی بنام آخوند را بر جان و مال و ناموس و شرف مردمی با آسمه افتخارات تاریخی و فرهنگی، سلط و نال - ساخته است.

## نخچه ایران

۱۲۲ خرداد ماه ۱۳۶۱

و حدود و تعزیرات از جمله احکام اساسی خواهند بود. مجاهدین خلق اگر قاصد و دیده و حسود و تعزیرات را انکار کنند، احکام آنکار قرآن و شریعت را انکار کرده اند. پس در حکومت احتمالی "اسلام راستین" اینان هم انسانها را خلاق خواهند زد.

ما ملیون آزادیخواه و آزاد اندیش را در امر مبارزات سیاسی با "اسلام راستین" و "اسلام خمینی" کاری نیست. ما "دجال" نمی بینیم که پس از او منتظر "ظهوری" باشیم. ما به "جامعه ملواتی" و "جامعه بی طبقه" توحیدی همانگونه نگاه میکنیم که به دیگر تعلیمات شرع انور در تالیفات به شمار عالمان دین.



ششمین شماره چهارم می ماه ۱۳۶۲ تاریخ

اردکترس، آله

## رمان عشقی

قرآن که بنا بر قول آخوند های غار بگرو آ دمکش مسلمان کلام الله تا میده شده ولی عده بشمارای آنرا سندنک ۱۴۰۰ ساله سرت میمانند. با مطالبت بین با افتاده و بسا رنگراری خسته کننده مندرج در آن با زبان نازبان ارزش یک رمان معمولی را شیرندارد.

## ایران و جهان

شماره ۱۳۶۲  
ششمین شماره چهارم می ماه ۱۳۶۲ تاریخ

چهار رنوع از این اعلامیه های وارداتی یک نوع مارکیت - لندینیستی است که با آیات قرآن و حملاتی از نهج البلاغه روکنی شده است.

آیات مخصوصی از قرآن را به سبک اسما علیه و ملاحظه و قریظی ها تاویل میکنند.

ادیان را قیام محرومین بر علیه مستکبرین میخوانند - اثبیباه را برکشیده آرمیان محرومین می. دانند و جعل خسوفیت در بیغ نمیکند. دین در حقیقت برای آنها وسیله است نه هدف.

این چهار اعلامیه عبارتست از اعلام از تو متولدند و انقلابی دکتر شریعتی بنیانگزار اصلی اسلام التقاتلی - ایلام بقول خودشان چپ اندر چپ مجاهدین خلق

شماره ۱۳۶۲  
ششمین شماره چهارم می ماه ۱۳۶۲ تاریخ

هیچ ایرانی آگاهی نمی خواهد دیگر رکنده رژیم خمینی جایش را به رژیم فدا برانی دیگری بدهد. برای ایرانیان تفاوتی ندارد که در کشتارگاه ایدئولوژی اسلام سنتی خمینی قربانی شوند یا ایدئولوژی اسلام مارکستی راستین. . . .

امروز این هر دو گروه آبی با این نتیجه بنا بر سنده است که آخوند ها برای هر یک از آنها و ایران دشمن بدتری بوده اند و جهان بینی های فراگیرنده (توتالیتیر) ما رگمیتها و اعلامیه های راستین برای هر یک از آنها و ایران دشمن بدتری خواهند بود. از آنچه به خطا در وجود یکدیگر می دیدند و می بینند؟

گیریم که از "گرگ کشنده دهان جمهوری اسلامی" نیم جان می در برند چه سود اگر به گرداب جمهوری دمکراتیک اسلامی یا هر جمهوری دمکراتیک دیگری در غلتند

## فیهضت

شماره ۱۳۶۲  
ششمین شماره چهارم می ماه ۱۳۶۲ تاریخ

## هشیار باشیم تا تاریخ تکرار نشود

. . . ترس آستکه اگر نیروهای ملی مردمی وقت نکنند فایده ترکما بجای نشتها برآیند و هشتادک تریست است - فرزندان غلغ محمدا همداری وطن و ریاست طلب و طمع با رد بگرتکرار شود. بیدار و هشار باشیم!

## ۶- دشمنی با سیاستهای مردمی و انقلابی شورای ملی مقاومت

نخست وزیر عراق بودیم و دیدیم که چگونه بلندگوهای تبلیغاتی "بی وطنان" به کار افتاد و آنچنان فریاد "واطنا"یشان بلند شد که گوئی مجاهدین قرارداد "امینی - پیچ" را بسته اند! گذشته از حقد و حسدهای حقیرانهی آنان، مسئلهی مهم این بود و هست که بدنبال پیروی خط اصولی صلح طلبانهی شورای ملی مقاومت و پیروزی های چشمگیر و روزافزون جنبش

الف - ضدیت با اقدامات صلح طلبانهی شورای ملی مقاومت و همراهی عملی با جنگ افروزی های خمینی. یکی از مسائلی که در سیاست و تبلیغات روزمره ضد انقلاب نقش ویژه ای دارد، مسئلهی جنگ خانمانسوز خمینی با عراق و اقدامات

صلح طلبانهی شورای ملی مقاومت است که مجاهدین و شورای ملی مقاومت در این رابطه انجام داده اند. همگان شاهد "خشم بلا درنگ" اما قابل پیش بینی و کاملاً قابل فهم "ضد انقلاب مغلوب" پس از ملاقات برادر مجاهد مسعود رجوی با نایب



شماره ۱۴

## در سوگ دژخیمانی

در سوگ دژخیمانی ای چون حسین چنان شیون و زاری میکنند و پهره نگ میدارند که گوش نمیدانند علی پدر حسین با صبر بیست کرده در ویرانی ایران بدست تانزان او را بند داد و خود نیز شخصاً هزاران نفر از پهلوان حیض (خوارج) و نیز دشمنان را سلاخوار گرون زد یا شکم درید.

# هویت و عملکرد سیاسی ضد انقلاب

صلح خواهی مردم، یکباره با موجی از مخالفت‌ها روبرو شدیم. اما چیزی که در این میان تعجب‌انگیزتر بود، ملی‌گرا و وطن‌پرست! شدن همان مزدوران و محافظی بود که از قضا به هنگام حمله و ورود قوای عراقی به خاک ایران از آن به طرق مختلف استقبال کرده بودند. لیکن اکنون یکباره همراهِ با بلندگو و نشریات استعماری، وطن‌نا داشته و بر باد داده‌ی خود را از مجاهدین طمس‌کاری می‌کردند...

(از پیام برادر مجاهد مسعود رجوی به مناسبت دومین سالگرد ۳۰ خرداد).

در واقع علت اصلی خشم عنان کسبختی ضدانقلاب نسبت به ملاقات برادر مجاهد مسعود رجوی با نایب نخست‌وزیر عراق را باید در این نکته جستجو کرد که رشد آلترناتیو دموکراتیک شورای ملی مقاومت، مفهومی جز برهم خوردن خواب و خیال‌های ضدانقلاب و نیروهای وابسته و وطن‌فروش ندارد. بنابراین بسیار روشن و طبیعی است که ضدانقلاب مغلوب چشم دیدن پیروزی‌های جنبش رو به گسترش صلح را نداشته باشد و به طریق اولی با نمایندگان و پیشتانان انقلاب و خلق که عملاً برای استقرار یک صلح عادلانه و تامین کلیه منافع ملی و مردمی میهنمان، گام برمی‌دارند به ضدیت برخیزد و آن‌ها را از باران طعنه و ناسزای خود در امان نگذارد. از آنجا که درباره‌ی ضرورت گسترش اقدامات صلح‌طلبانه و مخالفت عملی با جنگ‌طلبی‌های خمینی خائن به اندازه‌ی کافی در مقالات و نوشته‌های گذشته "مجاهد" توضیح داده‌ایم، از تکرار مجدد آنها خودداری کرده و با قسمتی از پیام برادر مجاهد مسعود رجوی به مناسبت دومین سالگرد ۳۰ خرداد، این بحث را نیز خاتمه می‌دهیم:

"در هر حال، مجموعه‌ی تحقیقات موثق و مستند درباره‌ی این موضوع، بخصوص عکس - العمل‌های تعجب‌انگیز، حافل و افرادی که فوقاً گفتیم، در نهایت ما را به این قطع و یقین رساند که تخطئه کردن آگاهانه و حساب‌شده‌ی مجاهدین بر سر این موضوع، یک خط شخصی استعماری و امپریالیستی از جانب همان مراکز است که پایان جنگ میان ایران و عراق و استقرار صلح عادلانه را خوش

نمی‌دارند و منافع آنها در این خلاصه می‌شود که از یک سو جنگ و همچنین حکومت خمینی، هنوز ادامه پیدا کند و از سوی دیگر شورا و علی‌الخصوص مجاهدین و بویژه خود من، به مناسبت امضای

عراقی بیش از پیش مورد حمله واقع شویم".  
برای رؤیت عینی این "خط مشخص استعماری و امپریالیستی"، بد نیست بدون هیچگونه توضیحی به مقایسه‌ی نحوه‌ی انعکاس اقدامات صلح‌طلبانه‌ی مجاهدین در برخی از مطبوعات و رسانه‌های ضدانقلاب غالب و مغلوب توجه کنید:

**اطلاعات**

(رفسنجانی):  
... اینهایی که خلقی هستند با صدام دست‌دوستی می‌دهند در صورتی که هر روز دارد این خلق اسلامی را می‌کوبد. اینها دیگر برایشان نمی‌دارند و منافع آنها در این خلاصه می‌شود که از یک سو جنگ و همچنین حکومت خمینی، هنوز ادامه پیدا کند و از سوی دیگر شورا و علی‌الخصوص مجاهدین و بویژه خود من، به مناسبت امضای

**اطلاعات**

(خمینی): سقوط صدام تاحدی است که حتی با منافقین فراری که خود، از او مفلوکت‌تر و شکست‌خورده‌تر هستند، دست اخوت میدهد و منافقین نیز که برای ترمیم تنگنوی بی‌آبروی خود بهر حنشی‌مشیت متشبث میشوند و تنها برای اینکه رادیو بغداد اسی از این مدعیان نجات خلق ببرند کمال وقاحت با صدام جانی که با خمپاره‌ها و موشک‌ها هزاران زن و مرد و کودک و بزرگ و کوچک این مرزوبوم را شهید کرده است و هر روز شهرهای این خلق بی‌گناه را با تانک‌های دوربرد بر سرشان خراب میکند، دست اخوت و برادری میدهد و رسماً برای انسان جاسوسی میکنند

**اطلاعات**

(خمینی): ... می‌نشنید اونجا بگوئید ما کشورمان دارد از بین میرود. شما دارید تبلیغ می‌کنید با تبلیغ شما می‌خواهد کشور را از بین ببرد والا مهد و پیمان بستن با نمی‌دانم صدام کشور ما را حفظ میکند و ادار کردن نمی‌دانم دولت‌های خارج را به اینکه به اینجا چه بکنند کشور را حفظ میکند خوب یک فکر آدم بشوید توجه بکنید به مسائل

**اطلاعات**

(خمینی): امروز صدام دوره افتاده است و از هر کس تقاضا میکند که یک اصلاحی پیش بیاید، حتی از گروه‌های منحرف و اشخاص منحرف، بازمان آنها را می‌گیرد که آنها پیشنهاد اصلاح بکنند.

**اطلاعات**

(خمینی): ما امید است دختران و پسرانی که گول منحران برین و بی وطن را خورده و زندگانی خود را تباه نموده و می‌نمایند، از اعمال خلاف انسانی و ملی و اسلامی گروه‌ها صبر گرفته و بخود آیند و توجه کنند که سران برده‌های این گروه‌ها در خارج ایران خصوصاً فرانسه مجهز کنند صدام هتلی به سلاح‌های مغرب که در قتل و جرح و تعریب ایران و طبقه مظلوم، بلاد عرب نشین و غیر آن بکار برده میشود، زندگانی مرفهی تشکیل دانه و مقد اخوت با حزب کافر یعنی مویزیند و از قهرت‌های ضد اسلام و ایران طرفداری می‌نمایند.

کمی فکر کنید که آیا از کسانی که منازل خلق بی‌نوا و مظلوم را بر سر زن و بچه بی‌ناهاشان خراب میکنند میشود طرفداری کرد؟ آیا از کسانی که دست صدامی را که ایران را به آتش و خون کشیده است، می‌نشانند، میشود پشتیبانی کرد؟ انسان در حیرت است از انحطاط انسانی - اسلامی و ملی کسانیکه برای رسیدن به مقامی موهوم آنچه‌ها اما های خود، در طرفداری از خلق و دارا بودن مغز متفکر و در روشن - بینی و روشنفکری و استقلال خواهی و آزادی‌طلبی و امثال آن یکبار زیر پانهاه و بتوهم آنکه حزب است، ایران را مغلوب و تحت سلطه خود در می‌آورد و جان و ناموس ایرانیان را از بین میرود، به طمع موهوم پرنهانه دشمن ایران بتوانی رسیدن به آن پیوسته و پناهنده شود

**کیمیا**

(رفسنجانی): می‌بینیم اینها رفتند در خدمت صدام، چیزی عجیبی است یعنی یک مقدار رفتند پیش یک مرحله‌ای تمام شد رفتند با طارق عزیز ملاقات کردند. واقعی است اینها ادعا نیست من بتوانم تبلیغات بکنم یعنی تصمیم گرفتند یک دست

## ایران نیست

شماره ۱۸  
شماره ۲۹ بهمن ۱۳۶۲



مسعود رجوی

در ادامه همکاری‌های سیاسی سازمان چریکی مجاهدین خلق با دولت عراق رور سه‌شنبه در بغداد اعلام شد که

## همکاری مجاهدین با دولت عراق

ظاری غریب‌وزیر خارجه عراق با ارسال نامه‌ای برای مسعود رجوی به وی اطلاع داده که عراق از ساعت سه بعد از ظهر رور سه‌شنبه بوقت بغداد آتشباری علیه شهرهای ایران را بطوریکه ساعت و سمدت سک هفته قطع می‌کند ولی اگر حملات ایران ادامه یابد سماران ها و ضربات موشکی تحدد خواهند.

احیرا تا پنج‌شنبه بود که سازمان مجاهدین خلق علاوه بر همکاری‌های سیاسی با عراق اطلاعات نظامی نیز در اختیار آن کشور قرار می‌دهد.

در همینجا بی‌مناسبت نمیدانیم که به منبع خبری نشریه‌ی فوق‌الذکر اشاره شود، توجه کنید:  
رادیو اسرائیل ۶۲/۱۱/۲۵:

"در ادامه‌ی همکاری‌های سیاسی سازمان چریکی مجاهدین خلق با دولت عراق، امروز در بغداد اعلام شد که آقای طارق عزیز وزیر خارجه‌ی عراق با ارسال نامه‌ای برای آقای مسعود رجوی به وی اطلاع داده که عراق از ساعت سه بعد از ظهر امروز بوقت بغداد آتشباری علیه شهرهای ایران را بطور یکجانبه و بمدت یک هفته قطع میکند، ولی اگر حملات ایران ادامه یابد بمبارانها و ضربات موشکی تجدید خواهد شد. اخیرا شایع شده بود که سازمان مجاهدین خلق علاوه بر همکاری‌های سیاسی با عراق، اطلاعات نظامی نیز در اختیار آن کشور قرار میدهد."

## نجم ایران

شماره ۲۷ بهمن ماه ۱۳۶۲ تا ۱۶ آذر ماه ۱۳۶۲

## از جهان وطنی التقاطی تا نقش ستون پنجم عراق

رجوی همین جا قافیه راباخته است که با امضای یک قرارداد؛ بدتر از ترکمن جای عقید همکاری هزاران جوان آلمان - خواه ولی بی تجربه رابا دولت عراق می‌بندد، یعنی جوانانی که مثل بره‌های گمشده موسی در پشت دیوارهای خانه‌های مخفی یا در زندانها بسر می‌برند؟

آنانکه از راه کربلا میخواهند بنده قدس بیرونند و آنان که از راه مسکو و بغداد قصد سفر به تهران را دارند.

## نجم ایران

۱۳۶۲ تا ۱۳۶۱ - شماره ۹ آذر ماه ۱۳۶۲

## آنانکه باد می‌کارند طوفان درو میکنند

در باره موافقتنامه رهش شورای مقاومت ملی با نماینده حکومت عراق

مجاهدین خلق مگردرجنگ ایران و عراق جنگیده‌اند که امروز درباره صلح به طارق عزیز از شما می‌پرسند؟ است آقای رجوی را در بین است قرار داده است.

# هویت و عملکرد سیاسی ضد انقلاب

سال دوم - شماره ۹۸ - شنبه ۲۹ بهمن ماه ۱۳۴۲  
VOL 2 - NO. 98 - FEB. 18, 1984



## صدام، بخاطر «رجوی» آتش بس داد!!

شبه ۶ اسفندماه ۲۵۴۲ شاهنشاهی  
(۱۳۴۲ شمسی)

### ایران آزاد

سازمان مجاهدین خلق در هفته گذشته، همچنان هیچ فرصتی را برای تهاوش و طغیان سوسیالیست و سوسیالیست خرد با همه نیروها و دستگیرانی - اردو دولت متجاوز عراق گرفته است. کمیونیسیمین اللیل - اردت نهاد نیست، رادیکالیسم را اعلام کرده که دولت عراق درخواست مسعود رجوی ارتقا ریح ۱۴ فوریه بمدت یک هفته بمباران شهرهای ایرانی را متوقف خواهد ساخت.

### نیهضت

دست زدن مجاهدین به اعمالی مانند ستن فرار دادهای جداگانه ملج با عراق برای اینکه خود را در صحنه بین المللی مطرح کند. به رسمیت شناختن عملی عداوتی که مستلزم و استفاده از زنت ولگد علیه مخالفین خود، تا اینکه سقوط تسلیم و فخر فکری و سیاسی مجاهدین است.

## گزارش

صدام میان همچنان به آقای رجوی محبت دارند.  
ما حرف خود را پس میگیریم.



دولت بغداد فایز کرد که اقدام عراق در زمینه اعلام آتش بس یک جانبه به درخواست آقای مسعود رجوی رهبر گروه مجاهدین خلق صورت گرفت.

الحق که آقای رجوی با مهارتی واقعا بی نظیر؟؟؟ به ما ثابت کرده است که از دیده صدامیان نهان افتاده و همچنان مقام والای خود را بعنوان پاپ (آلت دست) رژیم بغداد حفظ کرده است. بایسته است اقرار کنیم که اشتباه از آن ما بوده. بایسته تا باید کنیم که سر دسته تروریستها واقعا جز همکاری با دشمنان ملی ایران راه دیگری نمی شناسد.

### ایران آزاد

۲ فرانک  
شماره ۱۲۲  
شنبه ۲۵ بهمن ماه ۲۵۴۱  
(۱۳۴۱ شمسی)

روزی از نوبه ۱۹۸۳، لحظه حقیقت در مسعود ۱- زمان ما راکیت - تروریست و وطن فروش مجاهدین خلق ایران "فرا رسید". مسعود رجوی رهبر و فرمانده ننگ آفرین مجاهدین، که بخش بزرگی از مسئولیت شکست "سی پروشی" مسفوریست سازمانش، و همچنین گناه گذشته شدن عده جوان فریب خورده ایرانی به دست آدمکشان خمینی را بر عهده دارد، با ملاکات چهار ساعته خود با "طارق عزیز" معاون نخست وزیر عراق، مهربانانه برانجام وطن - فروری مجاهدین خلق زده و لگه ننگی برداشتن همه مخالفان خمینی نهاد - الله اگر بتواند سازمان حزب الهی های انشعابی را به راهش درزیره "مخالفان" خمینی به حساب آورد.

شماره هفتم - سی و نهم  
۶/۶ سپهر ۶۱

### چشمه

درباره علامه طاروق عزیز - رجوی  
وضع آینده شورای ملی مقاومت چگونه است؟

هنگامیکه متن خبر تالیف نگیز نفاهم نامعقول طاروق عزیز معاون نخست وزیر عراق و مسعود رجوی بعنوان مسئول شورای ملی مقاومت به جبهه رسید و برای اخذ تصمیم مورد شورنویسندگان

### چشمه

در باره روابط مجاهدین با عراق

## همه آن کند کش نیاید بکار



سال دوم شماره ۹۸  
شماره سی و نهم  
۶/۶ سپهر ۶۱

آبارسراط با دولت متجاوز عراق سمیر خمینی را نیز نمی کند.  
بلاخره در روز سه شنبه مجاهدین به نشر اعلامیه مشترک صدام و رجوی میادرت کردند و بر این روابط صحه گذاشتند.  
انتشار این اعلامیه ملیون ایران را در برابر یک تکلیف اساسی و میهنی قرار داده است.

باید دید مردم ایران در مخالفت با خمینی تا آنجا پیش میروند که با "صدام" کنار بیایند و یا چون گذشته بخاطر مقاومت در برابر "صدام" تسلط خمینی را تسهیل میکنند.  
ملیون ایران ارتباط با دشمن ایران از ناحیه هر گروه و هر کسی را شدیداً محکوم میکنند و از نظر ملت ایران این تفاهات را فاقد پشتوانه ملی اعلام میدارند.  
"نویسندگان جبهه"

شماره ۵۴  
۲۳/۳/۶۲

### چشمه

## صلح وردی بدون سوراخ دعا

طرح صلح آقای مسعود رجوی مورد تائید صدام قرار گرفته است.

بپندار ما اکنون که آقایان مجاهدین و دیگر مدعیان نجات ایران یکی پس از دیگری در جاهای که صدام بنفع خود در جهت تشبیت خمینی فراهم کرده است سرنگون شده اند بهتر است که حداقل چند صبا حی آرام بگیرند و سکوت کنند و بیعقلای موم که در دام صدام نیلساده و بیپای بندی به مصالح ملی شهره هستند و به همین علت از اعتماد عمومی مردم داخل کشور برخوردار میباشند امکان بدهند که بیرون از غوغای وابستگیها و افسون و نیرنگ دوطرف (صدام و خمینی) طرحی نو در اندازند که هم بتوا ندرسیله پایان جنگ باشد و هم منافع ملت مستعبده ایران را در پایی سازش با عراق تریبانی نگردانند.

### ب- ضدیت با طرح خود مختاری کردستان

مردم میهنمان آشکارتر و علنی تر نمود. و از آن تاریخ تاکنون این طرح همواره یکی از محورهای اساسی ضدیت با شورا و مجاهدین بوده است.  
در زیر به چند نمونه توجه کنید:

تصویب "طرح خود مختاری کردستان ایران" توسط شورای ملی مقاومت یکی دیگر از ضربات گیج کننده ای بود که فریاد "بی وطنان" تازه به یاد وطن افتاده را در آورد و ضدیت عمیق آنها را با برسمیت شناختن حقوق حقه ای مردم کرد و کلیه ی

شماره ۱۷۱  
شنبه ۲۸ آبان ماه ۲۵۴۲ شاهنشاهی  
(۱۳۴۲ شمسی)

## ایران آزاد

سال پنجم

۱- اعلام این طرح استعماری برای تجزیه کردستان، داغ سبک دیگری است بر پیشانی همه کسانی که ملت ایران حتی سرگردن زیر سلطه جمهوری اسلامی خمینی را به احتمال سیرده شدن سر نوشتش بدست این وطن فروشان صابکار ترسیم داده است.  
ایران آزاد - بدینوسیله اعلام میکند همه کسانی که در تدوین و مطرح ساختن این طرح استعماری کوچکترین سهمی داشته اند، باید بعضی استغفار یک حکومت ملی در ایران به جرم تلاش در تجزیه کشور و اردوگاههای مخالفه محاکمه و به انتقام مجازات محکوم گردند

مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت" اختراعی آنان که البته تاکنون نشانه ای از محورش در بیرون از خانه احوی مسعود رجوی بدست نیامده. هفته گذشته بار دیگر چشمه ای از عباها و وطن فروشیهای پایان ما پذیرمود راه شناختن و با اعلام طرحی به نام "طرح خود مختاری کردستان ایران" رهبری نهضت تجزیه کردستان ایران و تبدیل این سخن اراجا که میسر ما راه یکی از افسار خوری به نام مسعود نت گرفت. گروه مجاهدین خلق و دیگر کمیونتهای هندستان اکنون دیگر به در کردستان و در هیچ جای دیگر ایران با بگانه و محرف قابل توجهی ندارند



شماره ۱۰۸ - پنجشنبه ۲۷ بهمن ماه ۱۳۴۲

ع- با اعتقاد به یکپارچگی کشور که عامل اساسی نیرومندی و بقا ایران زمین است تحریکات تجزیه طلبانه عوامل بیگانه را که تحت نام خود مختاری عنوان میشود، شدیداً محکوم می نمائیم.

شماره ۱۳۴۲۵۵۸  
۵۶ شماره ۵۶

### نیهضت

## خود مختاری موهبتی است بجاهدی!

بلاخره بنزاع پنهانی چند ساله حزب دموکرات کردستان و مجاهدین خلق در مسعود خود مختاری خاتمه داده شد. برادران، کاکها، همراه با فکل کراواتیها در جلسه ای طرح خود مختاری را با توافق آرا تصویب نمودند

کاک، با برادر و برادر فرمانده کبیر آفتاب مسعود شعار میدهد که تهیه این طرح دلیل دیگری است بر اینکه تنها شورا قادر با پنگار است و به همین دلیل تنها اوست که لیاقت جانشینی رژیم خمینی را دارد، جانشینی رژیم خمینی واقعا "برازنده شاست و اسلام راستینتان، زیرا هر دو سرونه یک کرباسید ولی بقول آن شاعر در بیدر "نمش این شهید عزیز" را که "روی دست ما" تبعاً مانده است و وطن ما نام دارد بخود ایرانیاں بسیارید و او را از قبول این موهبت مجاهدی که خود مختاری است معاف دارید.

## پاسخ به نامه های رسیده

بقیه از صفحه ی آخر

بودنشان برای چاپ آنها یک تا دو صفحه از نشریه را باید اختصاص دهیم و طبعاً در صورت چاپ چنین اشعاری، حائی برای چاپ سایر اشعار باقی نمی ماند. البته اگر شعری دارای کیفیت بالایی باشد، از اختصاص دادن حتی بیش از دو صفحه هم برای چاپ آن دریغ نمی کنیم، همچنانکه تاکنون نیز چنین کاری را کرده ایم. اما ما با موارد بسیار زیادی برخورد می کنیم که شعر علاوه بر طولانی بودن، کیفیت لازم را نیز ندارد.

یکی دیگر از نقایص شعرهای رسیده، تکراری بودن مضمون آنهاست. ما در این قبیل موارد نیز سعی می کنیم شعری را انتخاب کنیم که مضمون تازه تری داشته باشد. خواهران و برادران عزیز که برای ما شعر می فرستند، باید به این نکته توجه کافی بنمایند؛ چرا که لازمی ارتقاء شعرهایشان، به رعایت این نکته نیز بستگی دارد.

برخی دیگر از شعرهای رسیده دارای کیفیت تکنیکی لازم نیستند، لذا خواهران و برادران ما - بخصوص آنها که بیتازگی به سرودن شعر روی آورده اند - باید به این مسئله توجه اکید داشته باشند و شعرهایی را برای ما بفرستند که در سرودن آنها حداقل ضوابط و قواعد تکنیکی رعایت شده باشد. توصیه ی ما به این قبیل خواهران و برادران اینست که پس از سرودن هر شعر، برای جلوگیری از تأثیرات آبی عاطفی، در فرصت دیگری، آنرا مجدداً مرور کنند و در صورتی که آنرا مناسب تشخیص دادند، برای ما ارسال نمایند.

این نکته را هم متذکر شویم که مطالعه ی مستمر اشعار خوب و با کیفیت، از جمله شیوه های است که می تواند ما را به مسائل گوناگون تکنیکی شعر آشنا ساخته و در ارتقاء کارهایمان ما را کمک کند. خواهران و برادرانی که ذیلاً اسامی آنها را ذکر می کنیم اشعاری را که فرستاده اند، بدست ما رسیده است:

\* خواهر سپیده (شعر سردار موسی)  
\* انگلستان - خواهر "سیم"

(شعر و طرح)

\* هندوستان - خواهر یا برادر "آراز"

\* آمریکا - برادر "آرش"

\* ایتالیا - برادر "ب.ب"

\* آمریکا - خواهر "اشرف"

\* فرانسه - برادر "م-شاهین"

\* آلمان - برادر "م.ش"

\* آمریکا - خواهر "فرشته-گ"

\* برلین - برادر "ح-شریف"

\* ترکیه - خواهر یا برادر "سیف"

\* آلمان - برادر "مجتبی-ش-و"

\* اتریش - برادر "مصطفی-ث"

(شعر و طرح)

\* سوئد - برادر "علیرضا-الف"

\* کراچی - برادر "علی-ف.ق"

\* آلمان - برادر "جواد-ر-و"

\* \* \*

\* تهران - هسته ی مقاومت

مجاهد شهید "وحیده پیرایش (۲)"; گزارش شما رسیده.

دقت شما در گرفتن خطوط داده شده و بکار بردن آنها، شایسته ی توجه و تحسین است.

با شما تماس گرفته خواهد شد.

\* برادر "هادی ۱۱۹/۸";

نامه ی مورخ ۶۲/۲۰/اسفند ۶۲ شما بدستمان رسید. اخباری که

پیرامون تأثیرات اقدامات برادر

مجاهد مسعود رجوی پیرامون

قطع یک هفته ای مباران شهرها،

منجمله اسلام آباد غرب و

کرمانشاه فرستاده بودید،

رسید. منتظر اخبار بعدی شما

هستیم.

\* همدان - هسته ی مقاومت

"میلاد - ۲۶۱"; نامه ی مورخ

۶۲/۱۲/۳ شما بدستمان رسید.

اقدامات لازم را به عمل خواهیم

آورد. نامه های بعدی خود را با

جوهر نامرئی بنویسید.

\* T.O.B - برادر "S.O.A";

نامه ی شما رسید و تا حدی

در جریان کارتان قرار گرفتیم.

نامه ی دومی را که اشاره کرده

بودید، هنوز دریافت نکرده ایم.

گزارشی را که در نامه ی خود به

آن اشاره کرده اید، بنویسید و

برایمان ارسال کنید.

\* آلمان - برادر "ک.خ";

بابت ارسال گزارش یکی از

زندان های مخفی رژیم و نام دو

تن از مزدوران سپاه ضدخلفی،

از شما تشکر می کنیم. سایر

اطلاعات و اخبارتان را برایمان

بنویسید.

\* امارات متحده ی عربی -

برادر "س.ب - مراد"; از

اطلاعاتی که پیرامون مزدوران

و شکنجه گران گجساران نوشته

بودید، استفاده خواهیم کرد.

منتظر گزارش بعدی شما پیرامون شهدائی که اشاره کرده بودید، هستیم.

\* امارات - برادر "سیداصغر-خ";

نامه ی شما رسید. خواهران و

برادرانی که مشکلی شبیه مشکل

شما دارند، کم نیستند. به نظر

ما، چنانچه از طریق برادران

اقدام کنید، احتمال حل

مشکلاتتان زیاد است. ما را در

جریان آخرین وضعیت خود قرار

دهید.

\* آلمان - برادر "اکبر";

از همکاری شما در ارسال نامه ی

"ش.ع" تشکر می کنیم.

\* آلمان - برادر "مجتبی";

از ارسال جزوه ی قدیمی سازمان

برای قسمت آرشو مدارک

سازمانی تشکر می کنیم.

\* شیراز - برادر "مهدی-ط";

نامه ی مورخ ۶۲/۱۲/۲۸ شما

رسید. اخبار اجتماعی و بی برد

خود را بدون استفاده از

جوهر نامرئی هم می توانید

برایمان بنویسید.

\* آلمان برادر "م.الف.ش";

از برخورد مسئولانه ی شما در

مورد کوشش برای وصل برادران،

تشکر می کنیم. نامه تان را به

مسئولین مربوطه رساندیم.

\* امارات - برادر "محسن-م";

نامه تان به همراه مبلغ ارسالی

رسید. اخبار و اطلاعاتی را که

از میهنمان بدست می آورید،

برایمان بنویسید.

\* کانادا - برادر "علیرضا.

الف"; مشخصات زندان مخفی ای

که فرستاده بودید، بدستمان

رسید. بهتر بود که توضیحات

لازم را هم پیرامون گزارشگر

اولیه می نوشتید. در گزارش

شما ابهاماتی بود که چنانچه

توانستید آنها را پیگیری کرده

و گزارش دقیق تری برایمان

بفرستید. منتظر نامه های بعدی

شما هستیم.

\* فرانسه - برادر "مهدی.خ";

نامه ی شما رسید. در صورت

امکان "منبع" اطلاعاتی را که

در مورد "پ" نوشته بودید و

همچنین درصد وثوق خبر مذکور

را برایمان بنویسید. چنانچه

اطلاعات دیگری در این زمینه

داشتید، بطور مشروح برایمان

بنویسید.

\* ایتالیا - برادر "مجید-م";

نامه ای که دریافت کرده و

برایمان فرستاده بودید، رسید.

از اقدام بجا و همکاری شما

قدردانی می کنیم. منتظر اخبار

و گزارشات شما هستیم.

\* تهران - برادر "علی.الف.ق";

نامه ی مورخ ۶۲/۱۱/۲۴ شما

رسید. منتظر نامه های بعدی

شما هستیم.

\* آمریکا - خواهر "مریم -

ط"; نامه ی شما رسید. خاطراتی

که فرستاده بودید گوشه های از

جنایات روزانه ی مزدوران خمینی است. ضمن رعایت مسائل امنیتی از نامه تان استفاده خواهیم کرد. باز هم ما را در جریان اطلاعات و اخباری که بدست می آورید، بگذارید.

\* اتریش - برادر "مجید-الف";

نامه ی دوستان نیز رسید. گزارش

کامل اطلاعات خود پیرامون

شهادت و اسرای انقلاب و همچنین

اخباری که پیرامون مزدوران

جنایتکار خمینی در زندان ها

دارید را مفصلاً برایمان بنویسید.

منتظر نامه های بعدی شما هستیم.

\* کانادا - برادر "سعید.ع.ن";

اخباری را که فرستاده بودید،

رسید. بهتر است که آنها را

خلاصه نکرده و بطور مفصل و

با جزئیاتی که بدستتان

می رسد، برایمان بفرستید.

همچنین منبع خبر و درصد وثوق

آنرا نیز فراموش نکنید. منتظر

نامه های بعدی شما هستیم.

\* آلمان - برادر "ر-ص";

نامه ی شما رسید. جهت اقدام

مقتضی آنرا به مسئولین مربوطه

رساندیم.

\* سوئد - برادر "ناصر-ن";

نامه ی شما رسید. رابطه تان را با

ما فعال تر کرده و در معرفی

امکانات مالی و نیروهای قطع

شده ای که در میهنمان

می شناسید، درنگ نکنید.

منتظر گزارشات شما پیرامون

شهادت و اسرا و همچنین اخبار

اجتماعی، اقتصادی و سیاسی

میهنمان هستیم.

\* ایتالیا - برادر "ایوب-م";

نامه ی شما رسید. با خواهران و

برادران انجمن دانشجویان

مسلمان ایتالیا تماس گرفته،

مشکل خودتان را مطرح سازید.

ضمناً گزارش کاملی از دوران

اسارت خود نوشته و برایمان

بفرستید.

\* آلمان - برادر "امیر-الف";

نامه تان به همراه کارت شهدائی

که فرستاده بودید، رسید.

متأسفانه مطالب نامه ی شما را

نتوانستیم بخوانیم. در نامه ی

بعدی خود، مطالبتان را دوباره

بنویسید.

\* آلمان - خواهر "منیژه-د";

نامه ی شما که اخبار بسیار جالبی

داشت، رسید. اطلاعات خود را

پیرامون اخباری که می فرستید و

همچنین منابع آنها بنویسید.

اخبار و گزارشات شما کیفیت

قابل ملاحظه ای داشتند که لازم

است تحقیقات بیشتری در مورد

آنها بکنید. منتظر نامه ها و

اخبار بعدی شما هستیم.

چنانچه برایتان مقدور است،

شماره تلفنتان را برایمان

بفرستید.

\* آمریکا - برادر "سیامک-ت";

دو نامه ی شما به همراه نامه ی

برادر "محمد.غ" بدستمان

رسید. از ایشان بخواهید که به همان طریق نامه هایش را بفرستد. متأسفانه از مدارک ترجمه شده ای که فرستاده بودید، سردر نیاوردیم. در نامه ی بعدی خود توضیح دهید که آنها متعلق به چه کسی می باشند و چرا آنها را برای ما ارسال کرده اید؟

\* تهران - "MSH.NS -

۹۱۴ - SH - A"; دومین

نامه ی شما دریافت شد. بانوجه

به موردی که اشاره کرده اید.

اصلی ترین وظیفه ی شما در

مقطع کنونی، "حفظ خود"

است. لذا توجه شما را به

رهنمودهای زیر جلب می کنیم:

۱ - محل استقرار خود را

طوری انتخاب کنید که زیر

اطلاعات مستقیم و غیرمستقیم

هیچ فرد دستگیر شده ای نباشد.

۲ - با توجه به موردی که

اشاره کرده بودید، حساسیت

رژیم نسبت به شما چندین

برابر شده است و در نتیجه

روی اقوام و دوستان و نزدیکان

برای دسترسی به شما، فشار

بیشتری خواهد آورد. بنابراین

کلیدی ارتباطات خود را با آنها

قطع کنید و به هیچ عنوان به

منزل آنها تردد نکنید. توجه

داشته باشید که کوچکترین

ساده اندیشی در این مورد،

منجر به ضربه و دستگیری تان

می گردد.

۳ - ترددهای خود را از محل

استقرارتان به حداقل برسانید.

۴ - اطلاعاتی که در مورد

خودتان نوشته بودید، ناقص

بود. گزارش خود را به هر دو

آدرسی که در دست دارید،

برایمان نوشته و ارسال کنید.

همچنین شماره تلفنی تهیه کنید

و آنرا به ما برسانید تا با

مشکلات امنیتی شما از نزدیک

آشنا شده و بتوانیم رهنمودهای

دقیق تری به شما بدهیم.

۵ - در نوشتن نامه ها و

گزارشات خود از جوهر نامرئی

استفاده کرده و به اصل

عادی سازی توجه کنید.

۶ - کدی که برای خودتان

انتخاب کرده اید بسیار طولانی

است. آنرا مختصر کرده و

تغییرات آنرا به ما اطلاع دهید.

\* انگلستان - برادر "عباس -

ک" نامه ی پرمحبت شما که

از طرف جمعی از دانشجویان

دانشگاه خودتان نوشته بودید،

رسید. چنانچه اخباری در

مورد مسئله ای که به آن اشاره

کرده اید بدست آوردید، برایمان

بفرستید.

\* آمریکا - خواهر "فاطمه -

ح"; نامه ی شما را جهت اقدام

مقتضی برای مسئولین فرستادیم.

منتظر نامه ها و اخبار شما

هستیم.

## گزارش جلسات بحث و گفتگوی شورای ملی مقاومت در آلمان

بقیه از صفحه ۱۰

باضافه هزینه‌های جنگی تامین می‌کند... (و نتیجه) وابستگی هرچه بیشتر رژیم کنونی و اقتصاد کنونی ایران به امپریالیسم است. پس با این رژیم مبارزه می‌کنیم و می‌خواهیم سرنگونش کنیم تا به سوی استقلال اقتصادی پیش برویم. از نقطه نظر سیاسی نیز ما با استبداد دینی (بطور مشخص در قالب ولایت فقیه) مبارزه می‌کنیم و می‌خواهیم آنرا سرنگون بکنیم. من می‌خواهم اضافه بکنم که از نقطه نظر فرهنگی هم بنابراین و به تبع این مبارزات، ما یک مبارزه در پیش داریم و آن مبارزه برای رسیدن به دموکراسی است. برای رسیدن به همزیستی تنوع افکار و عقاید در جامعه است؛ که تا بحال سابقه‌اش را نداشتیم و از این بابت از نظر تجربی خیلی ضعیف هستیم. از حیث نظری هم خیلی قوی نیستیم. بنابراین مبارزه‌ی سهمناکی را در پیش داریم که این مبارزه در برهه‌های مختلف و در طول زمان بسته به اینکه با کدام جنبه‌اش طرف هستیم، انجام خواهد گرفت. بعضی (از جنبه‌هایش) ممکن است در کوتاه مدت به نتیجه برسد و برخی دیگر از جنبه‌های آن، محتاج مبارزات بسیار طولانی است. مثلاً راهی که برای رسیدن به دموکراسی باید پیموده بشود، بنظر من، چندان کوتاه نخواهد بود، علیرغم اینکه تا بحال تلفات و ضایعاتی که در این راه از طرف ملت ایران تحمل شده، بسیار زیاد است. شما در نظر بگیرید مجموع شهدائی که ما در ظرف دوره‌ی بعد از انقلاب تاکنون داشتیم اصلاً قابل مقایسه با هیچیک از ادوار تاریخ ما نیست. این شهدا بیخودی داده نشدند. بنام یک چیزی داده شدند، بنام یک آرمانی شهید شدند. با فریاد یک آرمانی جلوی جوخه‌ی اعدام ایستادند، گلوله‌باران شدند، یا حلق‌آویز شدند؛ این آرمان چیزی جز دموکراسی و آزادی نبود و غیر دموکراسی و آزادی نمی‌تواند باشد، و الا ما در دور باطل استبداد، استبداد دینی، استبداد نظامی، استبداد قرون وسطائی، استبداد مدرن، همین جوری در حال رفت و آمد خواهیم بود؛ باید یک جایی را شکست. طلسم آن جایی شکسته

می‌شود که مبارزه به عرصه‌ی فرهنگی برسد و این فرهنگ در ما بوجود بیاید و رشد بکند که تنوع افکار را بپذیریم و آن را یک امر طبیعی در زندگی اجتماعی خودمان بسازیم. اما برای سرنگونی این رژیم ولایت فقیه که الان بر همه حکومت می‌کند و به ددمشانه‌ترین وجه هم حکومت می‌کند، بطور عمده راهی غیر از مبارزه‌ی مسلحانه وجود ندارد. از این نظر شورای ملی مقاومت و عناصر تشکیل دهنده‌اش از مدتها پیش در حال مبارزه‌ی مسلحانه با رژیم خمینی هستند. حزب دمکرات کردستان ایران همچنان که می‌دانید از روز اول مجبور شد با حکومت خمینی بطور مسلحانه روبرو بشود؛ البته در مقام دفاع از خود مشروع، برای اینکه بلافاصله مورد حمله‌ی مسلحانه‌ی عملی رژیم خمینی قرار گرفت و بعنوان دفاع مشروع از خود دست به اسلحه برد و تاکنون مردانه ایستاده هرچند متحمل خسارات و تلفاتی شده؛ هرچند گاهی وقت‌ها شکست خورده، در نبردهائی گاهی وقت‌ها پیروز شده، ولی مقاومت مسلحانه را همچنان ادامه می‌دهد و همچنان ادامه خواهد داد، از آنچه که از سیاست حزب پیداست. سازمان مجاهدین خلق هم که دیگر گفتنش بی‌جاست، برای اینکه همه‌تان کم و بیش توی حتی ریز جریانهای فداکاریها و مقاومت‌هایشان هستید. دیگر عناصر تشکیل دهنده‌ی شورای ملی مقاومت هم هر کدام به سهم خود در این راه کوشش می‌کنند. ممکن است اهمیت سازمانهای بزرگ سراسری مثل مجاهدین خلق و یا اهمیت حزب دمکرات کردستان را نداشته باشند؛ ولی در حد خودشان و به سهم خودشان، منتهای کوشش را برای این شکل مبارزه‌ی محوری اصلی می‌کنند؛ علاوه بر آنکه اشکال دیگر مبارزه را هم بکار می‌گیرند. پس وظیفه‌ی اول ما و سیاست اول ما، سرنگون کردن هرچه زودتر رژیم خمینی است. طبعاً بدنالشی این می‌آید که شیشه‌ی عمر این رژیم را از کجا باید شکست؟ بنظر من یکی از سیاست‌های دیگر شورا که بطور خاص برجستگی پیدا می‌کند، یعنی دنبال کردن سیاست صلح، از اینجا ناشی می‌شود. مطابق تحلیل ما که گمان نمی‌کنم (یعنی جایی نخواندم) که کسی با این تحلیل مخالف باشد، حیات رژیم خمینی و

ادامه‌ی آن در گرو جنگ است. یعنی در واقع فلسفه‌ی وجودی خمینی - که خمینی نمی‌تواند آنرا نفی بکند؛ مگر اینکه رژیمش را نفی بکند - همان سیاستی است که قبلاً به آن می‌گفت، حالا هم شاید بگوید "صدور انقلاب" و در شکل کنکرت در ادامه‌ی جنگ خودش را نشان می‌دهد. البته ادامه‌ی جنگ حادث‌ترین شکلش است که برای مردم ما فوق‌العاده ملموس است، بدلیل اینکه تعداد تلفات نیروهای ایرانی در این جنگ بی‌حاصل همچنان که می‌دانید دیگر دارد به مرز نیم‌میلیون و این چیزها می‌رسد و مجموع ضایعات انسانی جنگ از یک میلیون دیگر چیزی کمتر ندارد. سرنوشت، این طور خواسته که رژیم خمینی جز از این راه امکان ادامه‌ی حیات نداشته باشد. به همین دلیل ما فکر می‌کنیم، طبق تحلیل‌مان شکستن شیشه‌ی عمر رژیم با وادار کردن رژیم خمینی به قطع جنگ میسر است. این سیاست صلح را ما بطور فعال و پیگیر دنبال می‌کنیم. از هر طریقی که ممکن باشد. طبعاً سیاست صلحی که فقط منافع مردم ایران را تامین نمی‌کند، بلکه بنظر ما منافع مردم عراق را هم تامین می‌کند. چون مردم عراق در این جنگ ندارند و این جنگ مطابق هر حسابی بکنید تمام منافعش بسمت قاچاقچی‌های اسلحه، قدرتهای تولیدکننده‌ی سلاح، فروشندگان سلاح و در نهایت نیروهای امپریالیستی می‌رود؛ آنهایی که اقتصاد در حال بحرانشان را با روشن کردن این جور آتش‌های منطقی‌ای، که بزودی هم ظاهراً نباید خاموش بشود، در حال رونق نکه می‌دارند. این هم یکی از سیاست‌های بسیار مهم شورا است و من خیلی خوشحال خواهم شد اگر از طرف دوستان در این مورد بخصوص بحث شود. از این گذشته بهرحال ما هرچند الان یک جنبش مقاومت هستیم و از حالا تا رسیدن به پیروزی شاید راهی طولانی در پیش داشته باشیم، ولی از هم‌اکنون بایستی که نطفه‌ی آنچه در آینده بعنوان حکومت، شورای ملی مقاومت عرضه خواهد کرد را نشان بدهیم و آن مبحث فصل دموکراسی و آزادی‌های دمکراتیک است که من فقط به یک جنبه‌اش اشاره می‌کنم. بقیه‌ی جنبه‌هایش را آقای روستا

برایتان خواهد گفت و آن مسئله‌ی خودمختاری کردستان است بمناب‌ی بازتابی از مسئله‌ی حق تعیین سرنوشت خلق و دستاورد اساسی جنبش مقاومت مسلحانه. این هم یکی از سیاست‌های مهم شورا است که پیگیری کرده و تعهد سپرده که آنرا عملی هم بکند. بقیه‌ی سیاست‌های شورا را که عرض کردم مربوط می‌شود به زمینه‌ی خیلی وسیع حقوق و آزادی‌های دمکراتیک و اصولاً مقوله‌ی دموکراسی که دوستم آقای روستا برایتان خواهد گفت.

### سخنان

#### آقای کامبیز روستا

دوستان عزیز یکی از مسائل اساسی یک جامعه‌ی استبداد زده مسئله‌ی دموکراسی است. مسئله‌ی دموکراسی در میهن ما با توجه به یک تاریخ دور و نزدیکش به یک مسئله‌ی حیاتی و اساسی بدل شده است؛ چه در زمان جدید سلطنتش چه در تاریخ گذشته‌ی دور و چه حال در رژیم خمینی. در ابتدا بگویم که اگر قبول بکنیم که شورای ملی مقاومت یا این اتحاد سیاسی، علت وجودی خودش را سرنگونی رژیم خمینی می‌داند و اگر قبول کنیم که از نظر زمان، ادامه‌ی حکومت خودش را محدود به این کرده که تنها حامل این بار بزرگ تغییر شرایط سیاسی به نفع مردم باشد و پس از ۶ ماه با زمینه‌سازی یک انتخابات آزاد برای مجلس موسسان، کلیه‌ی وظایف ساختمان آینده‌ی سیاسی و اجتماعی ایران را مستقیماً بدست مردم و نیروهای مختلف سیاسی منتخب مستقیم مردم خواهد سپرد؛ در آن صورت همه‌ی کوشش او قبل از سرنگونی و در آن زمان کوتاه بعد از سرنگونی، فقط می‌تواند از نظر ترکیب شکل و چگونگی قدم‌هایی را که در این جهت برمی‌دارد، اعلام مواضع سیاسی را که در خارج می‌کند و... مسایل بسیار محدود و کوچکی باشد که در آن زمان عمل خواهد کرد. بیش از این امکان نخواهد داشت. بنابراین قدم اول اینست که ببینیم شورای ملی مقاومت در زمینه‌ی دموکراسی سیاسی، در زمینه‌ی آزادی‌های سیاسی یا به عبارتی "دموکراسی صوری" چه می‌خواهد؟ چون یک اتحاد سیاسی برای سرنگونی که فقط ۶ ماه با این شکل ادامه‌ی حکومت خواهد داد، نمی‌تواند ادعای این را داشته باشد که در عرض این ۶ ماه دگرگونی‌های اجتماعی را مستقیماً باعث خواهد شد و حامل مناسبات جدیدی براساس دموکراسی اجتماعی است. بنابراین

بحث شورای ملی مقاومت عمدتاً زمانی که بر سر دموکراسی است، از دموکراسی در حد و حدود صوری یا آزادی‌های سیاسی مثل آزادی قلم، بیان و اجتماعات است. نکته‌ی دیگر، گفتیم که وقتی با یک چنین جنبشی روبرو هستیم یا جنبش مقاومت را یک اتحاد سیاسی به پیش می‌برد، آن اتحاد سیاسی با این محدودیت‌هایی که برای خودش قائل شده در جامعه‌ی استبداد زده، رفتارش در طول جریان مبارزه بسیار مهم و تعیین‌کننده است، برای هدف‌هایی که او و جنبش مقاومت مدعی آن هستند. این رفتار بیش از همه در ادعای آزادی‌خواهی، در بیان سیاسی مصوباتش و در ترکیب سیاسی این اتحاد خودش را نشان می‌دهد؛ یا به عبارت دیگر موقعی که بحث بر سر سرنگونی و تامین دموکراسی سیاسی و تامین آزادی‌های سیاسی است، باید ببینیم که چه کسی، چه کسانی، چه سازمان‌هایی و چه ترکیبی می‌خواهد رژیم استبدادی را سرنگون بکند و چه چیزی را لاقلاً برای مدت کوتاهی جانشین آن بکند. سوی مصوباتش، نکته‌ای که از نکات اساسی مورد بحث و مورد عمل شورای ملی مقاومت است و شکل آن مصداق این مسئله است، مسئله‌ی پلورالیسم سیاسی است. شورای ملی مقاومت بر این باور است و این باور را در شکلش عرضه می‌کند. حال می‌شود سر این بحث کرد که آیا این شکل یک شکل ایده‌آل برای پلورالیسم سیاسی براساس واقعیت نیروهای سیاسی ایران هست یا نه؟ ولی لاقلاً همانطور که یکی از دوستان من گفت، این را می‌توان قبول کرد که یک قدم اولیه در این جهت هست. مضافاً اینکه بیش از یک قدم اولیه است، وقتی که به نیروهای تشکیل دهنده‌ی این شورا رجوع کنیم و وقتی لاقلاً به تاریخ جدید ایران رجوع کنیم که چقدر مسئله‌ی اتحاد و اتحاد نیروها و همکاری نیروهای با نظرات و عقاید و تحلیل‌های مختلف و متفاوت در ایران دچار اشکال بوده است. اینکه شورای ملی مقاومت در شرایط رژیم خمینی توانسته از نیروهای مذهبی مترقی و آزادی‌خواه تا نیروهای چپ و تا پارهای نیروهای میانی را در خودش متحد کند، یکی از قدم‌های مهم است در جهت ایجاد یک پلورالیسم سیاسی در آینده‌ی ایران باشد. اما چرا پلورالیسم؟ بقیه در صفحه‌ی بعد

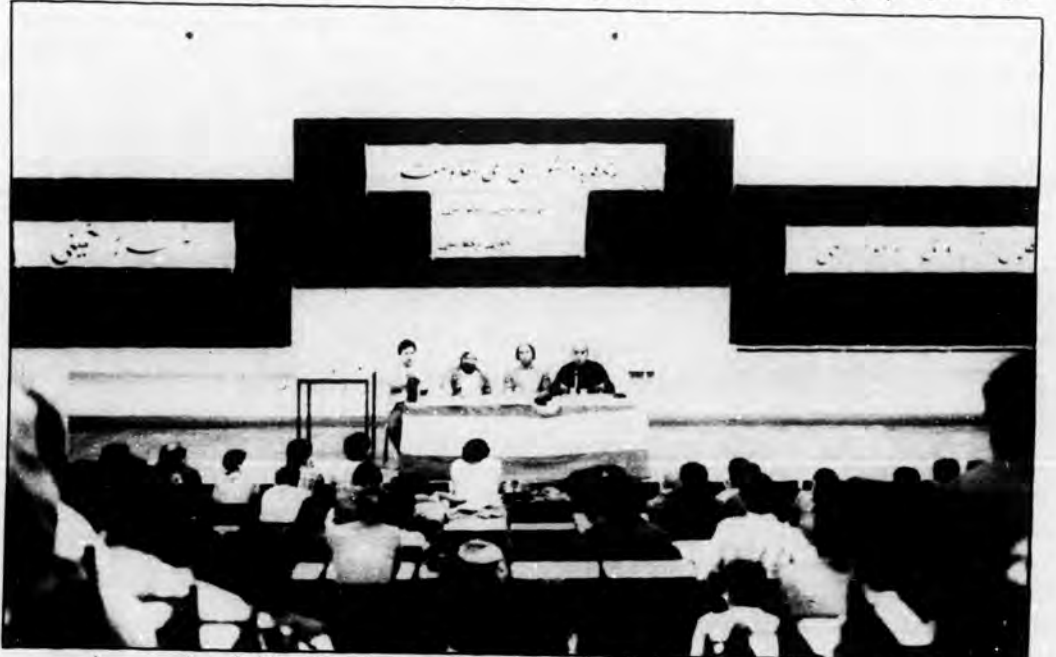
## گزارش جلسات بحث و گفتگوی شورای ملی مقاومت در آلمان

بقیه/صفحه‌ی قبل

و چرا حکومت پلورالیستی؟ اینجا دو نظریه در جنبش مقاومت و در ایوبزیسیون ایران از هم جدا می‌شوند: یک نظریه اینست که در شرایط امروز سیاسی و اجتماعی ایران یک سازمان می‌تواند و باید خلق یا طبقه یا مردم را رهبری کند و این یا آن انقلاب را بشمار برساند. نظر دیگر اینست که در یک اتحاد سیاسی نیروهائی که برداشته‌های متفاوت دارند (که این ترکیب خودش یک تجربه‌ی دمکراتیک است) در یک طیف وسیع نیروهای ایوبزیسیون، دست به سرنگونی رژیم خمینی یعنی انقلاب سیاسی ایران و استقرار دمکراسی در ایران بزنند. به عبارت دیگر آنچه را که ما تحت

تصور یا این وهم نیستیم که حتما در این زمینه موفق خواهیم بود. مسئله بر سر مبارزه در این جهت است با این ترکیب و گرنه اگر قرار بود هر مبارزه‌ای از قدم اول بیروزی‌اش تضمین شود که به آن نام دیگری می‌گذاشتند غیر از "مبارزه". پس دو نکته‌ی اساسی سیاست شورا، "ترکیب شورا" و "یافته‌های مبارزاتی شورا" مسئله‌ی دمکراسی و پلورالیسم سیاسی است. پس از پایان سخنرانی آقای روستا و در قسمت دوم برنامه، شرکت‌کنندگان به طرح سوالات خود پرداختند که از طرف نمایندگان شورا به آنها پاسخ داده شد و پس از نیم ساعت تنفس، مجدداً بحث و سوال و جواب ادامه پیدا کرد. در قسمت پایانی برنامه هریک از سخنرانان به مدت یک ربع مباحث

این جلسه با استقبال هموطنان ایرانی مقیم برلین مواجه شد و حدود ۵۰۰ نفر از آنان در این جلسه شرکت کردند. مسئولیت اداره‌ی این جلسه نیز با آقای بهمن نیرومند از نمایندگان شورای ملی مقاومت در آلمان بود. سخنران اول آقای دکتر منوچهر هزارخانی بود که هنگام طرح بحث "رابطه‌ی دین و دولت" به تعریف لائسیسم پرداخته و برداشته‌های نادرستی را که از آن می‌شود بیان نموده و گفت که منظور از لائسیسم، بی‌دینی نیست، بلکه تفکیک نهاد مذهب از نهاد حکومت است و طرح آن هم بصورت تفکیک سیاست از مذهب نادرست می‌باشد. آقای هزارخانی در سخنانش بطور مبسوط سیاست شورای ملی مقاومت را در مورد برخورد با عقاید و



از راست به چپ، آقایان: دکتر منوچهر هزارخانی، بهمن نیرومند و جلال گنجهای در جلسه‌ی بحث و گفتگوی شورای ملی مقاومت در برلین (آلمان غربی)

عنوان پلورالیسم سیاسی و مصداقش شورای ملی مقاومت می‌فهمیم، اینست که این تشکیلات، این جبهه، این اتحاد میبایست اولاً - زمینه‌ساز دمکراسی در ایران باشد. ثانیاً - خودش یعنی خود این اتحاد یک تجربه‌ی دمکراتیک است. ثالثاً - اگر یک حکومت موقت و پس از آن نیروهائی که این تجربه را کردند - این تجربه‌ی موفق را کردند - طرفدار پلورالیسم باشند، در آینده پلورالیسم سیاسی در ایران ضامن دمکراسی خواهد بود. همین جا هم بگویم ما دچار این

مطرح شده راجع بندی کردند و جلسه در ساعت ۱۲ شب پایان یافت.

### • برلین

همانطور که در بالا هم ذکر شد نمایندگی شورا در آلمان، اقدام به برگزاری جلسه‌ی دیگری هم در شهر برلین نمود که تاریخ تشکیل آن دو روز بعد از جلسه‌ی شورا در شهر فرانکفورت بود. موضوع بحث جلسه‌ی شورا در برلین، "رابطه‌ی دین و دولت" تعیین شده بود و سخنرانان آن آقایان منوچهر هزارخانی و جلال گنجهای بودند.

ایدئولوژی‌های مختلف بیان داشت و مخصوصاً متذکر شد که در ایران مرزبندی بین مذهب و غیرمذهب نیست، بلکه مرز بین انقلاب و ارتجاع می‌باشد. دومین سخنران جلسه، آقای جلال گنجهای هم ضمن توضیح سیاست‌های شورا به ذکر تضاد عمیق بین اسلام انقلابی مجاهدین و اسلام ارتجاعی حاکم پرداخت و کسانی را که مغرضانه، این دورا در یک ردیف قرار می‌دهند، مورد انتقاد قرار داد و گفت در حال حاضر بین این دو نوع اسلام، آتش سلاح و خون حاکم است و نه چیز دیگر. آقای گنجهای در سخنان خود

بقیه/صفحه‌ی ۳۱

## طرح شکایت نقض حقوق کارگران...

بخصوص نتایج زیر را تأیید کند:

۱ - در مورد بازداشت و اخراج ۱۵ کارگر نامبرده شده، کمیته فقط می‌تواند یادآوری کند که دخالت نیروهای امنیتی در صورت توقف کار، باید کاملاً محدود به حفظ نظم عمومی باشد. در ضمن کمیته یادآوری می‌کند که بازداشت‌ها و اخراج‌های دستجمعی کارگران خطر وخیم سوءاستفاده و مخاطرات جدی برای آزادی سندیکائی دارد.

۲ - در مورد بازداشت ۲۹ کارگر که بدنبال اعتصاب صورت گرفته است کمیته ملاحظه می‌کند که دولت بازداشت آنها را انکار نکرده و به ذکر اینکه آنها هنوز به کار خود اشتغال دارند، اکتفا می‌کند. در نتیجه از دولت می‌خواهد که ملاحظات خود را در این زمینه نیز هر چه زودتر ارسال دارد.

۳ - در مورد انحلال ۱۵ سندیکای نامبرده از طریق اداری، از ژوئیه ۱۹۸۲، کمیته ملاحظه می‌کند که دولت (مدعی است) این اقدام را بخاطر عدم احترام به مقررات ملی (در رابطه با برگزاری انتخابات سندیکائی) انجام داده است. با توجه به اینکه هیچگونه مقرراتی در این رابطه در آئین‌نامه‌ی کار وجود ندارد، در نتیجه کمیته توجه دولت را به اصلی که برطبق آن، سازمان‌های کارگری نباید مورد انحلال یا تعلیق از طریق اداری قرار گیرند، جلب می‌کند و از دولت درخواست می‌کند که دستور انحلال را لغو کرده و کمیته را از هر اقدامی که در این رابطه صورت می‌گیرد، مطلع سازد.

گذشته اظهار داشته است که بازداشت‌ها و اخراج‌های جمعی اعتصاب‌کنندگان، خطر وخیم سوءاستفاده و مخاطرات جدی برای آزادی سندیکائی دارد. کمیته همیشه تأکید کرده است که حق اعتصاب یکی از اصلی‌ترین وسائلی است که برای دفاع از منافع اقتصادی و اجتماعی کارگران، در اختیار آنهاست.

کمیته ملاحظه می‌کند که هر چند (بنا به اظهار دولت) ۲۹ کارگر ذکر شده بوسیله‌ی کنفدراسیون شاکلی به کار اشتغال دارند، ولی دولت به این امر که این کارگران بعد از اعتصاب دستگیر شده‌اند، جوابی نمی‌دهد. در نتیجه کمیته از دولت درخواست می‌کند که در این مورد هر چه زودتر ملاحظاتی را ارسال دارد. در مورد انحلال ۱۵ سندیکای نامبرده شده از طریق اداری، کمیته مایل است توجه دولت را به اهمیت اصل آزادی سندیکاهای کارگری که طبق آن سازمان‌های کارگری نباید مورد انحلال یا تعلیق از طریق اداری قرار گیرند، جلب کند. و از دولت درخواست می‌کند که فرمان انحلال را لغو کرده و کمیته را از هر اقدامی که در این رابطه صورت می‌گیرد مطلع سازد.

### توصیه‌های کمیته

در شرایط کنونی، کمیته به شورای اداری توصیه می‌کند که گزارش مقدماتی حاضر را و

همچنین متذکر شد که در مصوبات شورای ملی مقاومت هیچ مذهبی دارای حقوق فوق‌العاده نمی‌باشد. از آنجا که "رابطه‌ی دین و دولت" قبلاً از طرف آقای هزارخانی و آقای گنجهای در جلسه‌ی شورای ملی مقاومت در لندن مورد بحث قرار گرفته و گزارش آن تقریباً بطور کامل در مجاهد شماره‌ی ۱۸۹ درج گردیده بود، برای جلوگیری از تکرار از درج مجدد آن خودداری کردیم.

پس از پایان سخنرانی‌ها در بخش پرسش و پاسخ، سوالاتی از جانب شرکت‌کنندگان مطرح شد که نمایندگان شورا به آنها پاسخ دادند و در پایان جلسه آقای بهمن نیرومند که مسئولیت اداره‌ی جلسه را

به عهده داشت، ضمن انتقاد از برخوردهای ناصحیح برخی افراد شرکت‌کننده در جلسه، گفتند که بخش عمده و اصلی مبارزه‌ای که در جامعه ما بر علیه استبداد خون آشام خمینی صورت می‌گیرد، به رهبری شورای ملی مقاومت است و اگر کسی مسئله‌اش مسئله‌ی انقلاب و دلسوزی برای انقلاب باشد و دردش درد مردمی باشد که در زیر تیغ خمینی قرار دارند، مسلماً می‌تواند و باید بتواند با این شورا رابطه‌ی صحیحی برقرار کند.

پس از سخنان آقای نیرومند این جلسه که ۴ ساعت بطول انجامیده بود، در ساعت ۱۰ شب پایان یافت.

برای تحقق صلح و آزادی همهٔ سلاح‌ها را بجانب رژیم ضد بشری خمینی نشانه رویم!



## گزارشاتی از فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی

### و عملیات هسته‌های مقاومت در هفته تحریم انتخابات ...

بقیه از صفحه ۸

۳۱۰ تراکت که نمونه‌ی آن را نیز خواهید دید، در تاریخ ۱/۱۹ در خیابان جمالزاده و امیرآباد و به همان ترتیب یعنی انداختن به داخل خانه‌ها، پخش نموده است...

"... از زیباشهر به تجریش و انقلاب و توحید که تردد داشتیم با موارد زیر برخورد کردم:

۱ - در خیابان جمالزاده - خیابان نصرت، مقابل شورای محل، شعارهایی مانند "مرگ بر خمینی - درود بر رجوی" چندین جا نوشته شده بود و در کنار آن کلیشه‌ی عکس برادر مجاهد مسعود زده شده بود. شعارها را با چند نوع رنگ پوشانده بودند.

۲ - در خیابان بوستان روی دکل برق نوشته شده بود: "تنها ره رهایی راه مجاهدین است" و یک عکس از برادر مسعود در کنار آن به چشم می‌خورد و دقیقاً مشخص بود که حداکثر، کاریک روز پیش است.

۳ - عکس رفسنجانی، خمینی و خامنه‌ای بر دیوار پادگان خمینی در خیابان فاطمی، بوسیله‌ی لایب یا تخم‌مرغ که جوهر آبی داخل آن کرده بودند، جوهر پاشیده شده و خراب گردیده بود.

۴ - علیرغم اینکه ظاهراً کسی جرات دست زدن به تراکت‌های تبلیغاتی رژیم را ندارد، ولی حداکثر ۱۰ ساعت این تراکت‌ها عمر نمی‌کند؛ چرا که بلافاصله توسط هسته‌های مقاومت و مردم کنده می‌شود. در خیابان‌های انقلاب - نصرت - جمالزاده - اسکندری از تراکت‌های خلخالی که حدوداً ۲۰۰۰ عدد بیشتر بود، از ساعت ۴ بعد از ظهر تا ۹/۴۵ دیگر اثری به دیوارها باقی نمانده بود. تراکت‌ها را ۲۰ عدد ۲۰ عدد به این ترتیب کنار هم می‌چسبانند، ولی هیچ تاثیری بر روی این مسئله ندارد. البته صبح زود یا غروب این برنامه بیشتر است. در طول روز کسی حتی برای خواندن اسم آنها نزدیکشان نمی‌شود. از این نمونه‌ها زیاد به چشم می‌خورد...

\* در تهران هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید بقائی، اطلاعیه‌ی بخش اجتماعی سازمان مجاهدین خلق ایران را تکثیر

نموده و آن را در نقاط مختلف شرق تهران به منازل مردم انداخته است. در پشت این اطلاعیه‌ها نیز شعارهایی مبنی بر تحریم انتخابات نوشته شده است. این هسته نمونه‌ای از این اطلاعیه‌های خود را برای ما ارسال نموده است.

\* مجموعه‌ای از گزارشات فعالیت‌های مربوط به روزهای ۱۳۰۱۲ و ۱۳۰۱۳ فروردین‌ماه هسته‌های مقاومت مجاهد شهید "اعظم ملاحعفری" بدستمان رسید. از جمله فعالیت‌های اعضای این هسته، تهیه‌ی تراکت‌های تحریم انتخابات بر مبنای شعارهای ارائه شده از سوی رادیو "صدای مجاهد" و توزیع آنها در خیابان‌های تهران بوده است. یکی از خواهران عضوین هسته درباره‌ی یک مورد خطای امنیتی خود توضیح داده است که در روز چهارشنبه ۱۵ فروردین - که طبق برنامه‌ی پیش‌بینی شده فقط برای پاره کردن پوسته‌های رژیم اختصاص داده - در اثنای کار متوجه می‌شود تعدادی تراکت مربوط به تحریم انتخابات در کیفش باقی مانده است که طبعاً در صورت برخورد با مزدوران رژیم و بازرسی کیف او، کلیه‌ی محمل‌های عادیسازی این خواهر بهم می‌خورده است. لذا با آگاه شدن از مسئله، بلافاصله از محل دور شده و خود را به پایگاه می‌رساند.

\* هسته‌ی مقاومت ... در مورد فعالیت‌های روز ۲۱ فروردین خود نوشته است که دستگاه چاپ و تکثیر آنها خراب بوده و لذا مجبور شده‌اند تراکت‌های خود را دست‌نویس تهیه کنند. همچنین این هسته ذکر کرده که اگرچه حضور گسترده و فعال مزدوران رژیم تا حدودی باعث دست‌بستگی نیروها شده بود، ولی فعالیت‌های هسته‌ها و منجمله خودشان طبق برنامه پیش می‌رفته است. اعضای این هسته، تراکت‌های خود را در دبیرستان دخترانه‌ی نجس تهران پخش کرده‌اند که وسیعاً مورد استقبال دانش‌آموزان قرار گرفته است. در مرحله‌ی بعد، آنها تراکت‌های خود را در مطب‌های پزشکان و آژانس‌های مسکن، واقع در خیابان دکتر فاطمی، امیرآباد و بلوار پخش کردند. ضمناً در همین مناطق بر روی کیوسک‌های تلفن و دیوارها نیز شعارنویسی داشته‌اند.

\* هسته‌ی مقاومت ... تاکنون گزارشات متعددی را برای ما ارسال کرده است. در یکی از این گزارش‌ها که مربوط به فعالیت روز ۲۲ و ۲۳ فروردین می‌باشد، اعضای هسته که ماشین وانتی را در اختیار داشته‌اند، موفق می‌شوند تعداد زیادی شعار در سراسر خیابان "رجائی"، از بهشت‌زرها تا میدان شوش به دیوارها بنویسند.

## مرگ بر خمینی درود بر رجوی

## توراک ملی مقاومت، انتخابات

## نامشروع مجلس ضد خلقی رژیم

## خمینی را تحریم مینماید

نمونه‌ای از تراکت‌های هسته‌ی مقاومت "ف - ح"

\* از تهران هسته‌ی مقاومت ... طی ارسال گزارش کارهای خود که منجمله پخش تراکت در چهارراه مصدق مقابل پارک دانشجو بوده است، توضیح داده که برخورد و استقبال مردم بقدری مثبت بوده که او از اینکه چرا تراکت‌های بیشتری برای توزیع، همراه خود نیاورده است، متأسف شده است.

\* از کرمانشاه هسته‌ی مقاومت ... ضمن گزارش فعالیت‌های خود نوشته است که در شهر، شایع کرده‌اند که کوپن‌های ارزاق مرحله‌ی دوم را فقط به افرادی می‌دهند که شناسنامه‌شان مهر خورده باشد. در حالیکه هیچوقت این موقع سال کوپن توزیع نمی‌کردند، ولی حالا برای اینکه مردم را مجبور

## به گفته‌ی رجویکا:

# تحریم انتخابات

## مرگ بر خمینی

## درود بر رجوی

## زندگی با آزادی

نمونه‌ای از تراکت‌های

هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید "حمیرا اشراق"

هسته در این روز حداقل ۳۰۰ پوستر مهم انتخاباتی رژیم را در مناطقی از تهران، منجمله در تجریش از بین برده‌اند. مادر... در گزارش خود نوشته: دیگر پاره کردن عکس‌ها و پوسته‌های رژیم، کار همه‌ی مردم شده است و آن را جزو وظایف خود می‌دانند و "هفته‌ی تحریم" کاملاً مردمی شده است.

\* هسته‌ی مقاومت ... بمناسبت "تحریم انتخابات" اطلاعیه‌ی بسیار جالبی تهیه نموده و آن را در ۱۴۰ نسخه در کرج و حومه‌ی آن توزیع نموده است. در ابتدای اطلاعیه چنین آمده است: هموطنان عزیز، مردم آگاه و مبارز ایران؛

صمیمانه‌ترین و مشتاقانه‌ترین تبریکات خواهران و برادران و فرزندان مجاهدتان را بپذیرید. تبریک بخاطر اینکه در سالی که گذشت، خلق قهرمان ایران در مبارزه‌اش بر علیه پلیدترین دشمن خدا و خلق - خمینی جلاد - به پیروزی‌های درخشانی دست یافت و چشم‌انداز روشن و نزدیک قیام عمومی خلق و برپایی جامعه‌ی آباد، آزاد و مستقل را در پیش روی دارد. تبریکات امسال بخصوص از برکات مقاومت، شکنجه و خون دهها هزار عنصر انقلابی مجاهد و مبارزی سرچشمه می‌گیرد که چه شهید و چه اسیر، به عهد خود با خدا و خلقشان وفا نموده‌اند تا پرچم شرف و افتخار یک میهن، یک انقلاب، یک خلق و یک مکتب تا به ابد در اهتزاز بماند. تا ستمکارترین اهریمن تاریخ ایران آرزوی تسلیم این ملت بزرگ بقیه در صفحه‌ی بعد

به رای دادن کنند، اینطوری شایعه راه انداخته‌اند. \* در نامهای که از هسته‌ی مقاومت ... در قم داشتیم، این هسته فعالیت‌های انتخاباتی خود را که عمدتاً پخش تراکت در خیابان امام قم بوده، گزارش کرده است.

این هسته ضمناً اخباری مبنی بر تحرکات مزدوران رژیم در شهر، اختلاف شدید بین آخوندها در قم، ناراضیتی و نفرت زیاد مردم از رژیم را در گزارش خود آورده است.

\* هسته‌ی مقاومت ... در تهران در مورد فعالیت روز ۲۳ فروردین خود نوشته که با اتومبیل، تراکت‌های تحریم انتخابات را در اطراف قطریه و پسیان پخش نموده است.

\* از خواهران فعال هسته‌ی مقاومت ... که در تبریز فعالیت می‌کنند، گزارش فعالیت‌های روز ۲۳ فروردین‌شان بدستمان رسیده است. خواهران در این روز در خیابان‌های قطران، خیام و شهناز، تراکت به دیوارها نصب نموده و خواهر R در خیابان بهار شعارنویسی بر علیه انتخابات قلابی رژیم داشته است. خواهر A در گزارش خود از برخورد و استقبال گرم مردم صحبت کرده است. از جمله در حین نصب تراکت در خیابان خیام چند تن از عابریان ایستاده و با خوشحالی گفته‌اند: "واقعاً که داستان درد نکند."

\* هسته‌ی مادران قهرمان ... که یکی از گزارشات آنها را در مجاهد شماره‌ی ۱۹۸ درج کردیم، گزارش فعالیت‌های روز ۲۳ فروردین خود را نیز برای ما ارسال داشته‌اند. مادران عضو

## اطلاعیه مطبوعاتی

شماره ۲۵

حزب دمکرات

کردستان ایران

حزب دمکرات کردستان ایران، قبلا طی اطلاعیه‌ای به تاریخ ۲۰/اسفند/۶۲ انتخابات فرمایشی رژیم ایران را تحریم کرده بود. متعاقبا در روزهای ۱۴ و ۱۵ آوریل در چهار منطقه کردستان ایران: پیرانشهر، سردشت، سقز و بانه، پیشمرگان حزب در جاده‌های اصلی کمین کرده و دست به یک سری عملیات وسیع پارتیزانی زدند که منجر به کشته شدن ۱۶۶ نفر و زخمی شدن ۷۵ نفر و اسیر گردیدن ۵ تن از قوای دولتی گردید. اجساد ۵۲ تن از کشته‌شدگان رژیم شناسائی شده و دو تن از آنها متعلق به انور احمدی کاندیدای انتخابات بانه و رضا، یکی از فرماندهان سپاه پاسداران همان شهرستان بوده است. در این رشته عملیات علاوه بر آنکه تعدادی کامیون اسلحه‌ی سنگین و سبک دشمن بوسیله‌ی پیشمرگان نابود گردید، ۱۷ قبضه تفنگ و تعدادی فشنگ و گلوله‌ی خمپاره، تعدادی اوراق رای‌گیری و چند صندوق اخذ آراء نیز بدست پیشمرگان افتاد.

به این ترتیب در بخش عظیمی از کردستان، انتخابات عملا برگزار نشده، با شکست مواجه گردید. در این سری عملیات متاسفانه ۲ پیشمرگه‌ی قهرمان حزب شهید و ۶ تن زخمی شدند.

شرح ماجرا در بولتن خبری شماره‌ی ۶۲ قریبا به اطلاع خواهد رسید.

نمایندگی حزب دمکرات کردستان در خارج از کشور  
۸۴/۴/۲۰

هسته خبر دیگری را نقل نموده، مبنی بر اینکه هنگام آوردن دو صندوق رای از روستاهای مسیر میانه، یکی از هسته‌های مقاومت به جیب حامل دو صندوق رای حمله کرده و هر دو صندوق را با خود برده است.

\* \* \*

## گزارشاتی از فعالیت‌های تبلیغی - اجتماعی و عملیات هسته‌های مقاومت در هفته تحریم انتخابات فرمایشی رژیم خمینی در سراسر کشور (۳)

بقیه از صفحه‌ی قبل

خلق ایران و تراکت‌های تحریم انتخابات را در سطح وسیعی، شبانه در خانه‌های مردم انداخته‌اند. گزارشات، حاکی از آنست که تعداد شرکت‌کنندگان در انتخابات قلائبی رژیم در زنجان بگونه‌ای تعجب‌انگیز محدود و کم بوده‌اند. از مجموعی آراء شمرده‌شده‌ی زنجان، ۱۵۶۰ رای به نام‌های گوناگون غیرکандید و غیر سیاسی ریخته شده، ۶۶ رای شعار برعلیه خمینی و دار و دسته‌اش بوده و عمدتا نیز کارت سفید به صندوق‌ها ریخته شده است. در یکی از حوزه‌های زنجان یک روستائی پس از دادن رای متوجه می‌شود شناسنامه‌اش مهر نخورده که داد و بیداد راه می‌اندازد و فریاد می‌زند که برای کوبین آمده رای بدهد، چرا مهر شناسنامه‌ی او فراموش شده است.

در روستاهای اطراف زنجان بخاطر تراکم جمعیت، مزدوران رژیم حساب زیادی برای جمع‌آوری رای باز کرده بودند ولی نتیجه، بسیار منفی بوده و در اغلب روستاها مزدوران رژیم و آخوندهای سرسپرده به خمینی، مردم را با زور و تهدید و ضرب و شتم به پای صندوق می‌کشاندند. فی‌المثل در روستای ۳۰۰ نفری "بولاماجی" تنها ۱۵ رای به صندوق ریخته شده و در روستاهای مسیر این روستا نیز آرای چندانی جمع‌آوری نمی‌شود. در روستای "گل‌جه" به مجرد گذاشتن صندوق رای، زنان روستا دستجمعی به محل رای ریخته و به ماموران رژیم می‌گویند شما جوانان ما را دسته‌دسته در جبهه به کشتن داده‌اید. این رای‌گیری شما باز هم برای به کشتن دادن جوان‌های ماست.

هسته‌ی مجاهد شهید فرج‌الله ارغوانی در گزارش دیگری نوشته است که هنگام آوردن صندوق‌های رای از روستاهای اطراف زنجان، به مامورین حمله شده و یکی از صندوق‌ها مصادره گشته است. همین

زنان و مردان سزاوارش را به گور ببرد. نوروز امسال یعنی نوروز سرخ مقاومت، بسا تبریک‌گفتنی‌تر و بسا بیادماندنی‌تر است. اگر چه بخاطر حضور خمینی، سرد و غمگین و خاموش می‌نماید، ولی سالی که گذشت در مجموع هر چه بود سخن از مقاومت بود و ایمان، سخن از خلق و ایران. پس این نوروز بشارت دهنده‌ی روزهای نوینی است که ایران آزاد، آباد و مستقل در میان تمامی خانواده‌مان و در میان تمامی تاریخ بشر به فرخندگی سر بر خواهد افراشت و تا جاویدان به اراده‌ی شگرف فرزندان مجاهد و مبارزش خواهد بالید...

هموطنان آگاه و آزاده! راهی که خمینی می‌پیماید، راهیست که همه‌ی دیکتاتورهای جنایتکار در آخرین مراحل حکومتشان می‌پیمایند. خمینی رفتنی است، آینده‌ی ندارد، غرق در بحرانهاست. مبارزه‌ی انقلابی مسلحانه‌ی فرزندان مجاهدتان مضافا بر همه‌ی مشکلات اقتصادی و اجتماعی، رژیم را در بن‌بست و تنگنای پایان - ناپذیری فرو برده است؛ بطوری که فقط و فقط بوسیله‌ی بی‌سابقه‌ترین نوع خفقان و شکنجه و اعدام پا برجاست و بدون این شقاوت‌ها حتی یک روز هم نخواهد پائید. بهار پایدار آزادی میهن‌مان بی‌تردید فرا خواهد رسید. در جهان هیچ نیروئی قادر نیست زمستان را طولانی کند. براستی مگر می‌شود بهار را از آمدن باز داشت و خلقی را برای همیشه در زنجیر نگه داشت.

\* گزارشات رسیده از هسته‌های مقاومت زنجان حاوی نکات جدیدی از انتخابات فرمایشی رژیم ضد خلقی می‌باشد. اعضای هسته‌ی مقاومت مجاهد شهید فرج‌الله ارغوانی در پوش عناصر بسیج، اطلاعیه‌ی ستاد بخش اجتماعی سازمان مجاهدین

## اطلاعیه‌های نظامی مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان

شکست مفتضحانه‌ی مزدوران خمینی

در تهاجم به روستای "جوجهی" منطقه "سوما"

واقع در شمال کردستان

و بهلاکت رسیدن فرمانده‌ی مزدور پایگاه "جلگران"

و کشته شدن ۱۴ مزدور پاسدار و بسیجی

وزخمی شدن بیش از ۲۵ تن از مزدوران

مجاهد خلق و نیروهای مقاومت مردمی، در ساعت ۱۱ صبح روستای "جوجهی" از محاصره‌ی مزدوران خارج شده و در این فاصله پیشمرگه‌های دلیر حزب دمکرات موفق به عقب‌نشینی میشوند.

مزدوران خمینی در ساعت ۳ بعد از ظهر با آوردن دو دستگاه نفربر دیگر و دو فروند هلی‌کوپتر، سنگرهای محل استقرار پیشمرگه‌های مجاهد خلق و نیروی مقاومت مردمی را با "راکت" و "کالیبره ۵" می‌کوبند. در این درگیری که از ساعت ۶ صبح تا ساعت ۳ بعد از ظهر ادامه داشت، فرمانده‌ی مزدور پایگاه "جلگران" سروان بهادری همراه ۱۴ مزدور پاسدار و بسیجی بهلاکت رسیده و بیش از ۲۵ مزدور دیگر زخمی میشوند که اجساد آنها به وسیله‌ی ۳ آمولانس به پایگاه "هواسین" منتقل میشود.

بعد از پایان درگیری و شکست فضاحت‌بار مزدوران و عقب‌نشینی کامل آنها، پیشمرگه‌های مجاهد خلق و نیروهای مقاومت مردمی سنگرهای خود را ترک کرده و در میان استقبال پر شور مردم سالم به پایگاه‌های خود بازمی‌گردند. مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان ۶۳/فروردین/۶۳

مزدوران خمینی با مداد روز پنجشنبه ۲۳ فروردین ماه جاری، روستای "جوجهی" را به محاصره‌ی خود در آورده و در ساعت ۶ صبح با شلیک توپ و خمپاره، حلقه‌ی محاصره را تنگتر می‌کنند که در اولین ساعات درگیری با مقابله‌ی تعدادی از پیشمرگان دلاور حزب دمکرات که از شب قبل در آن روستا مستقر بودند، روبرو میشوند. مزدوران که بوسیله‌ی یک نفربر و آتش پشتیبان شدید پایگاه‌های "بردوک" و "هواسین" حمایت میشوند، همچنان به درگیری و وارد آوردن خسارات به اموال اهالی زحمتکش روستا ادامه میدادند.

واحد عملیاتی پیشمرگه‌ی مجاهد شهید محمد عرب خزائلی به‌مراه تعدادی از نیروهای مقاومت مردمی، سریعا خود را به محل درگیری می‌رسانند و راه کمک رسانی به خط مقدم جبهه‌ی دشمن را به طور کامل می‌بندند. دشمن وحشت‌زده از اقدام تاکتیکی پیشمرگه‌های قهرمان مجاهد خلق و ترس از به خطر افتادن پایگاه "بردوک"، بسرعت از محاصره‌ی روستای "جوجهی" منصرف شده و بسمت پایگاه حرکت میکند. در نتیجه‌ی این اقدام قهرمانانه‌ی پیشمرگان

## عملیات تهاجمی پیشمرگه‌های مجاهد خلق

به پایگاه "بردوک"

و به هلاکت رساندن ۱۶ تن از مزدوران خمینی

صبح روز شنبه ۲۵ فروردین ماه جاری، پیشمرگه‌های مجاهد خلق عملیات سنگینی بر روی پایگاه "بردوک" در شمال کردستان انجام دادند. پیشمرگه‌های مجاهد خلق پس از نزدیک شدن به پایگاه، مرکز تجمع دشمن را زیر آتش بی‌امان سلاح‌های خمپاره، آرپی.جی، مسلسل و نارنجک‌های تفنگی خود گرفتند، بطوری که توان هرگونه واکنشی از مزدوران رژیم سلب شده بود. در این تهاجم قهرمانانه، ۱۶ نفر از مزدوران، منجمله فرمانده‌ی

تأمین‌های پایگاه، یکی از طراحان سرکوبگر خمینی نیز به هلاکت رسیدند و حداقل ۱۴ مزدور دیگر نیز زخمی گردیدند. پیشمرگه‌های مجاهد خلق بعد از اتمام موفقیت‌آمیز عملیات، سالم به پایگاه‌های خود بازگشتند. پس از این عملیات، دشمن مذبحخانه جهت مقابله با این عملیات، از پایگاه "هواسین" وحشیانه منطقه را به توپ و خمپاره می‌بندد. مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان ۶۳/فروردین/۶۳

## سالگرد راهپیمائی باشکوه مادران مجاهد در ۷ اردیبهشت ۶۰

۷ اردیبهشت مصادف با سالگرد راهپیمائی و تظاهرات عظیم مادران مجاهد در اردیبهشت ۶۰ می‌باشد؛ تظاهراتی که با شرکت حدود ۲۵۰ هزار نفر در تهران برگزار گردید و علیرغم همه تلاش‌های ضدانقلابی و سرکوبگرانه باسداران و دیگر مزدوران خمینی که منجر به شهادت ۲ تن از هواداران مجاهدین و مجروح شدن دهها تن دیگر گردید، این راهپیمائی با شکوه تا پایان مسیر خود پیش رفت و سرانجام با فرائت قطعنامه‌ی مربوطه توسط مادر مجاهد معصومه شادمانی (کبیری) در مقابل منزل پدر طالقانی با موفقیت تمام، پایان یافت. در قسمتی از این قطعنامه آمده بود:

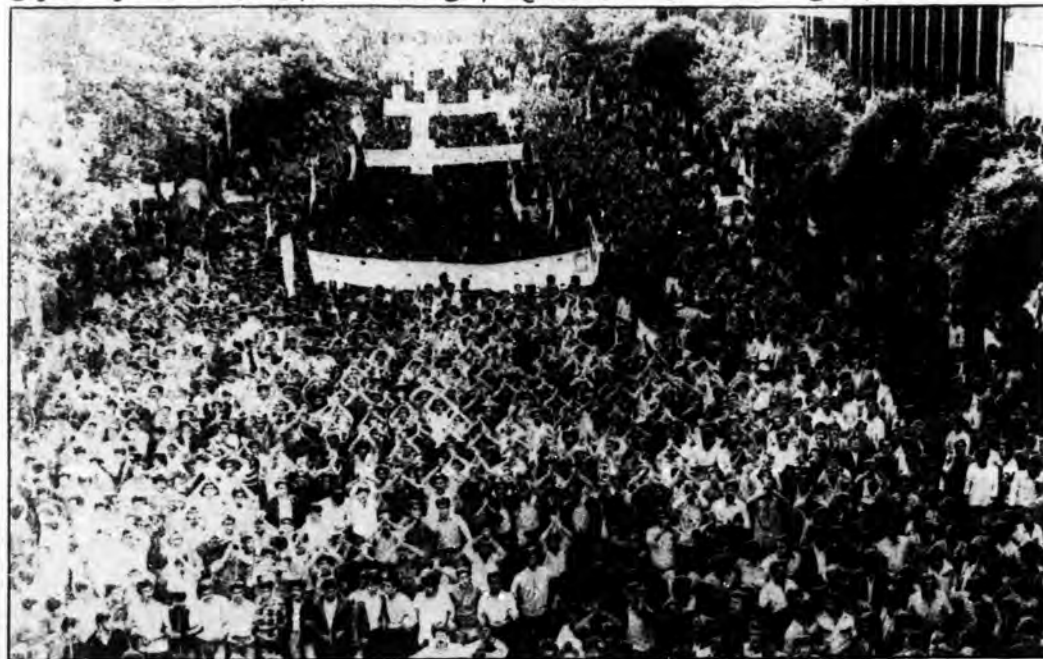
"... ما خواستار محاکمه‌ی قاتلین شناخته‌شده‌ی شهیدایمان و عاملین و آمرین مافوق ایشان، فرماندار و دادستان قائم‌شهر در پیشگاه خلق قهرمان ایران می‌باشیم و اعلام می‌داریم سردمداران اصلی این جریان‌ها همانا سرمنشأ سایر معضلات اجتماعی این مملکت و گردانندگان حزب انحصارطلب حاکم می‌باشد..."

این راهپیمائی آثار و نتایج بسیاری در تحولات سیاسی آن مقطع داشت. سردار شهید خلق، موسی‌خیابانی در همین رابطه می‌گوید: "... این گستاخاها، آن

هم در طلوعی بهار سال نو، سال باصلاح قانون، به خشم و انزجار عمومی دامن زد و موج اعتراض به ارتجاع در داخل و خارج از کشور در حمایت از سازمان را برانگیخت. این اعتراض‌ها، به راهپیمائی مادران

صدهزار نفری رسید که لحظه به لحظه هم، به تعداد آن افزوده می‌شد؛ بطوری که در پایان راهپیمائی جمعیت به مرز دوست‌هزار نزدیک شده بود. همه غرق حیرت و تحسین شده بودند و ارتجاع هم بی‌گمان به

می‌آورد... راهپیمائی عظیم ۷ اردیبهشت آثار شگرفی در مسیر تحولات اوضاع به جا گذاشت و بدان سرعت بخشید؛ اکنون در آستانه‌ی سومین سالگرد تظاهرات مادران مجاهد در ۷ اردیبهشت، یاد و خاطره‌ی



گوشه‌ای از تظاهرات ۷ اردیبهشت سال ۶۰

میهن‌مان گشوده است. مادرانی آگاه و انقلابی که عواطف پاک و مقدسشان بر بستری از احساس مسئولیت انقلابی و فداکاری و جانبازی به آنچنان درجه‌ای از شکوه و زیبایی خود رسیده است که کهکشان‌پر فروغ شهدای مجاهد خلق را با حضور سنارگان درخشان خود، تلالو و جلوه‌ی دیگری بخشیده‌اند. اینک ضمن تقدیم گرمترین دروهای انقلابی به روان پاک تمامی مادران قهرمانی همچون مادر شقایق، مادر کبیری، مادر ذاکری، مادر مصباح و... که در سنین کهولت و پس از تحمل داغ شهادت فرزندان مجاهدشان، خود نیز تا پای جان در برابر گلوله و شکنجه‌های دژخیم مقاومت کردند و یا زنان انقلابی قهرمانی که با طفل بدنیا نیامده‌ی خود بر چوبه‌ی اعدام بوسه زدند و نقاب از چهره‌ی دژخیم پلید قرن برکشیدند و با ارج نهادن بر فداکاری‌ها و جانبازی‌های تمامی مادرانی که، هم اینک چه در زندان‌ها و شکنجه‌گاهها و چه در پایگاههای مقاومت دوشاودش فرزندان مجاهد خود به مبارزه‌ی بی‌امان با دشمن خدا و خلق - خمینی جلاد - ادامه می‌دهند؛ سالروز راهپیمائی پرشکوه مادران مجاهد در ۷ اردیبهشت/۶۰ را گرامی می‌داریم.

تمامی مادران قهرمانی را گرامی می‌داریم که حماسه‌های مقاومت پرشکوهشان چه در زندان‌ها و شکنجه‌گاهها و چه در پایگاههای مقاومت و صحنه‌های نبرد مسلحانه، فصل نوینی در تاریخ انقلاب

مسلمان در ۷ اردیبهشت منجر شد؛ یک راهپیمائی شگفت‌انگیز و نمایش نفرت مردم از ارتجاع و حمایتشان از سازمان... هنوز ساعتی از شروع راهپیمائی نگذشته بود که خبر از جمعیتی

وحشت افتاده بود. در سراسر جهان، از بزرگ‌ترین راهپیمائی اعتراض‌آمیز علیه رژیم بعد از انقلاب، سخن گفته می‌شد. تظاهراتی که راهپیمائی‌های عظیم زمان انقلاب را به یاد

## سالروز تصویب قانون خلع ید

بیش از ۲ سال و اندی بطول نیانجامید، اما تجارب گرانبهای آن به عنوان یکی از مهمترین سرفصل‌های تاریخ معاصر میهنمان، برای همیشه سرمشق تمامی فرزندان آزاده و انقلابی خلقمان گردید. اینک راه مصدق و خواستار و در جهت تأمین منافع ملی و کوتاه شدن دست غارتگران استعمارگر در فرازی بس متعالی‌تر، در حرکت انقلابی فرزندان مجاهد خلق و در نبردی قهرآمیز با پلیدترین دشمن تاریخ ایران و خلف شاه خائن - خمینی جلاد و جنگ‌افروز - تبلور یافته‌است. دشمنی که کارنامه‌ی سیاه و ننگینش، ملو از جنایت و خیانت در جهت نابودی سرمایه‌های عظیم انسانی و مادی و حراج کردن ثروت‌های عظیم ملی - و از جمله نفت - است.

در سالگرد تصویب قانون "خلع ید"، یاد مصدق بزرگ را گرامی می‌داریم.

۹ اردیبهشت سالروز تصویب قانون ماده‌ی ۹ (معروف به قانون خلع ید) است. با تصویب این قانون، مبارزات ضداستعماری میهنمان به رهبری پیشوای فقید دکتر محمد مصدق گام بلندی به جلو برداشت و به یکی از پیروزی‌های بزرگ خود در جهت احقاق حقوق ملی و کوتاه کردن دست استعمارگران و غارتگران منابع نفتی دست یافت. به فاصله‌ی کوتاهی پس از تصویب این قانون، از آنجا که دولت دست‌نشانده‌ی "علاء" مزدور، ماهیت و توان برخورد با معضلات ناشی از این اقدام ملی و مردمی را نداشت، سقوط کرد و حکومت ملی دکتر مصدق در بحبوحه‌ی از فشارها و توطئه‌های امپریالیستی و ارتجاعی و البته با برخورداری از حمایت قاطع توده‌های عظیم مردم استقرار یافت.

دوران استقرار این حکومت ملی اگر چه بدلیل ضعف‌های درونی آن و نیز شدت توطئه‌های رنگارنگ امپریالیستی و ارتجاعی

- ۸ اردیبهشت (۱۳۶۰): شهادت ملیشای مجاهدین خلق فاطمه کریمی و منصور سائینی در قائمشهر و بندرعباس
- ۸ اردیبهشت (۱۳۶۱): شهادت مجاهد خلق پروین خسروی پس از نبردی قهرمانانه با پاسداران جنایتکار در بابل
- ۹ اردیبهشت (۱۳۳۰): تصویب قانون "خلع ید" از شرکت غارتگر نفت و آغاز حکومت ملی دکتر مصدق
- ۹ اردیبهشت (۱۳۵۹): شهادت ملیشای مجاهد خلق جلیل مرادپور در دره‌گز
- ۹ اردیبهشت (۱۳۶۱): شهادت مجاهد خلق حسین نوربخش طی درگیری با مزدوران خمینی جلاد در بابل
- ۱۰ اردیبهشت (۱۳۳۰/۲۰ آوریل/۱۹۷۵): سقوط سایگون و پیروزی انقلاب ویتنام
- ۱۰ اردیبهشت (۱۳۶۰): شهادت سرباز انقلابی نیروی هوایی ملیشای مجاهد خلق علی فتح‌کریمی در شهرکرد
- ۱۰ اردیبهشت (۱۳۶۱): شهادت مجاهد خلق سعید جابانی در زندان مشهد
- ۱۰ اردیبهشت (۱۳۶۲): شهادت مجاهد خلق جمال تقی بیگ در زندان اوین
- ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه ۱۸۸۶): اعتصاب خونین دهها هزار کارگر آمریکایی در شیکاگو و چندین شهر بزرگ صنعتی و آغاز جنبش کارگری ماه مه
- ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه): روز جهانی کارگر
- ۱۱ اردیبهشت (۱۳۶۰): شهادت ملیشای مجاهد خلق عباس فرمانبردار
- ۱۱ اردیبهشت (۱۳۶۱): شهادت مجاهدین خلق: بتول حاجتی، حسین قلی‌زاده و قربان مقیمی در شهرهای رشت و مشهد
- ۱۲ اردیبهشت (۱۳۴۰): روز معلم؛ شهادت دکتر خانعلی در جریان اعتصاب یکپارچه معلمان
- ۱۲ اردیبهشت (۱۳۴۷): شهادت فرزند دلیر خلق گرد اسماعیل شریف‌زاده عضو حزب دمکرات گردستان ایران به‌همراه چند پیشمرگه دلیر
- ۱۲ اردیبهشت (۱۳۶۱): حماسه‌ی مقاومت و شهادت قهرمانانه‌ی تنی چند از ارزنده‌ترین مسئولان و فرماندهان سازمان مجاهدین خلق ایران و شهادت فرماندهی والا مقام محمد ظابطی



### تقویم هفته: از ۶ تا ۱۲ اردیبهشت ۶۳

- ۶ اردیبهشت (۱۳۳۲): شهادت افشارطوس رئیس شهربانی حکومت ملی دکتر مصدق
- ۶ اردیبهشت (۱۳۵۳): شهادت فدایی خلق مرضیه احمدی اسکویی
- ۶ اردیبهشت (۱۳۵۸): ربوده شدن مجاهد خلق محمد رضا ساداتی توسط مزدوران ارتجاع
- ۶ اردیبهشت (۱۳۶۱): شهادت مجاهدین خلق: علی شاعری، معین‌الله‌محسنی، سیدمصدق موسوی و مسعود هوشیاری در زندانهای آمل و قائمشهر
- ۷ اردیبهشت (۱۳۶۰): راهپیمائی باشکوه مادران مجاهد خلق با شرکت بیش از ۱۵۰ هزارتن از مردم تهران در اعتراض به موج سرکوب و گشتار مزدوران ارتجاع در نواحی شمالی کشور که طی آن ملیشای مجاهد خلق و دود پیراهنی و خلیل اجاقی‌زاده شهادت رسیدند.
- ۷ اردیبهشت (۱۳۶۱): شهادت مجاهد خلق نظام‌الدین عنقانی از فرماندهان واحدهای نظامی مستقر در جنگل
- ۸ اردیبهشت (۱۳۵۰): اعتصاب و تظاهرات کارگران قهرمان جهان چیت و شهادت ۳ تن از کارگران بدست مزدوران شاه خائن

بقیه از صفحه ۵

و بدین ترتیب وجود میلیون‌ها بیکار در جامعه و حجم عظیم عرضی کار، زمینه‌ی زورگوئی و احاف و بهره‌کشی هرچه بیشتر از کارگران شاغل را فراهم نمود. طبق اعترافات کارگزاران رژیم، بسیاری از سرمایه‌داران و مدیران کارخانه‌های وابسته به خمینی، جهت افزایش تولید و بهره‌وری بیشتر، حتی وسایل ایمنی کارگاهها و دستگاههای مولد را کم و حتی حذف کردند و به ابعاد قربانی کردن کارگران در حين کار افزودند. بدین ترتیب در شرایطی که رژیم سعی می‌کند بهر نحو شده، مسئله‌ی بیمه‌ی کارگران را بنفع رژیم و وابستگان زالوصفتش حل نماید، سوانح شغلی و کارگری، سالانه ۱۵ هزار قربانی برجای می‌گذارد که در طول سه سال (تا سال ۶۱) ۲۳ درصد رشد داشته است و با توجه به انبوه سوانح کارگاهی در طول سال ۶۲، درصد رشد آن در این سال بمراتب بیشتر شده است. (کیهان ۶/آذر/۶۲).

بموازات این اقدامات ضد کارگری و در شرایطی که در طول سال گذشته، کارگران کارخانه‌ها در اثر کمی درآمد و تورم سرسام‌آور، بقول معروف صورت خود و خانواده‌شان را با سیلی سرخ نگاه میداشتند و بسیاری در معرض اخراج قرار می‌گرفتند و تعدادی نیز با کوچکترین بهانه اخراج شده و به‌امان خدا رها می‌شدند، رژیم خمینی منتهای دنائت خود را در سال گذشته بظهور رساند و اعلام نمود که صندوقی برای کمک به جاسوسان رژیم که تحت پوشش کارگران باصطلاح حزب‌اللهی در کارخانه‌ها خبرچینی می‌کنند و احیانا در اثر تضاد و درگیری با کارفرما اخراج می‌شوند، ایجاد کرده است که سرمایه‌ی ده میلیون ریالی اولیه‌ی آن توسط شخص خمینی دشمن شماره‌ی یک کارگران، اهدا و واريز گردیده است! (اطلاعات ۵/تیر/۶۲)

### کارگران در نونور جنگ!

در طول سال گذشته نیز رژیم چه بر مبنای فتوهای ضد انسانی خمینی (در آبان ۶۱) مبنی بر اعزام اجباری به جبهه‌های جنگ و چه بر اساس بخشنامه‌های تهدیدآمیز و سرکوبگرانه‌ی وزارتخانه‌ها و ادارات مربوطه، کارگزاران جنایتکار رژیم دسته دسته کارگران را مجبور به رفتن به جبهه‌ها نمودند. اعزام بصورت سیستماتیک و از کلیه‌ی

کارخانه‌ها و یا بصورت اعزام اجباری مقطعی بوده است. بویژه بر این مسئله‌ی مهم بایستی تاکید کرد که ایجاد فضای اختناق توسط جاسوسان و ایادی رژیم در کارخانه‌ها بر علیه کارگرانی که سعی می‌کنند بهر طریقی که شده از رفتن به جبهه سر باز زنند، منجمله از طریق منهم کردن آنها به فعالیت بر ضد رژیم و تهدید به اخراج یا زندانی کردن این قبیل کارگران - که لحظه به لحظه نیز توسط رژیم به این فضا دامن زده می‌شود - جیرا فضا را برای گریز کارگران از اعزام به جبهه‌ها می‌بندد. در این رابطه، هرچند آمار دقیقی از اعزام کارگران به جبهه و حتی تعداد هزاران کشته‌ی آنها در جنگ در دست نیست، اما معدود آمار ارائه شده از سوی رژیم در سال گذشته، به تنهایی ابعاد جنایات

خمینی در محیط‌های کارگری کشورمان را نشان می‌دهد. بعنوان نمونه، سرکرده‌ی سپاه پاسداران تهران در شهریورماه سال گذشته اعلام کرد که تا آن تاریخ در جریان بسیج جنگی در ۴۵ کارخانه، حدود ۲۰ هزار کارگر به جبهه‌های جنگ اعزام شده‌اند (کیهان ۶/۳۰/۶۲). ذوب آهن اصفهان سهمیه‌ی دائمی کارگران این کارخانه در جبهه‌ها را ۲۳۰۰ نفر اعلام کرده است (جمهوری ۹/۴/۶۲). بهمین سیاق برخی وزارتخانه‌ها و ادارات رژیم، از قبیل نیرو، راه و ترابری، صنایع، شرکت واحد و... در طول سال گذشته آمارهایی از تعداد کارگرانی که به جبهه‌ها اعزام کرده‌اند و بعضا حتی آمار کارگران کشته شده در جبهه‌ها را اعلام کرده و بدینوسیله بر مرتبت و امتیازجویی خود نزد خمینی ضد بشر افزودند!

بموازات اعزام اجباری کارگران به جبهه، سردمداران چپاولگر رژیم از غارت مختصر دسترنج کارگران نیز دریغ نکرده و بخشی از آن را چه بصورت سیستماتیک (تحت پوش اهدای یک روز حقوق) و چه بشکل اخاذی‌های مقطعی و ادواری - بویژه در هر مرحله از تدارکات جنگ‌افروزی‌های جدید رژیم - برای جبهه‌ها فرستادند. بعنوان مثال می‌توان از کمک مستمر و ماهیانه‌ی کارخانه‌ی ناهید اصفهان (ماهیانه معادل ۱۰ میلیون

ریال)، کارخانه‌ی ذوب آهن اصفهان (ماهیانه معادل ۵ میلیون ریال)، کارخانه‌ی ذغال سنگ سنگرود لوشان (ماهیانه معادل ۳/۵ میلیون ریال)، کارخانه‌ی چیت بهشهر (ماهیانه معادل یک میلیون و پانصد هزار ریال) و... نام برد. قدر مسلم اگر این اخاذی‌های اجباری و سیستماتیک - که در تمامی کارخانه‌های کشور برقرار است - سرجمع گردد، ابعاد اخاذی‌های کلان رژیم از کارگران و زحمتکشان میهنمان مشخص‌تر می‌گردد. البته علاوه بر جیره‌ی ماهیانه‌ی این قبیل کارخانه‌ها، بایستی از حجم کلی سرکیشه کردن کارگران نیز یاد کنیم که بعنوان نمونه چپاول دسترنج کارگران مجتمع سیمان و فارسیت درود، بالغ بر ۱۰ میلیارد ریال و ذغال سنگ البرز مرکزی از ابتدای جنگ تا اوایل سال ۶۲ در حدود ۱۳۰ میلیون

شورای مرکزی باصطلاح خانه‌ی کارگر رژیم و از عوامل مهم سرکوب و اختناق در کارخانه‌ها و از دلالتان اصلی رژیم برای اعزام کارگران به جبهه و اخاذی از آنان) از نقش سپاه ضد خلقی رژیم در بسیج نیرو از کارخانه‌ها پرده برداشت و همچنین کانون ضداسلامی کلیه‌ی کارخانجات جاده‌ی قدیم کرج اعلام نمود که اعزام کارگران به جبهه به "مقیاس وسیع" ادامه داشته و همچنان دنبال خواهد شد (کیهان ۱۲/۲۸ و اطلاعات ۸/۲ و جمهوری ۱۱/۱۲/۶۲). خلاصه اینکه در سال گذشته نیز خمینی خائن، دشمنی دیرینه‌ی خود و باند استثمارگرش را با کارگران بیش از پیش به نمایش گذارد و بیدریغ از جان و مال آنها برای روشن نگاه داشتن تنور جنگ ضد ملی و ضد مردمی‌اش، مایه گذاشت و زندگی آن‌ها را تباہ کرد.

## خمینی؛ خصم کارگر

### مقاومت کارگران و سرکوب رژیم

رژیم خمینی در سال گذشته بیش از پیش به گسترش اختناق و سرکوب در کارخانه‌ها - همانند تمامی جامعه - پرداخت و تنها بدین طریق بود که هم به مقابله با اعتراضات و اعتصابات کارگری شتافت و هم راه را برای مقاصد ارتجاعی خود در محیط کارخانه، منجمله اعزام کارگران به جبهه و اخاذی برای جنگ، باز نمود. سرکوب و اختناق رژیم در کارخانه، چه از طریق وضع قوانین سرکوبگرانه و تقویت انجمن‌های جاسوسی و اعتصاب شکن و چه از طریق اخراج گروه‌گروه کارگران ناراضی، منجمله به بهانه‌ی راکد بودن کار و تولید کارخانه‌ها و چه از طریق تهاجم مزدوران سپاه و کمیته‌های ضد خلقی به کارخانه‌ها و دستگیری و محاکمه و زندان و اعدام کارگران آگاه و انقلابی، انجام پذیرفت. سال گذشته مجلس ضد خلقی رژیم طرح باصطلاح "شوراهای اسلامی کار" را از مجلس گذراند تا از طریق آن، هم ضریب استثمار کارگران افزایش یافته‌ی هم سرکوب و اختناق بیشتری در کارخانه‌ها اعمال گردد (مجاهد ۱۸۵). همچنین در سال گذشته مشخص شد که بدنیا ل باصطلاح پاکسازی کارخانه‌ها و اخراج کارگران مزاحم! و ضمناً کاستن از میزان پرداخت‌های کارخانه و افزایش سود آن،

کارگزاران رژیم ۸۰۰ تن از کارگران معادن "طرزه" در شاهرود را اخراج کرده‌اند. بهمین شکل ۱۳۰۰ تن از کارگران شرکت ساختمانی شهرک فولاد - شهر اصفهان نیز مشمول تصفیه و اخراج شده‌اند و رقم کارگران اخراجی از مجتمع فولادشهر اهواز افزون بر هفت هزار نفر اعلام گردید که همگی به جرم شرکت در اعتصاب، اخراج شده بودند (تعداد کل کارگران فولاد شهر اهواز ۹۵۰۰ نفر می‌باشد). در سال گذشته همچنین مشخص گردید که رژیم حتی تعدادی از کارخانه‌ها، منجمله "جوکای" رشت را به زندان انقلابیون تبدیل نموده و در آن گروهی از کارگران مجاهد و مبارز را نیز زندانی نموده است (مراجعه شود به "مجاهد" شماره‌های ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۸۱، ۱۹۵). اما علیرغم اختناق حاکم بر کارخانه‌ها، مقاومت کارگران نه تنها متوقف نگردیده، بلکه تدریجا پیوند خود را با مقاومت سراسری بر علیه دیکتاتوری ضد بشری خمینی، برقرار کرده و هر جا که تور سنگین اختناق را سست‌تر دیده، فریاد اعتراض خود را بر علیه ظلم و جور ایادی رژیم بلند نموده و برخواسته‌های صنفی - سیاسی خود پای فشرده است. از سوی دیگر هرچند اختناق سنگین رژیم در کارخانه‌ها، مانع انعکاس گسترده‌ی اخبار تمامی این مقاومت‌ها گردیده، اما با اینحال اعتراضات و اعتصابات کارگران آگاه کارخانه‌های دخانیات تهران، فولادشهر اصفهان، لیلاند موتور تهران، کوکاکولای مشهد، کارخانه‌ی لوازم الکتریکی ایران - رشت، کارخانه‌ی بافت ناز اصفهان، ذغال سنگ شاهرود، لندرو تهران و... نمونه‌هایی از اعتراضات و اعتصابات کارگری در طول سال گذشته بودند که اخبار آنها مشخصا توسط مسئول شورای ملی مقاومت و دفتر مجاهدین خلق در پاریس در سطح بین‌المللی انعکاس یافت. تظاهراتی که در تمامی آنها حکام ضد شرع و مزدوران ضد خلقی سپاه و کمیته به سرعت در محیط کارخانه آماده شده و به تهدید و دستگیری کارگران پرداختند. از سوی دیگر گزارشات هسته‌های مقاومت کارگری مجاهدین، تماما حاکی از استقبال بی نظیر کارگران از شعار صلح در جامعه و نفرت از جنگ‌افروزی‌های مملکت بر باد ده خمینی است. بنحویکه هر شعار و تراکت ضد جنگ و اختناق خمینی که بدرون کارخانه‌ها می‌رفت، وسیعا مورد بقیه در صفحه‌ی بعد

## کشتار رژیم در انتخابات فرمایشی در زاهدان

\* ۲۰۰۰ پا سدار سرگوبگر به سرگردگی شمخانی از فرماندهان سپاه ضد خلقی رژیم، برای سرگوب مردم و کنترل شهر، وارد زاهدان شدند.

\* در این درگیریها تاکنون ۸ نفر کشته و ۷ تن مجروح شده اند. تعدادی از مزدوران رژیم نیز در اثر تهاجمات مردم به شدت مجروح گشته اند.

پاسداران ضد خلقی خمینی در جریان فرونشاندن تضاد و درگیری بین دو جناح درونی رژیم بر سر انتخابات فرمایشی در زاهدان، تظاهرات مردم را به رگبار بسته و ۸ تن، منجمله یک مادر و کودک خردسالش را از پا در آوردند. لازم به توضیح است که اختلاف و درگیری دو جناح رقیب زمانی آغاز شد که "شورای نگهبان" رژیم، بر اساس بند و بست قبلی با حزب منغور جمهوری و ناطق نوری جنایتکار (وزیر کشور) و آخوند تبهکار "عبادی" (باصلاح امام جمعه و نماینده‌ی خمینی در زاهدان) یکی از کاندیداهای نمایندگی زاهدان (آخوند "زابلی" اهل زابل و ساکن شهر کرج) را فاقد صلاحیت دانسته و نام او را از لیست کاندیداها حذف نمود!

این مسئله باعث خشم طرفداران "زابلی" شده و آنها کم کم اعتراضات خود را برملا نمودند. ضمناً تعدادی از آخوندهای باصلاح حوزه‌ی علمیه‌ی زاهدان نیز طرفداری خود را از "زابلی" علنی کردند. خبر این اختلافات در سطح شهر و اطراف پیچید و پس از آنکه حذف "زابلی" از لیست کاندیداها کاملاً محرز شده و داد و فریاد طرفدارانش بجائی نرسید، جناح "زابلی" که تمامی مسائل را از ناحیه‌ی "عبادی" و "نصری" استاندار سرسپرده می‌دیدند، ساعت ۳ بعد از ظهر روز چهارشنبه ۲۲ فروردین در خیابان "خمینی" زاهدان که دفتر "امام جمعه" در آن واقع است تجمع کرده و دست به تظاهرات زدند. در این میان مردم خشمگین زاهدان هم که دل پُری از ایادی و مزدوران رژیم داشتند و بدنبال فضای مناسب میگشتند، فرصت را غنیمت شمرده از گوشه و کنار، خود را به اجتماع تظاهرکنندگان رساندند و بدنبال آن جمعیت به سمت دفتر امام جمعه (آخوند عبادی) حمله ور شد و ضمن شکستن

اما موضوع بویژه برای کارگزاران رژیم در زاهدان، منجمله "عبادی" (امام جمعه) و "نصری" استاندار، بقدری حساس بود که بلافاصله مراتب را به تهران گزارش کرده و حالت حساس و خطرناک شهر را گوشزد نمودند. شب هنگام ۲۰۰۰ پاسدار مسلح از اصفهان و تهران با هواپیما وارد زاهدان شدند که سرگردگی آن را شمخانی جنایتکار یکی از فرماندهان مهم شورای مرکزی سپاه ضد خلقی رژیم به عهده داشت. با ورود قوای سرگوبگر رژیم از تهران و اصفهان، در شهر، حالت فوق العاده‌ی حکومت نظامی اعلام شد و بویژه راه ورودی زابل به زاهدان به مدت نامعلومی بسته شد تا از ورود اهالی سایر شهرها به زاهدان جلوگیری به عمل آید! پاسداران اعزامی ۱۰ نفر ۱۰ نفر، کلیه چهارراهها، گذرگاهها و مراکز اصلی شهر زاهدان را در کنترل خود گرفته و حکومت نظامی تمام عیاری را در چند روز بوجود آوردند. اما علیرغم ورود ۲۰۰۰ نیروی سرگوبگر جهت کنترل شهر، ناآرامی‌های زاهدان تا روز شنبه ادامه داشت.

ضمناً در جریان این درگیریها تعداد زیادی از مردم، دستگیر شده‌اند. در این رابطه ایادی رژیم، منجمله در زابل و زاهدان، سعی میکنند از طریق گفتگو با "هاشمی رفسنجانی" و "خامنهای" (سران حزب منغور جمهوری)، آنها را در جریان مآووقع گذارده و دستگیرشدگان از جناح مقابل را آزاد نمایند و به قول خودشان سر فرصت به حساب "آن عده"! که از این ماجرا سوء استفاده کرده و شهر را به آشوب کشانده برسند!

یادآوری میکنیم روزنامه‌ی اطلاعات مورخه‌ی ۲۷ فروردین، به جریان "ناآرامی" هائی در انتخابات زاهدان اشاره کرده و در ضمن آن با ردالت تمام از قول "یک مقام آگاه" نوشته است که "۴۰ نفر از مازندران و کرمان به زاهدان آمده بودند و با پوشیدن لباس بلوچی وارد جمعیت شده و با استفاده از مسائلی که در انتخابات ممکن است پیش آید، اغتشاشاتی بوجود آوردند که این افراد دستگیر شدند!!"

\*\*\*

## گسترش حمایت‌های بین‌المللی از سیاست‌های صلح خواهانه

### شورای ملی مقاومت

بقیه از صفحه ۳۰

مورد نقش کلیدی سازمان مجاهدین در مبارزات خلق ایران باشد؛ بسیار سودمند خواهد بود.

با درودهای برادرانه با آزادت بسیار مخلصانه منصور - راسدین دبیر کمیته‌ی سریلانکائی همبستگی با مردم ایران

### • آلمان

در پی اقدامات گسترده‌ای که در زمینه‌ی افشای جنگ طلبی خمینی در آلمان فدرال صورت گرفته است، پیام‌هائی در رابطه با محکومیت رژیم خمینی از سوی سوسیالیست‌های جوان و نیز شاخه‌ی حزب سبزها در شهر "هورت" خطاب به شورای ملی مقاومت ارسال شده است:

"نامه‌ی همبستگی ما سوسیالیست‌های جوان شهر "هورت"، همبستگی خود را با شورای ملی مقاومت ایران اعلام می‌داریم. ما بر علیه هرگونه نقض حقوق بشر در تمام دنیا می‌باشیم، ما علیه اعدام‌ها در ایران هستیم، ما برای تمام انسان‌ها در این کشور (ایران)، پایان فوری جنگ را خواهانیم. انسان‌ها باید نهایتاً بتوانند دوباره بدون ترس

بقیه از صفحه‌ی قبل

استقبال کارگران قرار گرفته و از طریق عناصر آگاه در محیط‌های کارگری، اشاعه و تبلیغ می‌گردید.

بدون تردید امسال نیز کارگران در مقابل اقدامات ضد کارگری رژیم چه در برابر وضع قوانین بهره‌کشانه و اختناق آفرین و چه در برابر سرکوب و اختناق در محیط کارخانه، ایستادگی نموده و به سهم خود شعله‌های مقاومت سراسری مردمی را در درون کارخانه‌ها زنده نگاه خواهند داشت و به یقین رژیم

زندگی کنند. با سلام‌های همبستگی خانم بیرگیت گرابو \* \* \* نامی حزب سبزها در هورت شورای ملی مقاومت ایران، مسعود رجوی - پاریس

ما عمیقاً دربارهی جنگ بین ایران و عراق که مستمراً ضد بشری‌تر می‌شود، نگرانیم. جنگ، خود پدیده‌ای ضد بشری است، ولی هنگامی که مرگ هزاران کودک و یا استفاده از گاز سمی را می‌طلبید، باید تمامی نیروها را برای پایان دادن به آن بکار گرفت. ما از این جهت از سازمان ملل می‌خواهیم که تمامی قدرت خودش را بکار انداخته تا بالاخره به این خونریزی بی‌هدف پایان دهد.

علاوه بر این ما بر علیه اعدام و همچنین بر علیه نقض مستمر حقوق بشر در ایران؛ اعتراض می‌کنیم و در اینجا از سازمان ملل می‌خواهیم که تمامی نیروی خود را بکار گیرد تا بدین وسیله حقوق ابتدائی بشر در ایران دوباره برقرار شود.

از طرف خانم آنگلیکا توماس

## خمینی؛ خصم کارگر

بوسیده و رو بمزوال خمینی را یارای خاموش کردن این مبارزات نیست. یعنی هرچند که اختناق و سرکوب سنگین در کارخانه‌ها، مقاومت کارگران آگاه میهنمان را در کارخانه‌های مختلف از یکدیگر جدا ساخته و از بهم پیوستگی و ارتقاء حرکت مبارزاتی آنان جلوگیری می‌کند، اما هیچگاه به خاموش کردن این مبارزات موفق نخواهد شد و سرانجام نیز مقاومت کارگران و زحمتکشان در کار مقاومت سراسری میهن در زنجیرمان، به سقوط این رژیم ضد مردمی و ضد کارگری منجر خواهد گردید.

\*\*\*

افشای بسیج ضد خلقی و درهم شکستن سیاست جنگ طلبانه و ضد میهنی خمینی با بکار گرفتن همه اشکال

مبارزه منفی و مثبت، یک وظیفه مبرم انقلابی در مسیر ارتقاء مقاومت و تدارک قیام عمومی است.

## گسترش حمایت‌های بین‌المللی از سیاست‌های صلح خواهانه

### شورای ملی مقاومت

بقیه از صفحه ۳

#### سوئد

بدنبال پیگیری فعالانه‌ی سیاست صلح از جانب شورای ملی مقاومت، نمایندگی‌های شورا در کشورهای مختلف از طرق رسمی و نیز ضمن تماس با مقامات دولتی و پارلمانی، اقداماتی هماهنگ را برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق بعمل آوردند.

در این رابطه هیئتی از سوی شورای ملی مقاومت شامل آقایان دکتر منوچهر هزارخانی نماینده‌ی شورا در ایتالیا، آقای

سوئد (موتلف با حزب حاکم) - ملاقات با آقای "هادرکش" نماینده‌ی حزب مردم سوئد و وزیر سابق اقتصاد این کشور.

ضمناً هیئت شورای ملی مقاومت در طول اقامت خود در سوئد، با خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های مختلف مصاحبه‌هایی انجام داد که بطور وسیعی انعکاس یافت.

در این رابطه روزنامه‌ی "داگتر نی‌هتر" پرتیراژترین روزنامه‌ی صبح سوئد، در رابطه با سفر هیئت شورا می‌نویسد:

است: "حدود ۱۰ سازمان و حزب شورای ملی مقاومت را تشکیل داده‌اند. پرویز خزائی می‌گوید: "شورای ملی مقاومت بطور جمعی برنامه‌ی سیاسی تنظیم کرده که براساس پلورالیسم، آزادی مذهب و حقوق مساوی زن و مرد استوار است". او اضافه می‌کند: "خمینی نیاز به جنگ دارد تا بر خفقان داخلی و بحران اقتصادی درون کشور سرپوش بگذارد، بنابراین تلاش ما برای پایان دادن به جنگ، یک مبارزه برای دموکراسی



آقایان مهدی صدیق‌زاده - منوچهر هزارخانی و پرویز خزائی (نمایندگان شورای ملی مقاومت) در دیدار با خانم کارین آندرسون سخنگوی حزب سنتر و نماینده‌ی پارلمان سوئد

- ۲۳ - جاریشانکار
- ۲۴ - جی. دسوکپال
- ۲۵ - جی. ب. لاولیت
- ۲۶ - جایانات جادو
- ۲۷ - جی. ا. دشماخ
- ۲۸ - داتا پاتیل
- ۲۹ - دنیکارائووی. یادو
- ۳۰ - خانم ام. جی. یاریق
- ۳۱ - جی. و. پاتیل
- ۳۲ - پرام لعل‌ورا
- ۳۳ - مادورائو وادال
- ۳۴ - بابورا راتوداکاری
- ۳۵ - ال. اس. کوم
- ۳۶ - آر. جی. کابه
- ۳۷ - جهایی باندارکار
- ۳۸ - جی. پ. پرادان
- ۳۹ - بابا صاحب توبه
- ۴۰ - د. ب. پاتیل
- ۴۱ - داناتا مکه
- ۴۲ - وی. ا. پاتیل
- ۴۳ - ثریا کانت روتگره
- ۴۴ - د. ا. کایک‌واد
- ۴۵ - پروفیسور اس. وارده
- ۴۶ - ویتال. ب. توبه
- ۴۷ - دکتر داناتا مانت
- ۴۸ - اف. ام. پنیتو
- ۴۹ - پرفیسور ام. شیوانکار
- ۵۰ - ب. مودلی گودا نماینده‌ی مجلس قانونگزاری ایالت کارناتاكا.
- ۵۱ - ک. ان. دیشپانده، عضو مجلس قانونگزاری ایالت ماهراشتر
- ۵۲ - تی. پی. بورایا عضو مجلس قانونگزاری ایالت کارناتاكا
- ۵۳ - بیم سینگ واهیا عضو مجلس قانونگزاری ایالت هاریانا
- ۵۴ - ا. سی. چودری عضو مجلس قانونگزاری فعلی و وزیر سابق ایالت هاریانا
- ۵۵ - ام. بیلاس شارما عضو مجلس قانونگزاری ایالت هاریانا
- ۵۶ - امیرجاندماکر، عضو مجلس قانونگزاری ایالت هاریانا
- ۵۷ - پیرابورام، عضو سابق مجلس قانونگزاری ایالت هاریانا
- ۵۸ - جوداردی نماینده‌ی مجلس قانونگزاری ایالت کارناتاكا
- ۵۹ - فال سینگ کارتاریا عضو سابق مجلس قانونگزاری ایالت هاریانا
- ۶۰ - بی. آر. پاتیل، عضو مجلس قانونگزاری و رئیس شاخه‌ی جوانان حزب جاناتا در ایالت کارناتاكا
- ۶۱ - بی. اس. پاتیل عضو مجلس قانونگزاری ایالت کارناتاكا

بپذیرید. هدف از نگارش این نامه مطلع ساختن جنابعالی از برخی از فعالیت‌های ما در حمایت از مقاومتی است که تحت رهبری شما در داخل ایران جریان دارد. چندی پیش گروهی از سریلانکائی‌های مسلمان که خود را "کمیته‌ی صلح ایران و عراق" می‌خواندند، جلسه‌ای برگزار کردند و خواستار پایان جنگ و استقرار صلح شدند. این جلسه درخانه‌ی فرهنگی اسلامی و تحت ریاست آقای رازق فرید، رهبر جامعه‌ی مسلمانان "مور" برگزار شد. کمیته‌ی ما از این مناسبت استفاده کرد تا طرح صلح شورای ملی مقاومت را تبلیغ کند. بدین منظور ما تلگراف جنابعالی به دبیرکل سازمان ملل را تکثیر کردیم (همان تلگرافی که در آن از اعزام هیئت تحقیق سازمان ملل به ایران حمایت کردید). برای اطلاعات نسخه‌ای از این پلی‌کپی‌ها را به ضمیمه ارسال کرده‌ایم. باید متذکر شوم که این جزوه‌ها در سطح وسیعی پخش شد و مورد استقبال قرار گرفت.

اطلاعات موجود در پلی‌کپی را از نسخه‌های "ایران لیبراسیون" جمع‌آوری کردیم (همان نشریه‌ای که اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان ایرانی در لندن آنرا چاپ می‌کنند).

برای بزرگداشت پنجمین سالگرد انقلاب ۱۹۷۹ هم، یک اطلاعیه‌ی علنی منتشر کرده بودیم که یک نسخه از آنرا هم برای اطلاع شما، ضمیمه می‌کنیم. این اطلاعیه به زبان‌های رسمی سریلانکا یعنی "انگلیسی"، "تامیل" و "سین‌هالا" پخش شد.

در آینده نیز قصد داریم جزوه‌ای منتشر کنیم که در آن نقش بیست‌ساله‌ی سازمان مجاهدین خلق ایران در پدید آوردن انقلابی که شاه را از تخت طاووس به زیر کشید، تبلیغ شود؛ بعلاوه نقش آن در مقاومتی که اکنون تحت رهبری جنابعالی برای راهگشایی بسوی دوره‌ی جدیدی برای خلق ایران در جریان است.

علیرغم محدودیت‌ها، ما مصمم هستیم که به کارمان در زمینه‌ی حمایت از مبارزه‌ی مردم ایران برای دستیابی به صلح، دموکراسی و عدالت ادامه دهیم. در این زمینه هر کمکی که بتوانید به ما بکنید، هرگونه مطلبی که در

و آزادی‌های سیاسی در ایران است.

#### □ سری لانکا

#### کمیته همبستگی

#### با خلق ایران

گسترش جنبش صلح‌شورای ملی مقاومت ایران، پیام صلح‌جوئی این شورا را تا اقصی نقاط جهان برده و هر روز شاهد بازتاب‌ها و پاسخگوئی مثبت سازمان‌ها، جمعیت‌ها، احزاب و... در گوشه و کنار دنیا می‌باشیم. در این رابطه پیام زیر از طرف "کمیته‌ی سریلانکائی همبستگی با مردم ایران" ارسال شده است:

همرزم مسعود رجوی فرمانده‌ی اول سازمان مجاهدین خلق ایران - فرانسه عزیزترین هم‌رزم؛ لطفا دروهای ما را

هزارخانی با "کارین آندرسن" از حزب سنتر و "لارش وارنر" از حزب کمونیست ملاقات کرده و با نمایندگان سایر احزاب ملاقات خواهد داشت. او اظهار می‌دارد که امیدوار است تأثیر این ملاقات‌ها را در رابطه با خاتمه‌ی جنگ ایران و عراق در "آلاف پالمه" و سازمان‌های بین‌المللی مشاهده کند. او می‌گوید شورای ملی مقاومت یک مبارزه‌ی مسلحانه را علیه خمینی در ایران به پیش می‌برد؛ مبارزه‌ای که تنها از طرف خودش تغذیه می‌شود. مجاهدین اسلحه و مهمات را از ارتش بدست می‌آورند.

روزنامه‌ی "یوتبری پستن" نیز گزارش مشروحی در مورد سفر هیئت شورا به سوئد به چاپ رسانده است. در قسمت‌هایی از این مقاله، آمده

پرویز خزائی نماینده‌ی شورا در نروژ و آقای مهدی صدیق‌زاده نماینده‌ی شورا در سوئد، در اسفند ماه گذشته (فوریه ۸۴) ملاقات‌های گسترده‌ای با شخصیت‌های پارلمانی و حزبی سوئد بعمل آوردند. در این تماس‌ها، سیاست‌ها و اقدامات صلح‌شورای ملی مقاومت، طرح صلح شورا و قطع موقت بمباران که به ابتکار برادر مجاهد مسعود رجوی صورت گرفته بود، مورد گفتگو قرار گرفت که با استقبال نمایندگان احزاب سوئد مواجه گردید. این تماس‌ها عبارت بود از:

- ملاقات با آقای گونار بیلینگر نماینده‌ی حزب سوسیال دمکرات سوئد (حزب حاکم) - ملاقات با خانم "کارین آندرسون" سخنگوی حزب سنتر و نماینده‌ی پارلمان و وزیر اسبق مهاجرت این کشور

فعالیت‌های بین‌المللی شورای ملی مقاومت

# طرح شکایت نقض حقوق کارگران ایران در سازمان بین‌المللی کار

شورای ملی مقاومت چارچوب فعالیت‌های بین‌المللی خود به آنها به شناساندن مقاومت مشروع و سراسری داخل ایران پرداخته و با نشان دادن چهره‌ی جنگ‌طلب و ضدبشری رژیم خمینی، موجبات ایزولاسیون هر چه بیشتر آنرا فراهم می‌کند؛ بلکه به شیوه‌های گوناگون، منجمله از طریق مراجع و مجامع بین‌المللی نیز کوشش نموده است تا ستم همه‌جانبه‌ای را که بر اقشار و طبقات گوناگون هموطنانمان توسط رژیم خمینی اعمال می‌شود، محکوم نماید تا بدینوسیله حقانیت مبارزات خونبار مردم ما بیش از پیش برای تمامی مردم جهان روشن شود.

تاکنون در نتیجه‌ی تماس‌های گسترده‌ی مسئول و اعضای شورا با روسا و نمایندگان جریان‌های کارگری، بیش از صد سندیکا، اتحادیه و کنفدراسیون کارگری در کشورهای مختلف جهان از مبارزات مردم ایران و شورای ملی مقاومت پشتیبانی کرده‌اند که از آنجمله می‌توان کنفدراسیون سندیکائی کمیسیون-های کارگری سراسری اسپانیا (C.C.D.O)، اتحادیه‌ی کارگران کارخانجات سوئد، کنفدراسیون کارگران و کشاورزان هند، اتحادیه‌ی کارگران مخابرات انگلیس (U.C.W)، اتحادیه‌ی کارگران ایستگاه‌های مخابراتی انگلیس، کنفدراسیون سراسری کارگران ایتالیا (C.G.I.L)، کنفدراسیون سراسری سندیکاهای ایتالیا (C.I.S.L)، اتحادیه‌ی کارگران ایتالیا (U.I.L) و سندیکای سراسری کارگران اتریش (U.G.B) را ذکر کرد.

در راستای فعالیت شورا در مجامع بین‌المللی به تحقیق می‌توان گفت که ابعاد جنایات رژیم خمینی در نقض ابتدائی‌ترین حقوق مردم ما بحدی است که هیچ قاعده و ضابطه‌ی بین‌المللی را نیز نمی‌توان یافت که بطور آشکار و بارز از سوی این رژیم نقض نشده باشد؛ به همین علت اقدامات شورای ملی مقاومت حتی در مجامعی که نمایندگان

رژیم خمینی در آن هستند - و علیرغم همه‌ی دجالگری‌های ایادی رژیم - با استقبال مواجه می‌شود؛ که نمونه‌ای از آنرا در گزارش نشست هیئت رئیسه‌ی سازمان بین‌المللی کار می‌توان یافت. سازمان بین‌المللی کار در دوپست و بیست چهارمین اجلاس خود، شکایتی را که از طرف "کنفدراسیون بین‌المللی سندیکاهای آزاد" (ICFTU) در مورد نقض شدید حقوق کارگران در ایران صورت گرفته بود، مورد بررسی قرار داده و تصمیمات خود را پیرامون آن اعلام داشت.

"کنفدراسیون بین‌المللی سندیکاهای آزاد" (I.C.F.T.U) شکایت خود را براساس مدارک و اخبار و اطلاعات مستندی که اتحادیه‌ی انجمن‌های دانشجویان مسلمان در اختیار آن قرار داده بود، در سازمان بین‌المللی کار طرح کرد. سازمان بین‌المللی کار شکایت مزبور را با توجه به کنوانسیون‌های بین‌المللی که رژیم خمینی نیز بعضی از آنها را امضاء نموده است، مورد بررسی و اتخاذ تصمیم قرار داد. نکته‌ی بسیار جالب توجه اینکه رژیم خمینی از ۱۵۸ عهدنامه (کنوانسیون) سازمان بین‌المللی کار، تنها ۱۱ کنوانسیون را امضاء کرده است که در عمل این موارد محدود را نیز مکرراً نقض کرده است.

سازمان بین‌المللی کار، صورتجلسه‌ی رسیدگی به شکایت "کنفدراسیون بین‌المللی سندیکاهای آزاد" در مورد نقض حقوق کارگران در ایران را بطور مشروح و طی بخش‌های مختلف منتشر کرده است؛ که در قسمت "نتایج و توصیه‌های کمیته" بوضوح به محکوم بودن سیاست‌های سرکوبگرانه‌ی رژیم اشاره شده است. در این صورتجلسات پاسخ رژیم خمینی به شکایت فوق‌الذکر نیز درج گردیده که به لحاظ نوع برخورد ضدکارگری رژیم قابل توجه است.

## شکایت علیه دولت ایران

### از جانب

## کنفدراسیون بین‌المللی

### سندیکاهای آزاد

### الف: اقامه دعوی

### کنفدراسیون شاکی

کنفدراسیون شاکی، اعلام می‌دارد که اعتراضات و اعتصابات کارگران در کارخانه‌های اتومبیل پارس، جنرال موتورز خاور - مردس-بنز، زامیاد، ماشین‌های ژاپنی، خودروسازان، ولوو، سایپا، کامیون کاوه و کارخانجات دیگر منجر به بازداشت و اخراج دستجمعی کارگران شده است. اعتصاب فوق بدلیل تصویب و انتشار بخشنامه‌ی دولتی بوده که برطبق آن ساعات کار به ۴۴ ساعت در هفته افزایش یافته و تعطیل روز پنج‌شنبه نیز لغو شده است. کنفدراسیون شاکی به عنوان نمونه کارخانه‌ی پارس را ذکر می‌کند که ۱۷۰۰ کارگر اعتصاب نموده و در رابطه با ارگان‌های سرکوب بنام "انجمن‌های اسلامی" که در کارخانجات تشکیل شده‌اند، تظاهراتی را سازمان می‌دهند. به گفته‌ی کنفدراسیون شاکی، ۵ واحد از دفتر دادستانی، به همراه گاردهای مسلح، در حالیکه مستمرا تیر هوایی شلیک می‌کردند، در محل حاضر شدند و کارگران را کتک زده، زخمی کرده و دستگیر نمودند. رئیس تولید کارخانه و روسای واحدهای اداری، لابراتوارها و بازرسی نیز دستگیر شدند. به گفته‌ی کنفدراسیون شاکی، دستگیری‌ها چند روز ادامه یافت و بعضی از کارگران در زندان اوین تهران زندانی شدند و بعضی دیگر در دفتر دادستانی واقع در وزارت کار، لیستی از ۴۴ کارگر دستگیر شده توسط سندیکای شاکی ارائه شده است. - نمونه‌ی دومی را که کنفدراسیون شاکی ذکر می‌کند، مربوط به اعتصابات اداری مخابرات است که از دفتر یک

ناحیه شروع شد و به تمام مناطق گسترش پیدا کرد. کاردهای مسلح به دفاتر مذکور حمله برده، تعداد زیادی از کارمندان را دستگیر نموده و آنها را به زندان اوین فرستادند.

بالاخره، کنفدراسیون شاکی اظهار می‌دارد که دولت ۷ سندیکای تهران و حومه از جمله سندیکای کارگران ساختمان، سندیکای کارگران ترکیبات ساختمانی، کارگران فوفاز مرکزی و تهویه‌ی هوا، سندیکای نجارها، سندیکای کارکنان کتابفروشی‌ها و شاخه‌های مشابه، سندیکای کارگران چوب، سندیکای عکاسان حرفه‌ای و آمانور را منحل کرده است. بعد از آن ۸ سندیکای دیگر نیز منحل گردیدند: سندیکای کارگران کریستال، سندیکای جوشکاران و ذوب فلزات، سندیکای خیاطان، سندیکای رانندگان و کمک‌رانندگان کامیون، سندیکای کارخانجات خشکبار (تمام این سندیکاهای فعالیت خود را در محدوده‌ی تهران انجام می‌دادند). سندیکای کارگران لوله‌های نفتی، سندیکای ارتباطات و وسائل ساختمانی، سندیکای سنگ‌تراشان، سندیکای گوشت‌فروشان (این سه سندیکا فعالیت خود را در محدوده‌ی شهر ری انجام می‌دادند).

### ب: پاسخ دولت (ایران)

به گفته‌ی دولت اغتشاشاتی که در کارخانه‌ی پارس صورت گرفت، از جانب چند به اصطلاح کارگر بوده (و نه از جانب کارمندی که کنفدراسیون شاکی ذکر نموده است) و هیچ ربطی به مدت کار نداشته است، بلکه مربوط می‌شود به فعالیت یک گروه تروریست که هدفش بسته شدن کارخانه بوسیله‌ی ایجاد اغتشاش و جلوگیری از تولید می‌باشد. دولت می‌افزاید که دادگاههای جمهوری اسلامی ایران با همه‌ی گروههای اپورتونیست و سازمان‌های وابسته به دول خارجی که سعی در اغتشاش و توقف کار در واحدهای تولیدی، صنعتی یا کشاورزی دارند، مخالفت خواهد ورزید.

دولت اظهار می‌دارد که ۱۵ نفر از افرادی که در لیست ضمیمه قرار دارند، به خاطر ایجاد اغتشاش و داشتن رابطه با گروههای تروریست "عمیقانونی" بازداشت شده‌اند. آنها بعد از اینکه بوسیله‌ی دادگاهها مورد قضاوت قرار گرفته و محکوم

شدند، از کار برکنار گردیدند. طبق گفته‌ی دولت، ۳۰ نفر دیگری که در لیست کنفدراسیون شاکی به چشم می‌خورند، کارشان را در کارخانه ادامه می‌دهند.

در مورد اقامه‌ی دعوی در رابطه با دخالت دولت در اماکن کار بوسیله‌ی "انجمن‌های اسلامی"، دولت اظهار می‌دارد که این سازمان‌ها بعد از انقلاب برای هدایت کارگران و دادن یک چارچوب مذهبی و فرهنگی به آنها ایجاد گردیدند. دولت تاکید می‌کند که خود کارگران به عناصر وابسته به قدرت‌های خارجی، اجازه نخواهند داد که ایجاد اغتشاش و بی‌نظمی و هرج و مرج کنند و خودشان برای مقابله با چنین وضعیتی و یا با هر کس که سعی در جلوگیری از تولید و توقف کار بنماید، مداخله خواهند نمود. دولت اظهار می‌کند سندیکاهائی که لیست آنها بوسیله‌ی کنفدراسیون شاکی داده شده است، منحل و فعالیت‌های دفاتر اجرائی آنها غیرقانونی خوانده شد، چون وکالت‌نامه‌ی قانونی این دفاتر منقضی گردیده و هیچگونه انتخابات جدیدی صورت نگرفته بود.

### ج: نتایج کمیته

کمیته مشاهده می‌کند که اظهارات دولت در مورد دلایل واقعی اعتصابات، مدت زمان کار و روزهای تعطیلی و نقش انجمن‌های اسلامی در کارخانجات، بصورت کلی بیان شده است. در صورتی که اقامه‌ی دعوی در مورد آنها بطور خاص در رابطه با دستگیری‌ها و اخراج‌ها تنظیم گردیده بود. در مورد بازداشت ۴۴ کارگر نامبرده که بعد از اعتصاب در کارخانه‌ی پارس/جنرال موتورز، بوسیله‌ی نیروهای امنیتی صورت گرفت، کمیته بیانیه‌ی دولت را که طبق آن ۱۵ نفر بدلیل ایجاد اغتشاش و شرکت در آن و داشتن رابطه با گروههای تروریست بازداشت، محاکمه و بدنبال آن اخراج گردیده‌اند را مشاهده می‌کند. با در نظر گرفتن اینکه این خبر در تضاد مستقیم با اقامه‌ی دعوائی قرار دارد که طبق آن بازداشت‌ها بخاطر شرکت در یک اعتصاب بوده است، کمیته یادآوری می‌کند که دخالت نیروهای امنیتی در صورت توقف کار، باید کاملاً محدود به حفظ نظم عمومی باشد. در ضمن، کمیته در بقیه در صفحه‌ی ۲۴

## پاسخ به نامه‌های رسیده

چاپ نمی‌شود. این مسئله باعث شده که سرایندگان اشعار در نامه‌های متعددی سراغ شعرهای چاپ نشده را از ما بگیرند. در همین رابطه تذکر چند نکته را برای خواهران و برادرانی که اشعار خود را برای ما ارسال می‌دارند، ضروری می‌دانیم؛ نکاتی که رعایت آنها، تا حدودی دست ما را در چاپ تعداد بیشتری از اشعار رسیده، بازتر می‌کند.

— بارها به اشعاری برخورد می‌کنیم که بدلیل طولانی بقیه در صفحه‌ی ۲۲

خواهران و برادران عزیز؛

هر هفته تعداد قابل توجهی شعر بدست ما می‌رسد که تا آنجا که امکاناتمان اجازه می‌دهد، در صفحه‌ی سروده‌های مقاومت از آنها استفاده کرده و می‌کنیم. اما بدلیل اینکه تعداد اشعار رسیده بیشتر از آن است که ما امکان چاپ تمامی آنها را داشته باشیم، به ناچار گزیده‌ای از آنها را در نشریه چاپ می‌کنیم که در نتیجه تعداد قابل توجهی از اشعار رسیده، در صفحه‌ی سروده‌ها

فعالیت‌های بین‌المللی شورای ملی مقاومت

## طرح شکایت

### نقض حقوق کارگران ایران در سازمان بین‌المللی کار

در صفحه‌ی ۳۱

۲۵ رجب (۷ اردیبهشت)  
شهادت امام موسی کاظم (ع)  
راه پیروان راستین آن حضرت  
تسلیم می‌گوئیم

## گزارش

### جلسات بحث و گفتگوی

### شورای ملی مقاومت

### در آلمان

در صفحه‌ی ۹

## بمناسبت روز جهانی کارگر



## قابل توجه هموطنان عزیز خارج از کشور

بخش آرشیو مدارک و اسناد "مجاهد"، ضمن تشکر از کلیه هموطنان عزیز خارج از کشور که مدارک سازمانی مورد نیاز ما را از کتابخانه‌های شخصی خویش تامین کرده‌اند، لازم میدانند به اطلاع کلیه خوانندگان "مجاهد" برسانند، پاسخ مثبت و فعال بقیه در صفحه‌ی ۱۲

بدنبال انتشار اطلاعاتی "بخش آرشیو مدارک و اسناد مجاهد" مندرج در نشریه‌ی شماره ۱۸۷، مبنی بر درخواست کمک از هموطنان خارج از کشور برای تکمیل آرشیو مدارک و اسناد "مجاهد" تا قیام ۲۲ بهمن، تعداد زیادی از کتابها و مدارک سازمانی بدستمان رسیده است.

### اطلاعیه‌های نظامی مجاهدین خلق ایران مرکز کردستان

در صفحه‌ی ۲۶

نامه‌های خود را برای "مجاهد" و هم‌چنین رادیو "صدای مجاهد" به آدرس‌های زیر ارسال دارید:

انگلستان  
BM BOX 9090  
LONDON  
WC1N 3XX  
ENGLAND

اتریش  
Pf: 6  
1110 WIEN  
AUSTRIA

آلمان  
Pf.: 800552  
5\_Köln 80  
W\_Germany

فرانسه  
B.P. 214  
92108 BOULOGNE  
BILLANCOURT  
CEDEX  
PARIS FRANCE

برای ارتباط مستقیم با دفتر برادر مجاهد  
مسعود رجوی مسئول اول سازمان مجاهدین خلق ایران  
با آدرس زیر مکاتبه کنید:

B.P.18 95430  
AUVERS-SUR-OISE  
FRANCE

فرانسه

کمک‌های مالی خود را به یکی از حساب‌های زیر واریز نموده  
و حواله‌ی آنرا به یکی از آدرس‌های مقابل ارسال دارید:

انگلستان  
Midland Bank plc  
281 Chiswick High Road  
London W4 4HJ  
England  
A-Khodabandeh  
N. 91082078

از خارج فرانسه  
BANK SOCIETE GENERAL  
N°: 58133126 Mr. EBRAHIM AG. CENTRALE ETRA  
(PARIS FRANCE) code guichet 03002  
در داخل فرانسه  
B.N.P. PONTOISE 1269652

هم‌میهنان!  
در مبارزه برای سرنگونی رژیم ضدبشری خمینی، استمرار و گسترش مقاومت خونین خواهران، برادران و فرزندان مجاهد شما نیازمند حمایت‌های مالی است. حتی از کمک‌های اندک در مسیر تقویت مقاومت فروگذار نکنید و به تاثیرات آن کم بها ندهید. کمک‌های مالی خود را به هر میزان و از هر طریقی که می‌توانید به سازمان مجاهدین خلق ایران، هسته‌های مقاومت و میلیشیای مجاهد خلق برسانید.

برای آبنه شدن "مجاهد" در خارج از کشور فرم زیر را در کاغذ جداگانه‌ای پر کرده و به همراه بهای اشتراک به آدرس پستی زیر ارسال نمایید:

فرانسه  
A.E.M B.P49  
75462 Paris CEDEX 10 FRANCE

Nom: \_\_\_\_\_  
Prénom: \_\_\_\_\_  
Adresse: \_\_\_\_\_

بهای اشتراک:

سه ماهه  
 شش ماهه  
 یکساله  
معادل ۱۲ دلار  
۲۳ دلار  
۴۴ دلار

**دستور محوری روز:**  
گسترش هسته‌های مقاومت مسلحانه در سراسر کشور برای انهدام پاسداران سرکوبگر ارتجاع، شکستن طلسم اختناق و تدارک قیام‌رهائی بخش عمومی